

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آشنایی با میراث هنری و فرهنگی ایران

دوره پیش دانشگاهی

رشته هنر

شماره درس ۱۴۲۶

کمیسیون تخصصی هنر پیش دانشگاهی

آشنایی با میراث فرهنگی و هنری ایران / مؤلفان : نصرالله تسلیمی، مژگان اصلانی، محسن حسن پور، بشری گلبخش، معصومه مرادپور،

زهره نهاردانی . - تهران : شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران، ۱۳۹۱

۱۳۳ص . : مصور(رنگی). - (آموزش دوره پیش دانشگاهی : شماره درس ۱۴۲۶)

متون درسی رشته هنر دوره پیش دانشگاهی .

برنامه ریزی و نظارت، بررسی و تصویب محتوا : کمیسیون برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی رشته هنر دوره پیش دانشگاهی دفتر

برنامه ریزی و تألیف آموزش های فنی و حرفه ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش .

۱. آثار فرهنگی - ایران . ۲. آثار تاریخی . ۳. هنر ایران . الف. کمیسیون برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی . ب. وزارت

آموزش و پرورش . دفتر برنامه ریزی و تألیف آموزش های فنی و حرفه ای و کاردانش . ج. عنوان . د . فروست .

همکاران محترم و دانش آموزان عزیز :

پیشنهادهای و نظرات خود را درباره محتوای این کتاب به نشانی
تهران- صندوق پستی شماره ۴۸۷۴/۱۵ دفتر برنامه ریزی و تألیف آموزش های
فنی و حرفه ای و کار دانش، ارسال فرمایید.

پیام نگار (ایمیل) info@tvoccd.sch.ir
وبگاه (وبسایت) www.tvoccd.sch.ir
www.tvoccd.medu.ir/art

این کتاب در سال ۱۳۸۹ توسط جمعی از هنر آموزان منتخب مورد ارزشیابی قرار
گرفت و زیر نظر کمیسیون تخصصی هنر پیش دانشگاهی تألیف مجدد گردید .

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

برنامه ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر برنامه ریزی و تألیف آموزش های فنی و حرفه ای و کار دانش
نام کتاب : آشنایی با میراث فرهنگی و هنری ایران- ۵۹۴/۶
مؤلفین اعضای کمیسیون تخصصی هنر پیش دانشگاهی : نصر الله تسلیمی، مژگان اصلانی، محسن حسن پور، بشری گلبخش، معصومه مراد پور، زهره نهاردانی
آماده سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره کل چاپ و توزیع کتاب های درسی
تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن : ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹،
وبسایت : www.chap.sch.ir

مدیر امور فنی و چاپ : سید احمد حسینی

طراح جلد : محمد حسن معماری

صفحه آرا : خدیجه محمدی

حروفچین : سیده فاطمه حسینی

مصحح : رضا جعفری، حسین قاسم پور اقدم

امور آماده سازی خبر : سپیده ملک ایزدی

امور فنی رایانه ای : حمید ثابت کلاچاهی، فاطمه رئیسیان فیروز آباد

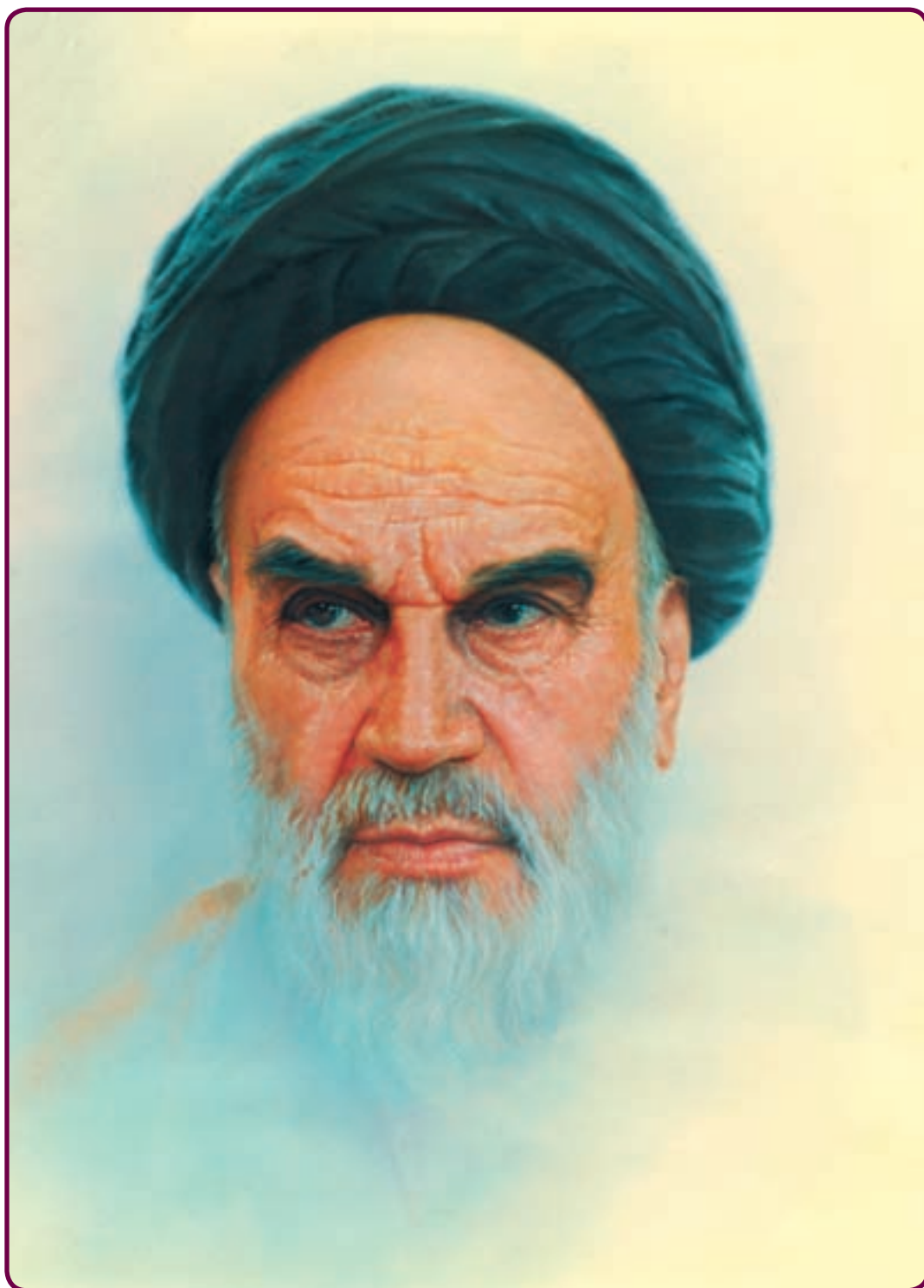
ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران : تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش)

تلفن : ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه : شرکت افست «سهامی عام»

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ سوم ۱۳۹۱

حق چاپ محفوظ است.



هنر عبارتست از دیدن روح محبت در انسانها
امام مینی ...

فهرست مطالب

مقدمه



فصل اول: میراث مکتوب ۲



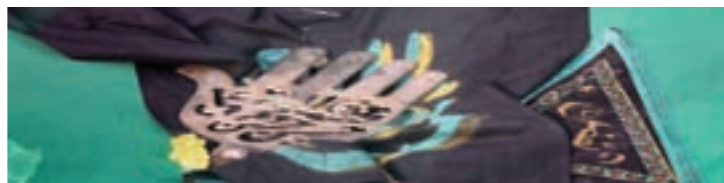
فصل دوم: میراث معماری ۱۸



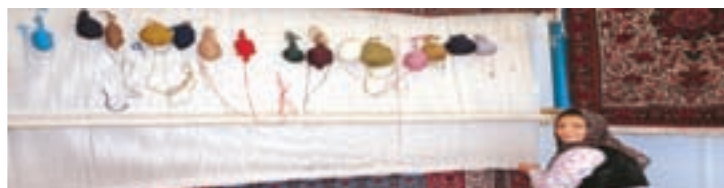
فصل سوم: باغ ایرانی ۴۶



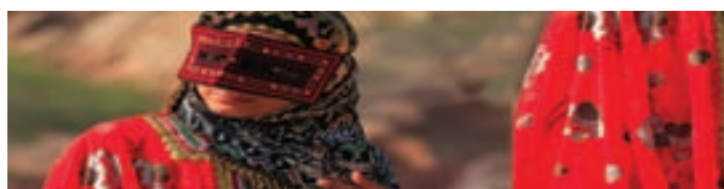
فصل چهارم: موسیقی ایرانی ۵۶



فصل پنجم: نمایش‌های آیینی و سنتی ۷۲



فصل ششم: صنایع دستی ۸۴



فصل هفتم: پوشاک و زیورآلات ۱۰۶



مطالعه آزاد ۱۲۲

منابع و مآخذ ۱۳۱

مقدمه

در بین متونی که از گذشته‌های دور به میراث رسیده است، کلمه «فرهنگ» از دو حرف «فره» به معنای «شکوه و عظمت» و «هنگ» از ریشه اوستایی «سنگ» به معنی «کشیدن» و «سنگینی» و وقار برگرفته شده است و در متون فارسی پهلوی به معنای «دانش و دانایی» آمده است.

اما در حوزه زبان انگلیسی مفهوم «فرهنگ» تحولات دیگری به خود می‌بیند. تایلور «فرهنگ»^۱ را مترادف با «تمدن»^۲ به کار گرفت. او معتقد است فرهنگ کلیت در هم تنیده‌ای است که از «دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم، و هرگونه توانایی و عادتی که آدمی به عنوان عضو جامعه به دست می‌آورد تشکیل می‌شود».

البته نظام فرهنگی یک جامعه را به عنوان مجموعه‌ای از باورها، آیین‌ها، اندیشه‌ها، ارزش‌ها و نیز مسایل، موضوعات و مقولات مادی که تک تک افراد به عنوان اعضای این گروه یا اجتماع آنها را فرا می‌گیرند هم لحاظ می‌کنند.^۳ هر چند در این مورد مجموعه وسیعی از تعاریف موجود است، اما عام‌ترین تعریف این رویکرد از آن تایلور است.

در دیدگاه علمای ایرانی از جمله علامه جعفری، هر امری که در جهت رشد انسان به سوی کمال اثرگذار باشد جزء فرهنگ محسوب می‌شود و هر چه که از این خصوصیت بهره‌مند نباشد در حوزه فرهنگ قلمداد نمی‌شود.

محمد اسلامی ندوشن نیز مهم‌ترین پدیده در فرهنگ را عنصر کمال و اعتلاء قلمداد نموده و بدون کمال و اعتلاء هستی برای فرهنگ قابل نیست. از این روست که در ارتباط با فرهنگ می‌نویسد: «هرچه میزان فرهنگ بالاتر باشد، رابطه انسان با خود و جامعه و به‌طور کلی با جهان گرم‌تر خواهد بود و زندگی از کیفیت بالاتری برخوردار خواهد گشت.» و در جای دیگر می‌نویسد: «فرهنگ حاصل و نتیجه کردارهای نجیبانه و تعالی بخش انسان بوده و به او امکان می‌دهد تا در عالمی برتر از عالم غریزه زندگی نماید.

در نهایت همه بر این باورند که دین، هنر، اسطوره، زبان و علم را مهم‌ترین عناصر فرهنگ برمی‌شمارند و این امور را مهم‌ترین عناصر جهان انسانی تلقی می‌کنند.

از آنجا که نظام هنری و زیبا شناختی رابطه مستقیم بر فرهنگ جامعه دارد؛ هنر دارای مصادیق متعدد و گسترده‌ای همانند شعر، موسیقی، نقاشی، معماری، صنایع دستی و اموری از این قبیل می‌گردد. فرهنگ هر جامعه هنر آن جامعه را هدایت و رهبری می‌نماید و فرهنگ در قالب آن تحقق عینی می‌یابد.

فرهنگ و هنر در سرزمین ایران طی هزاران سال تاریخ پرفراز و نشیب، همواره در جلوه‌هایی گوناگون تجلی یافته است. فرهنگ و هنری به قدمت، در جلوه‌هایی از خلاقیت و شیوه‌های زندگی بروز یافته است. اگر خلاقیت و از آن جمله خلاقیت هنری را، استعداد تولید ایده‌های فراوان و به کار بستن شیوه‌ها و روش‌های گوناگون بدانیم، بی‌تردید یکی از پایه‌های لازم برای آن همین اندوخته‌های فرهنگی و هنری، دیدن و تأمل و تجربه آثار گذشتگان است. در این زمینه میراث فرهنگی و هنری ایران منبع لایزال آموزش و پرورش خلاقیت هنری است. و رشد و بالندگی این خلاقیت پیوسته در گرو شناخت آن میراث است.

پژوهش، حفظ و احیا و معرفی میراث فرهنگی و هنری ایران سبب بالندگی روح، ارتقاء اعتماد به نفس و مایه فخر و مباهات هنر ایرانی است و توجه به آن بسیار حائز اهمیت است. گذشتگان ما تا پای جان در حفظ و حراست این یادگارهای گران‌بها تلاش کرده‌اند، شایسته نیست که نسبت به اهمیت این مقوله و ارزش‌های نهفته آن غفلت شود و اکنون وظیفه ما این است که همچون پدران خود میراث هنری جاویدان کشورمان را نگهداری کنیم.

۱- culture

۲- civilization

۳-Thompson

بنابراین فرهنگ بر اساس ارتباط انسان با ابعاد سه گانه محیط زیست، جامعه و مایورای طبیعت شکل می‌گیرد که در دو بخش عمده جسمانی و رفتاری قابل طبقه‌بندی است و فرهنگ مادی و معنوی را در بر می‌گیرد. فرهنگ معنوی بخش پویای میراث فرهنگی است. همه باورها و اعتقادات، صورت‌های ذهنی فرهنگ و همه سنت‌ها و رفتارهای آیینی، رفتارهای هنری و تفریحی جلوه‌های گوناگون فرهنگ معنوی هستند و خود به دو بخش «آثار فکری و رفتاری» و «شخصیت‌های برجسته» تقسیم می‌شود. در حقیقت فرهنگ معنوی بدنه اصلی فرهنگ ملی است و روح کالبد فرهنگ مادی است.

فرهنگ‌ها در جوامع متفاوت هستند. هر فرهنگ تعاریفی از حقایق موجود که بر پایه آن، معارف مردمش را شکل می‌دهد شامل اعتقادات مذهبی، باورهای اساسی، اساطیر و تئوری‌های علمی و امثال آن است. در فرهنگ اسلامی اعتقاد در مورد خلقت انسان، آینده بشریت و ماهیت وجود و رابطه خالق و غیره وجود دارد. به بیان دیگر افکار هر مردمی در قالب سمبل‌های صوتی و بعضی اوقات اشارات تصویر، حرکات بدنی و امثال آن خلاصه می‌شود. که به نوعی نماد آن جامعه محسوب می‌شوند. نماد به هر نوع زیست، شیء، علامت، و یا رفتاری که توسط اکثریت اعضای یک جامعه استفاده می‌شود و از بار معنی برخوردار باشد اطلاق می‌شود. نمادها کارکرد برقراری ارتباط را به شکل مختصر و کوتاه به عهده دارند و بیانگر احساسات اند که از آن نتیجه می‌شود. نمادها علاوه بر اینکه از بعد عینی و برونی برخوردارند دارای بعد ذهنی همانند صداقت و وفاداری به پرچم و آزادی نیز می‌باشد.

البته نباید فراموش کرد که نمادها اختصاص به زبان ندارند، بلکه هر پدیده که حامل معنی باشد جزء نماد محسوب می‌شود. کاربرد نمادها به کنشگران اجازه می‌دهد تا از زمان، مکان و حتی شخص خودشان فرا گذرند. انسان‌ها با کاربرد نمادها، می‌توانند درباره چگونگی زندگی در گذشته و یا در آینده، تفکر کنند. از این گذشته، کنشگران از این طریق می‌توانند به گونه‌ای نمادین از شخص خود فرا گذرند و جهان را از دیدگاه اشخاص دیگر در نظر آورند. از همه مهم‌تر اینکه، نمادها نمی‌گذارند انسان‌ها اسیر محیط‌شان شوند. انسان‌ها از این طریق می‌توانند به جای منفعل بودن، فعال گردند یعنی در اعمال‌شان متکی به خود باشند. برای مثال از نمادهای ایرانی قبل از اسلام، گل نیلوفر و بعد از اسلام که البته متعلق به جهان اسلام است می‌توان نماد اسلیمی را یکی از آنها نام برد.

تعریفی که در این نوشتار پس از عبور از میان تعاریف متعدد و متنوع فرهنگ برای فرهنگ انتخاب شده این است «فرهنگ به نظام معرفتی مشترک میان انسان‌ها اطلاق می‌شود که در امور مادی تجلی می‌یابد و دائماً از نسلی به نسل دیگر منتقل گردیده و شیوه زندگی را مهیا می‌سازد» فرهنگ طبق تعریف از عناصر و اجزای مادی/بیرونی و معنایی/ذهنی تشکیل شده و از خصوصیات مانند عمومیت، بالندگی و اکتسابی برخوردار است.

ن باید فراموش کرد که «میراث فرهنگی هنری» تنها حاصل کار و وجود «شخصیت‌های انسانی» نامدار تاریخ نیست بلکه تمامی مردم، دانشمندان، هنرمندان، صنعتگران و صاحبان حرفه و پیشه و... در آن سهمی دارند. «میراث فرهنگی و هنری» را می‌توان این گونه تقسیم‌بندی کرد:

۱- آثار به جای مانده (مادی) شامل آثار منقول (اشیا، آثار مکتوب، وسایل کار و زندگی و علوم و فنون) و آثار غیر منقول (آثار معماری، تک بناها و مجموعه‌های زیستی)

۲- آثار به یاد مانده (معنوی) شامل آثار فکری و رفتاری (رفتار و کردار، تعلیم و تربیت، آداب و سنن، آیین‌ها و مراسم، سنت‌های هنری، زبان و گویش، اندیشه و بینش) و شخصیت‌های برجسته کتاب حاضر بر مبنای آنچه از این میراث گران‌بها باقی مانده است از قدیمی‌ترین ایام تا عصر حاضر گزیده‌ای را طبقه‌بندی و به اجمال معرفی کرده است و به علت گستردگی مطلب ضمن معرفی آثار مادی اشاراتی هم به آثار معنوی شده است.

فصل‌های کتاب شامل میراث مکتوب، میراث معماری، باغ ایرانی، موسیقی ایرانی، نمایش‌های آیینی و سنتی، صنایع دستی و پوشاک و زیورآلات می‌باشد. ضمیمه میراث جهانی نیز جهت مطالعه آزاد ارائه می‌شود.

این درس به صورت موازی با سیر هنر در تاریخ اجرا می‌شود. به علت ویژگی اساسی هنر معماری که محل همگرایی تمام هنرهای ایرانی اسلامی است شاید بعضی قسمت‌های این فصل با کتاب سیر هنر در تاریخ هم‌پوشانی داشته باشند که در روند یادگیری بلند مدت تأثیر مستقیم دارد.

هدف کلی

آشنایی با ارزش‌های فرهنگی و هنری ایران به منظور
حفظ اصالت و نگهداری میراث فرهنگی و هنری.

فصل اول

میراث مکتوب



فما أفقونا على الله كخ بلاء

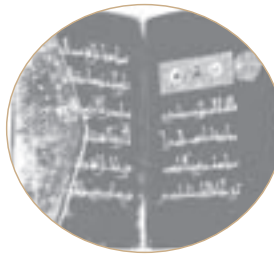
ما فلتنوا بعد ما خففنا

وما يعوز لنا من بعد

لا نشتا الله ونشأ

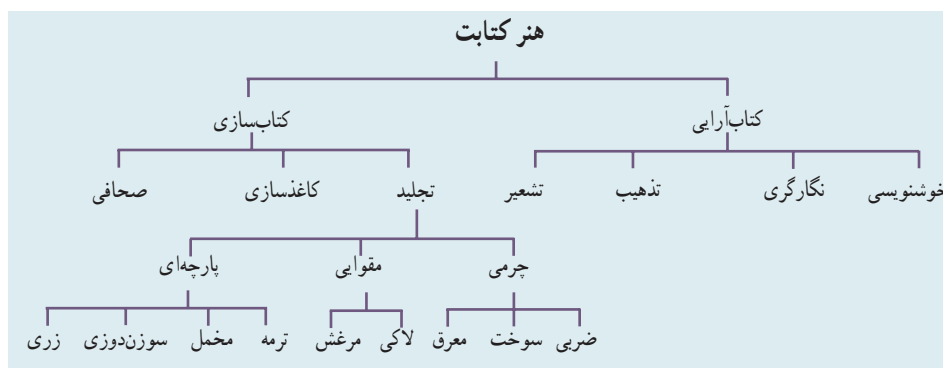
شجركنا على الله توكل

میراث مکتوب



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل، از فراگیر انتظار می‌رود:

- ۱- پیشینه پیدایش خط را در قبل از اسلام شرح دهد.
- ۲- مراحل تحول خط پس از ظهور اسلام را توضیح دهد.
- ۳- سیر تاریخی، استادان معروف و کاربرد هر یک از انواع خوشنویسی نامبرده را شرح دهد.
- ۴- انواع خوشنویسی تفننی و خطوط ابداعی معاصر را نام ببرد.
- ۵- سرچشمه‌های هنر کتابت ایران را بیان کند.
- ۶- آداب کتابت در خوشنویسی ایران را شرح دهد.



میراث مکتوب

بارزترین ویژگی انسان در برتری نسبت به سایر موجودات، زبان و اندیشه و به دنبال آن دستیابی به خط و کتابت است. مطالعه «زبان و خط و تاریخ تحول آن» از مهم‌ترین مطالعات و کاوش‌های علمی است. شاید به همین دلیل در قرآن کریم خداوند نیز به قلم سوگند یاد کرده است.

به طور کلی میراث مکتوب در فرهنگ ایرانی شامل تاریخ خط قبل از اسلام و بعد از اسلام و هنر کتابت در ایران است، که به آن می‌پردازیم.

تاریخ خط قبل از اسلام

در اسطوره‌های ایران باستان پیدایش خط را به تهمورث برادر جمشید و یکی از پادشاهان پیشدادی نسبت داده‌اند. در تاریخ بلعمی (ترجمه‌ای از تاریخ طبری) نیز به این موضوع اشاره شده است. در فارسنامه ابن بلخی و مجمل‌التواریخ و شاهنامه فردوسی نیز این داستان آمده است. در کاوش‌های باستان‌شناسی اخیر در محوطه جیرفت کرمان در کنار زیگورات عظیمی، کتیبه‌های آجری به خط نشانه‌ای پیش ایلامی^۱ کشف شده (تصویر ۱) و باعث شد تا باستان‌شناسان درباره داشته‌ها و ادعای پیشین خود نسبت به کهن‌ترین تمدن جهان (سومر) تجدیدنظر کنند. وجود این کتیبه‌ها در کنار آثار عظیم معماری عصر باستان، نشانی از یک تمدن پیشرفته، حکومت مقتدر و نظام اقتصادی قوی محسوب می‌شود.^۲ خط پیش ایلامی بر کتیبه‌ها و ظروف زیادی برجای مانده است. (تصویر ۲) همچنین در محوطه باستانی شهداد کرمان (خبیص) تعداد قابل توجهی سفالینه قرمز رنگ پیدا شده است. مطالعات انجام شده بر روی بیش از هفت صد سفالینه که دارای علائم و خطوط نشانه‌ای هستند، نشان می‌دهد که کلمات مشکل را به وسیله فشار مُهر فلزی یا سنگی در بدنه ظرف به وجود آورده‌اند و علائم ساده خطی را با قلم کنده‌اند.

کشف خط نشانه شهداد دریچه تازه‌ای در خطوط ابتدایی اقوام پیش از تاریخ نواحی شرق ایران گشود^۳ (تصویر ۳) همزمان با شهداد خطوط ایلامی بر روی الواح گلی و سنگی معمول شد (تصویر ۴).

گسترش خط به مناطق غربی و جنوب ایران محدود نشد. کاربرد خطوط نشانه‌ای تا دورترین اماکن رواج یافت زیرا بین تمدن‌های بزرگ ایلام، سومر، موهنجودارو و هاراپا ارتباط فرهنگی برقرار شده بود.

در اواسط هزاره دوم قبل از میلاد آثار شکوفایی و تحول بزرگ خط در معبد چغازنبیل شوش (بزرگترین زیگورات جهان) نمایان شد. آجر نبشته‌های خط میخی ایلامی بر آن بنای رفیع مشهود است. آجرهای تزئینی با لعاب رنگارنگ آبی و سفید حاوی نام سازنده زیگورات (اوتناش‌گال پادشاه ایلامی) به خط میخی ایلامی است و نام خدای اینشوشیناک نیز تکرار شده است.

۱- Proto Elamite

۲- متأسفانه حفاران و قاچاقچیان اشیای عتیقه، بسیاری از میراث گرانبهای تمدن جیرفت را به بهای اندک از ایران خارج کرده و به موزه‌داران بزرگ دنیا فروخته‌اند.

۳- کتیبه شش کلمه‌ای به خط نشانه‌ای ایلامی (هزاره سوم ق.م) بر لبه یکی از خمره‌ها حاوی این مفهوم است: «شصت کا آب باران شیرین»

به طور کلی خط و کتابت در ایران نتیجه پیشرفت و خیزش درون محلی است و تأثیر میان‌رودان در آن کم‌رنگ است. صرف نظر از خط پیش ایلامی در تمدن جیرفت، اگر خط میخی در جنوب غربی ایران در فرآیند مبادلات فرهنگی – اقتصادی از سومر تأثیر گرفته باشد، اما راه مستقلی را در پیش گرفته و هرگز نوشتار تصویری سومری در حوزه فرهنگ ایلامی مقدم تقلید و اقتباس نشده است.

مردم آنشان (فارس امروزی) در محدوده دوره ایلامی خط میخی را از ۸۰۰ علامت به ۳۰۰ علامت ساده تبدیل کردند و برای بعضی از اصوات نیز علائمی وضع کردند. پس از ورود آریایی‌ها، مادها آن را از صورت نموداری و آهنگی به شکل الفبایی درآوردند و این مهم‌ترین تغییر و پیشرفت در آسان نمودن خط به شمار می‌رود. گرچه تاکنون کتیبه یا سندی از مادها به دست نیامده است ولی از بررسی کتیبه‌های میخی دوران هخامنشی در تخت جمشید، بیستون و نقش رستم، این مطالب به خوبی روشن می‌شود. میخی پارسی از میخی بابلی و ایلامی ساده‌تر است و تنها در استفاده از شکل میخ^۱ با آن دو اشتراک دارد (تصویر ۵). بنابراین خط میخی پارسی آخرین دگرگونی این خط و اوج شکوفایی آن محسوب می‌شود. تمامی کتیبه‌های پارسی با ستایش اهورا مزدا آغاز می‌شود و با تأکید بر وحدانیت خداوند پیامی را ارائه می‌دهد و این سنت پیام مکتوب هخامنشی است. کتیبه‌های بسیار متعددی از پارس‌ها به دست آمده است که در این میان کتیبه استوانه‌ای کوروش به عنوان نخستین منشور حقوق بشر جهان، از مفاخر ایران به شمار می‌رود (تصویر ۶).



تصویر ۵- شکل میخ در نوع نوشتار میخی

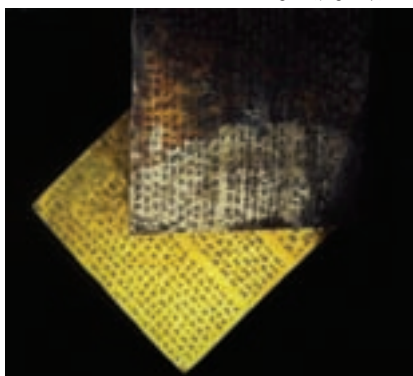


تصویر ۶- حقوقی که در این منشور اشاره شده است، امروزه انسان پس از ۲۵۰۰ سال هنوز در اندیشه ایجاد و فراهم سازی آن است و آرزوی گسترش آن عدالت را در سر می‌پروراند.

۱- استفاده از قلم نوک مثلث (گوه شکل) به جای قلم نوک نیز باعث سرعت نگارش شد اما مقطع میخ ماندنی هم به وجود آورد.



تصویر ۷- بخشی از سنگ نگاره و سبک نبشته کتیبه کوه بیستون



تصویر ۸- لوح سیمین و زرین داریوش - کشف شده از پایه های کاخ تخت جمشید - به سه خط میخی ایلامی، بابلی و پارسی - موزه ملی ایران



تصویر ۹- اثر مهر استوانه ای داریوش - به سه خط میخی ایلامی، بابلی و پارسی

گنج نامه همدان، کتیبه کوروش در پاسارگاد، کتیبه های نقش رستم، شوش، تخت جمشید و... از مهم ترین آثار بازمانده از خط و زبان پارسی باستان است.

همچنین کتیبه بیستون یکی از با ارزش ترین اسناد تاریخی به جا مانده از دوران باستان در جهان محسوب می شود. تعدادی از پژوهشگران و دانشمندان اروپایی به کمک کتیبه سه زبانه بیستون توانستند ابتدا رموز خط میخی پارسی و سپس خطوط میخی ایلامی، بابلی و آشوری را کشف کنند و به این ترتیب به تاریخ کهن سرزمین ایران و میان رودان پی ببرند (تصویر ۷). در بخشی از کتیبه داریوش می گوید: «... به خواست اهورا مزدا و به فرمان من این کتیبه ها به آریایی (پارسی) که پیش از این نبود، روی لوح و پرچم نوشته شد و نزد من خوانده شد. سپس من این نوشته ها را به میان کشورهای دیگر فرستادم و مردم پذیرا شدند...» وجود کتیبه ها به زبان های مختلف بیانگر احترام داریوش به فرهنگ و زبان های دیگر است. (تصویر ۸ و ۹).

در دوران هخامنشی در کنار خطوط میخی خط آرامی^۱ هم دیده می شود. از مهم ترین کشفیات خزانه تخت جمشید هزاران لوح سفالی کوچک است که به خط میخی ایلامی دستمزد کارگران بر آن حک شده است و پژوهشگران با ترجمه و بررسی این الواح به رازهای بزرگی پی برده اند. از جمله اینکه هیچ کس در ساخت تخت جمشید به بیگاری گرفته نمی شد و تمامی افراد از ملیت های مختلف در آنجا کار می کردند و علاوه بر حقوق عادلانه به نوعی بیمه هم بودند. زنان پایه پای مردان وظایفی به عهده داشتند و هر زنی که کودکی به دنیا می آورد، علاوه بر حقوق و مرخصی، مبلغی به عنوان پاداش دریافت می کرد. (تصویر ۱۰)



تصویر ۱۰- طرح از کارگران و سنگ تراشان تخت جمشید

۱- خط آرامی حدود قرن دهم ق.م از فنیقی ها اقتباس شد و رواج یافت و آن خطی الفبایی است که دارای ۲۲ حرف می باشد.

در کتیبه مشهوری که در لایروبی کانال سوثر کشف شده با خط میخی پارسی و هیروگلیف مصری به حفر این کانال توسط داریوش و نام دریای پارس اشاره شده است.

در حال حاضر از مجموعه الواح کوچک گلی یافت شده و در تخت جمشید هزاران لوح مربوط به بایگانی دیوانی داریوش در گنجینه موزه ملی ایران نگهداری می‌شود که هنوز خوانده نشده است و در صورت خوانده شدن افق‌های تازه‌ای بر هنر معماری و تمدن هخامنشی خواهد گشود.

پس از حمله اسکندر مقدونی در دوران سلوکی (حکومت کوتاه مدت یونانی‌ها بر ایران) روی سکه‌ها نوشته‌هایی به خط یونانی ضرب شده است. در دوره اشکانی با ابداع خط پهلوی اشکانی تحول نوینی در کتابت پدید آمد که در کلیه مناسبات از ضرب سکه یا پوست نوشته و دیوار نوشته به کار می‌رفت.

در دوره ساسانی خط پهلوی با تغییراتی رواج یافت.^۱ این خط به دلیل رواج دین زردشت و کتاب اوستا به نام خط اوستایی (دین دبیره) نامیده شد و سکه‌های ساسانی با خط پهلوی ساسانی ضرب شد (تصویر ۱۱). در نقش رستم فارس و بنای کعبه زردشت در نزدیکی آن شرح شکست والین امپراطور رومی در جنگ با شاپور پادشاه ساسانی حک شده است. همچنین در دورا اوروپوس (واقع در سوریه امروزی) مطالبی به پارتی و خط پهلوی بر روی سفال و پوست و دیوار نوشته شده است.

تاریخ خط و خوشنویسی بعد از اسلام

در سال ۶۵۱ میلادی با سقوط سلسله ساسانی، دین مبین اسلام وارد ایران شد. تا چند قرن پس از ظهور اسلام زبان و خط پهلوی در ایران تداوم داشت ولی زبان فارسی دری گسترش یافت و به سبب نیاز مذهبی خط کوفی^۲ به همان شیوه ابتدایی نوشته می‌شد. به زودی ایرانیان کوشیدند که از این خط، خطی زیبا با قاعده و برابر ذوق ایران به وجود بیاورند و این آغاز خوشنویسی در ایران بود. خوشنویسی به مرور ترقی کرد و تزئینات آن غنی شد و مقام مهمی را احراز کرد و نه تنها در کتابت قرآن مجید^۳ بلکه در نقش سفالینه‌ها، قلمزنی فلزات، کتیبه‌های معماری، سکه‌ها و ... به کار برده شد. (تصاویر ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷)



تصویر ۱۱- سکه دوره ساسانی - حاشیه به خط پهلوی ساسانی



تصویر ۱۲- جام قلم زنی شده با خط ثلث - موزه صنایع دستی معاصر ایران



تصویر ۱۳- سکه ایلخانی - نقره ضرب شده در یزد - موزه ملی ایران

۱- خط‌های دوره ساسانی: طبق استانداردها و نوشته‌های نویسندگان بزرگ چون ابن مقفع هفت خط (اوستایی (دین دبیره) کشته دبیره، آم‌دبیره و ...) متفاوت ساسانی وجود داشت. برای سروده‌های دینی (اوستایا دین دبیره)، احکام دادگستری و حسابهای خزانه دولتی، کتیبه و نام پادشاهان بر روی سکه‌ها، دستورات پزشکی متون فلسفی، منشور پادشاهان و خطی مخصوص پادشاهان که آموختن آن برای دیگران جرم بزرگی محسوب می‌شد و خطی دارای ۳۶۵ حرف بود (به عنوان کاملترین خط دنیا که با آن همه زبان‌های آن زمان مانند ترکی، رومی، یونانی و ... را هم می‌نوشتند. و حتی قادر بودند صداهایی چون شُرْشُر آب و آواز پرندگان و حالات چهره را بنویسند).

۲- بسیاری از محققان معتقدند که از خط آرامی شش نوع خط به وجود آمده است: (۱) هندی (۲) فارسی پهلوی (۳) عبری (یهودیان) (۴) سریانی (۵) تدمری (۶) بُطی.

نبطی مادر خط کوفی است. دو شاخه مهم کوفی، شرقی و غربی است.

۳- کتابت در آغاز اسلام به کمک رسول اکرم (ص) رواج یافت. خالد بن ابی‌الهیاج اولین کسی بود که در صدر اسلام از سوره «الشمس تا آخر قرآن» را در کتیبه مسجدالنبی با زر نوشت.



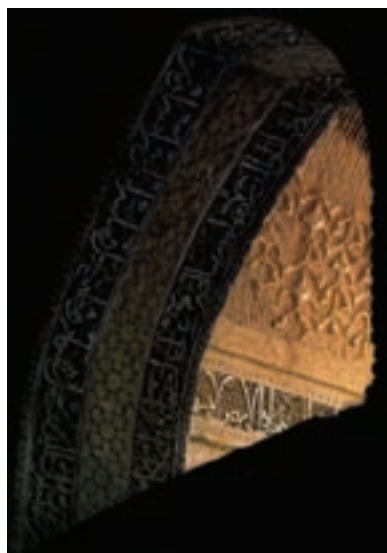
تصویر ۱۵- ظرف مسی قلم‌زنی شده با خط ثلث



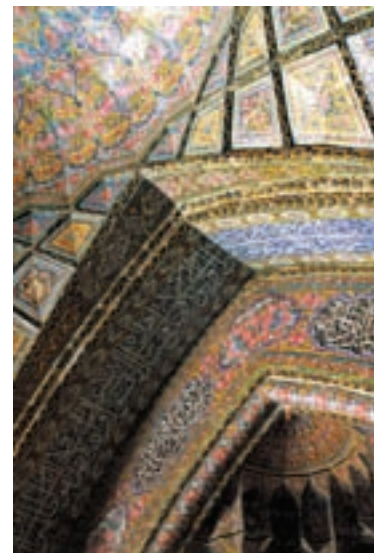
تصویر ۱۴- کاسه پایه‌دار سفالی لعاب‌دار با خط کوفی و نقش ماهی - در اطراف کاسه کلمه برکه تکرار شده است



تصویر ۱۸- خط کوفی یک صفحه از قرآن، سده سوم و چهارم هجری - موزه رضا عباسی



تصویر ۱۷- مسجد نصیرالملک - شیراز دوره قاجاریه



تصویر ۱۶- مسجد جامع اردستان، اصفهان - دوره های سلجوقی و صفویه - از میراث جهانی



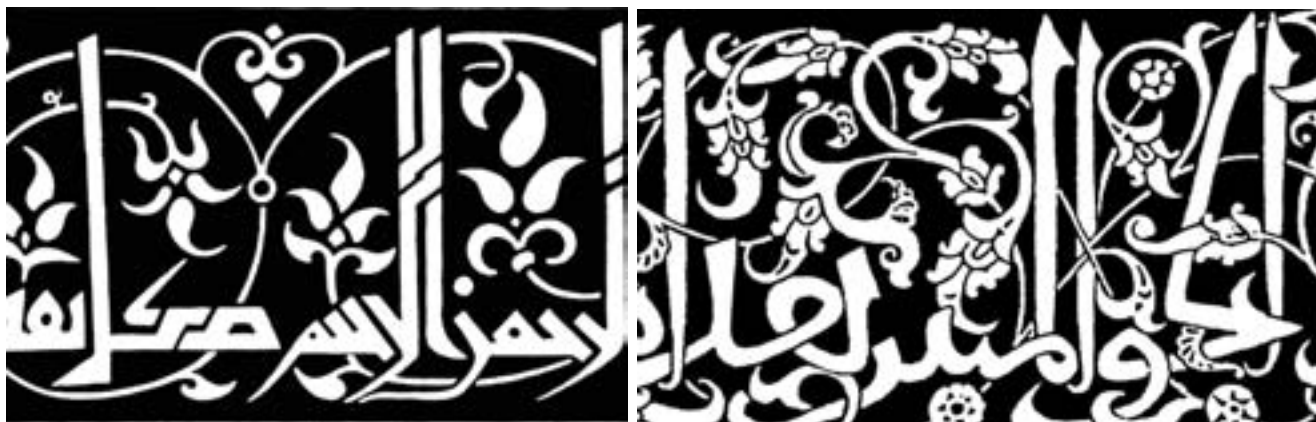
تصویر ۱۹- کوفی ساده ایرانی - پیرآموز

خط کوفی ابتدا بدون نقطه و حرکات زیر و زبر و بیش نوشته می‌شد، بعدها برای جلوگیری از اشتباه به آن نقطه و حرکات اضافه شد.^۱ هرچند به علت مخالفت مسلمانان در دست بردن به آیات قرآن، نقطه و حرکات را با رنگی متفاوت از متن نوشتند (تصویر ۱۸).

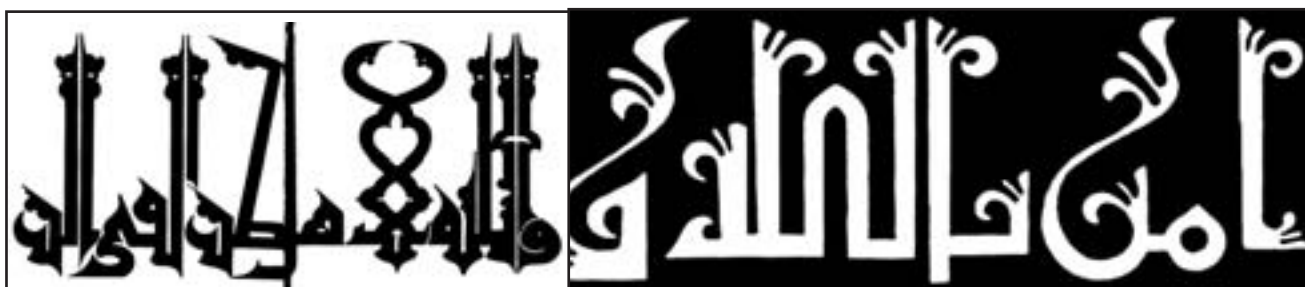
با این همه خواندن و نوشتن خط کوفی با مشکلات همراه بود از این رو ایرانیان بعدها با ذوق و سلیقه خود نوعی کوفی ساده و روان ایجاد کردند که آن را کوفی پیرآموز یا کوفی ایرانی نامیدند (تصویر ۱۹).

۱- به دستور حضرت علی (ع) نخستین کسی که نقطه را برای خط کوفی وضع کرد، شاگرد آن حضرت، ابوالاسود دؤلی بود.

انواع خط کوفی و کوفی تزئینی را از پنجاه نوع بیشتر می‌توان برشمرد. (تصاویر ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳) اما آنچه بیشتر در ایران به کار می‌رفت شامل کوفی تحریری، تزئینی، بنایی و بعدها کوفی پیرآموز بود که رواج یافت. کوفی بنایی یا معقلی در نمای بناهای مقدس و مذهبی به کار رفت. در این نوع کوفی کلمات و جمله‌ها با استفاده از خط مستقیم و هندسی به صورتی زیبا، محاسبه و طراحی شد و سپس با آجر لعابدار یا کاشی یک رنگ روی بنا به کار رفت (تصاویر ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷).



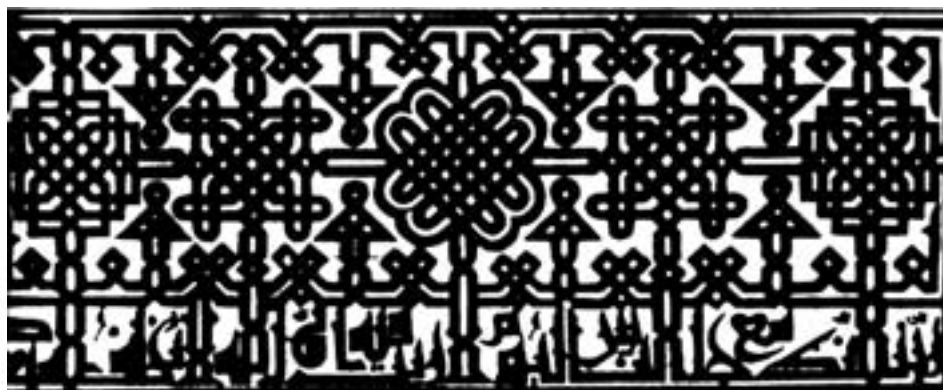
تصویر ۲۰- کوفی مُزهر (گل‌دار) - گچ‌بری مسجد جامع قزوین.



تصویر ۲۱- کوفی مُورق (برگ‌دار) - کتیبه مسجد حیدریه قزوین



تصویر ۲۳- کوفی مُوشح (شکل‌دار) -
به شکل قُبّه - عبارت ولاغایب الاالله



تصویر ۲۲- کوفی مُشتابک (گره‌دار) - کتیبه مسجد جامع قزوین



تصویر ۲۵- کوفی بنایی ساده - کاشی کاری



تصویر ۲۴- کوفی بنایی ساده با آجر لعاب دار - بقعه
شیخ صفی الدین اردبیلی - دوره صفویه



تصویر ۲۷- کوفی بنایی مشکل -
۶ بار کلمه علی تکرار شده است



تصویر ۲۶- کوفی بنایی متوسط - کلمات الله محمد، علی

اقلام سته

در اوایل دوره اسلامی ایرانیان دگرگونی تازه‌ای در خط پدید آوردند و با ظهور چهره درخشان «محمد بن علی فارسی» معروف به ابن مقله شیرازی خط وارد مرحله جدیدی شد و خطوط محقق و ریحان، ثلث، نسخ، رقاع و توقیع مشهور به اقلام سته پدید آمد. وی خطوط نسخ و رقاع و محقق را به قاعده درآورد و از آن پس بسیاری از قرآن‌ها و کتاب‌ها به نسخ نوشته شد. وی دوازده قاعده کلی خط را نیز وضع کرد.^۱

علی بن هلال معروف به ابن بواب براساس قواعد هندسی و دوازده قاعده، اقلام سته را زیباتر و روان‌تر جلوه داد و خط ریحانی را کمال بخشید. به خط ابن مقله و ابن بواب خطوط «منسوب»

۱- ضعف و قوت، سطح و دور، صعود و نزول، نسبت و ترکیب، کرسی و اصول، صفا و شأن.

می‌گویند. یاقوت مستعصمی با جدیت و ابتکار اقلام سته را ترویج کرد و خط نسخ و ثلث را به مقامی والا رساند. اقلام سته یاقوتی را خطوط «اصول» می‌گویند.

از خط نسخ بیشتر در کتابت قرآن مجید استفاده می‌کردند و از خط ثلث در سر سوره‌ها، قطعه‌نویسی، کتیبه نویسی در مساجد و مکان‌های زیارتی استفاده می‌کردند. توقیع و رقاع برای نامه‌نگاری و محقق و ریحان برای نوشتن قطعات و کتابت به کار می‌رفت. امروزه نسخ و ثلث به علت رواج در کتابت قرآن کریم و برخی کتاب‌های مذهبی همچنان رواج دارد (تصویر ۲۸، ۲۹ و ۳۰).



تصویر ۲۸- قرآن مجید - نسخ ریحانی - سر سوره به خط رقاع - قلم سفیداب در زمینه زردول‌کشی - موزه ملی ایران



تصویر ۳۰- قرآن مجید به خط محقق و ریحان - شمشه لاجوردی و زرین - سر سوره و نشان - موزه رضا عباسی



تصویر ۲۹- قرآن مجید - خط محقق - دایره زرین برای علایم آیات - موزه رضا عباسی

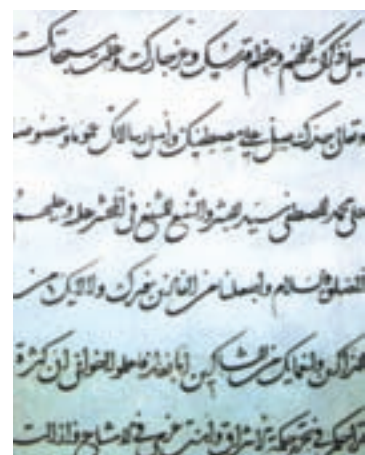
در اواخر عهد صفوی احمد نیریزی در شیوه خط نسخ تغییراتی ایجاد کرد که به نسخ ایرانی مشهور شد.

تعلیق

خط تعلیق با شباهت‌های زیادی به خط پهلوی اوستایی (پیوند خط ایرانی و عربی) به وجود آمد و در مکاتبات اداری و دیوانی رایج شد. بعدها این خط توسط خواجه تاج اصفهانی و خواجه اختیار منشی گنابادی به کمال رسید. این خط نه تنها با پیچیدگی و انحناهای زیاد خواندن را مشکل می‌کرد، بلکه بدون حرکات زیر و زبر و پیش هم به کار می‌رفت (تصویر ۳۱). نیاز به تندنویسی موجب شد که در این خط پیوستگی حروف و کلمات زیاد شود و سرعت کتابت افزایش یابد و در نوشتن مراسلات استفاده شود. این شیوه را ترسل یا شکسته تعلیق نامیده‌اند.

نستعلیق

به تدریج خطی از ترکیب نسخ و تعلیق در ایران به وجود آمد که نستعلیق نام گرفت. خطی منظم و معتدل که از کندی نسخ و نقایص تعلیق به دور بود؛ دارای نظم و اعتدال با دایره‌های ظریف و موزون، و عروس خطوط اسلامی نامیده شد. خط نستعلیق هنری است نمادین که از نگاه عارفانه ایرانی به عشق و هستی پدید آمده است. (تصویر ۳۲)



تصویر ۳۱- قطعه خط تعلیق - صفحه اول حکمت الاشراف سهروردی به خط سید محمد منشی سلطانی - قرن ۹ هجری



تصویر ۳۲- خط نستعلیق - خط میرعماد حسنی به سبک و شیوه میر علی هروی



تصویر ۳۳- دیوان حافظ - خط نستعلیق - کتابت بر کاغذ اصفهانی آهار شده - دارای سرلوحه و جدول کشی و مهر ناصرالدین شاه



تصویر ۳۴- دیوان حافظ - شکسته نستعلیق توسط علی محمد شیرازی - کتابت بر کاغذ زرافشان - دارای سرلوحه و جدول کشی - طلاندازی متن و حاشیه مذهب مرصع - کتابخانه کاخ گلستان - تهران

اصلاح و انضباط این خط توسط میرعلی تبریزی انجام شد و با ابتکار و خلاقیت میرعماد حسنی صیفی قزوینی (میرعماد بزرگ) به درجه ممتاز رسید. (تصویر ۳۳)

محمدرضا کله‌بر زیبایی این خط افزود و شیوه کتابت نستعلیق را به کمال رساند و نیز برای به کارگیری در صنعت چاپ اندک تغییراتی در آن به وجود آورد. سفرنامه ناصرالدین شاه به خراسان با چاپ سنگی اثر اوست.

میرزا غلامرضا اصفهانی با نگاهی هنرمندانه به جنبه‌های تجسمی و تصویری نستعلیق، سیاه مشق‌های جاودانه خود را آفرید.

شکسته نستعلیق

نیاز به تندنویسی رفته‌رفته خط نستعلیق را پیچیده کرد و به دست مرتضی قلی خان شاملو و سپس محمد شفیع هروی (شفیعا) تکمیل شد و توسط درویش عبدالمجید طالقانی به درجه کمال رسید. سیدعلی اکبر گلستانه شیوه درویش را ادامه داد ولی ناخوانا بودن این خط باعث شد تا خوشنویسانی چون قائم مقام فراهانی و امیرنظام گروسی آن را ساده‌تر کنند (تصویر ۳۴).

شیوه‌های کاربرد خوشنویسی

استادان خوشنویسی با افزودن نقشی اندک یا درهم پیچاندن حروف و یا ترکیب‌هایی شیرین و ... فرم‌های جدیدی را ابداع کردند که به عنوان شیوه‌های کاربرد خوشنویسی مطرح می‌شوند:

طغری: اگرچه پیشینه طغری به دوره سلجوقی می‌رسد اما قدیمی‌ترین نمونه‌های آن از دوران ایلخانی و آل جلایر دیده شده است و به جای مهر سلطانی بر سر نامه‌ها و فرمان‌های حکومتی نوشته می‌شد. بعدها این خط در مهرها، سکه‌ها و انگشتر هم کاربرد یافت. طغری را با خط ثلث، رقاع یا دیوانی و غیره می‌نویسند (تصویر ۳۵).

مثنی: در لغت به معنی دوتایی است و با خطوط کوفی، محقق، ثلث و غیره می‌توان نوشت. بعضی از آن را خط مجنونی^۱ یا آینه‌ای می‌نامند (تصویر ۳۶).

معما: در این نوع خط، عبارت معنای مخفی و پوشیده‌ای دارد و خواندنش نیاز به دقت بیشتری دارد (تصویر ۳۷).



تصویر ۳۶- خط مثنی - ثلث - حبيب الله فضائلی



تصویر ۳۷- خط طغری - با خط ثلث - حبيب الله فضائلی



تصویر ۳۷- خط طغری - با خط ثلث - حبيب الله فضائلی

۱- ابداع این خط را به مجنون رفیقی هراتی نسبت می‌دهند.

سیاه مشق: قطعات سیاه مشق از حالات شور و شغف، آزادگی و آمادگی اساتید خوشنویس حکایت می‌کند. در سیاه مشق باید به توازن بین فضاها و پر و خالی توجه شود. تکرار منظم یا نامنظم حروف و کلمات نشانه توانمندی استاد خوشنویس است (تصویر ۳۸).

گلزار: در این نوع خوشنویسی داخل حروف و کلمات را با نقوش اسلیمی و ختایی یا گل و مرغ پر می‌کنند (تصویر ۳۹).



تصویر ۳۸- سیاه مشق نستعلیق - صداقت
جباری (معاصر) - قلم و مرکب



تصویر ۳۹- گلزار با خط ثلث

غبار: نوع ظریف و زیبایی از خوشنویسی است و با قلمی ریز هر نوع خطی نوشته می‌شود و مانند گردوغبار به چشم می‌خورد. و گاهی داخل حروف و کلمات را با این خوشنویسی‌های ریز پر می‌کنند.

چلیپانویسی: چلیپا از مجموع دو قالب دوسطری به صورت مورب در صفحه به وجود می‌آید و بهترین قالب برای نوشتن دوبیتی و رباعی به‌شمار می‌رود. در اطراف چلیپا، فضاها و خالی به نام لچکی به وجود می‌آید که به‌طور معمول با تذهیب یا قلم ریز پر می‌شود. از انواع دیگر آن چلیپای مرکب است که با قالب‌های دیگر ترکیب می‌شود. (تصویر ۴۰).



تصویر ۴۰- چلیپانویسی نستعلیق - میرعماد حسینی

ناخنی: شیوه‌ای از نگارش خط که با فشار ناخن بر کاغذ به صورت برجسته، نقش می‌بندد. (تصویر ۴۱).

امروزه ضمن رواج خطوط نستعلیق، نسخ و تا حدی ثلث و شکسته نستعلیق، خطوط جدیدی هم به وجود آمده است حتی خوشنویسان هنرمند و خلاق سعی کرده‌اند از ترکیب‌بندی و آرایش حروف و کلمات به منزله عناصر بصری در آثار هنری خود استفاده کنند.

هنر کتابت در ایران

یکی از هنرهای تمدن درخشان ایرانی که جلوه‌های بسیار ظریف آن، نشان دهنده رواج علم و دانش و کمال ذوق و قریحه مردم این سرزمین است، هنر کتابت و کتاب آرایی است. از کتابت قبل از اسلام در ایران آثار چندانی باقی نمانده است. با توجه به کشفیات باستان‌شناسی و اشاره در متون بعد از اسلام، کتابت از دوره اشکانی وجود داشته است و کتاب‌های ایرانی در علوم،



تصویر ۴۱- نمونه‌ای از خط ناخنی

پزشکی، فلسفه و کشاورزی به یونانی و قبطی ترجمه می‌شد.

«اوستا» کتاب مقدس ایرانیان باستان برای قرن‌ها مکتوب نبود و سینه به سینه منتقل می‌شد تا اینکه در زمان ساسانیان به رشته تحریر درآمد و بر هزاران پوست گاو با خط زر نوشته شد. این کتاب دارای دستورالعمل‌های اخلاقی و دینی است و از نظر ادبیات کهن دارای مطالب مهمی از باورهای کهن ایرانیان و اساطیر است و شامل عقیده آنان نسبت به آفرینش، مرگ، رستاخیز و ... است. همین مطالب سبب پیدایش افسانه‌ها و حماسه‌های ملی ایرانیان شد که مهم‌ترین آنها خدای نامه، بهمن‌نامه و شاهنامه فردوسی است.

— در دوره ساسانی برزویه طبیب کتاب «کلیله و دمنه» را از هند به ایران آورد و به پهلوی ساسانی ترجمه کرد و حکایت‌هایی بر آن افزود.^۱

— کتاب‌های بازمانده از دوران ساسانیان شامل موضوعات مختلفی است. فرهنگ لغت، دانش‌نامه، متون فلسفی و کلامی، الهام و پیشگویی، ادبیات حماسی و ... نمونه‌هایی از آن است. دو کتاب «درخت آسوریک»^۲ و «یادگار زریران»^۳ نیز وجود دارد که از آثار اشکانی بوده و در زمان ساسانیان بازنویسی شده است. یادگار زریران از نظر محتوی و سبک نگارش می‌تواند نخستین تعزیه ایرانی به شمار آید. در دوره اسلامی کتاب‌ها از زبان پهلوی به عربی ترجمه شد.^۴

در دوره ساسانی مانی تعالیم مذهبی را آغاز کرد و برای ترویج آیین خود کتاب‌های بسیاری نگاشت.^۵ از جمله شاپورگان و ارژنگ (کتابی با نقاشی‌های زیبا برای آموزش مذهبی پیسوادان) از کتاب‌های اوست. در مکتب مانوی طرح و رنگ نقش مهمی را ایفا می‌کند. مانی نقاشی را به خدمت کتاب گرفت و شاید برای اولین بار در دنیا تصویرگری در خدمت کتابت در آمده باشد.

ظهور دین مبین اسلام، سرآغاز دوره‌ای است که در طی آن یک مجموعه همگون در زمینه کتابت و کتاب آرایه فراهم آمد. شیفتگی مسلمانان نسبت به کتاب مقدس باعث شد تا هر هنری در ارتباط با کتابت قرآن کریم به حد کمال برسد. کاتبان با امانت‌داری در کلام وحی، هنر خوشنویسی را با نقش مزین کردند و درون جلد‌های زیبا قرار دادند. حیرت‌آور آنکه در خلال فراز و نشیب‌های یک تاریخ پر آشوب، ارج نهادن به کتاب همچنان ادامه یافت. کتاب همچون زبان و ادبیات فارسی درخشش یافت و از مرزهای ایران فراتر رفت و سرمشق هنرمندان در هند، امپراطوری عثمانی و حتی ایتالای عصر رنسانس قرار گرفت.

۱- اصل کتاب کلیله و دمنه به زبان سانسکریت و به نام «پنجه تنتره» بوده و شاعر آن بیدپای هندی است.

۲- درخت آموریک: داستان مباحثه بز (جانور نماد عشایری) با درخت خرما (از سرزمین آموریان) است در این داستان نویسنده دوست بز است و بز در این مناظره پیروز می‌شود.

۳- یادگار زریران: کتاب با موضوعات پهلوانی و دلاوری ایرانیان و جنگ‌های گشتاسب‌وار حباب که در آن زریر برادر گشتاسب است.

۴- کتاب‌هایی مانند خدای نامه، کلیله و دمنه، هزار افسانه (هزارویک شب امروزی)، سندباد نامه، ویس و رامین و ... همگی از آثار پیش از اسلام است.

۵- هرمن پسر شاپور به تحریک موبدان زردشتی وی را به قتل رساند و مانویان به چین پناه بردند و بقایای کتاب مانویان از ناحیه تورفان در غرب ترکستان چین به دست آمده است.

مصور کردن و آرایش هنری قطعات و کتاب‌های علمی و ادبی توسط هنرمندان نگارگر، خوشنویس، تذهیب‌کار و جلدساز پیوند خجسته این هنرها را نشان می‌دهد.

هنرمندان فنون کتاب‌آرایی چون تذهیب، تشعیر، جدول‌کشی، خوشنویسی، نگارگری و هنرمندان فنون کتاب‌سازی چون کاغذسازی، صحافی، وراقی و جلدسازی آثار منحصر به فردی به تاریخ جهان ارزانی داشته‌اند. همچنین با توجه به اصالت خط و کتابت و آداب معنوی آن میراثی به یادگار مانده که در تداوم شیوه‌های آموزش با حفظ اصول و قواعد بایستی متوجه حفظ و حرمت ارزش‌های معنوی آن باشند.

در اینجا لازم است که به اختصار به آداب کتابت، نگارگری، تذهیب و تشعیر در کتاب‌آرایی به تجلید و کاغذسازی در کتاب‌سازی بپردازیم.

آداب کتابت

هنرمند هنرهای سنتی براساس اعتقاد خود، کار هنری را با آداب خاصی اجرا می‌کرد. و کار خود را کوششی برای رسیدن به کمال می‌دانست. این هنرمند برپایه اصول اعتقادی خود قلم به دست گرفته و یا دست به کار هر هنر اصیل دیگری می‌شد. او می‌داند که نمی‌تواند با پروردگار برابری کند ولی می‌تواند به‌سوی او برود و پرتوی از جمال خداوندی را در اثرش نشان بدهد و به درجات کمال برسد.

در طول تاریخ رساله‌ها و فتوت‌نامه‌هایی توسط هنرمندان و بزرگان نوشته شده است. که درباره جوانمردی، پیشه‌ها، هنرها و آداب آنهاست. در آیین جوانمردی، اساتید هنرهای سنتی همیشه اصل و ریشه هنر و حرفه خود را به انبیا و اولیا نسبت می‌دهند و پیرو آنانند و خوشنویسان همه مرید حضرت علی (ع) هستند. نام خود را معمولاً با «کتب‌القصیر» یا «مشقه‌العبد» و ... همراه می‌کردند.

به عنوان مثال رساله «آداب مشق» اثر بابا شاه اصفهانی و رساله دیگر «صراط‌السطور» اثر سلطان علی مشهدی درباره آداب خوشنویسی نوشته‌اند. از میان آداب خوشنویسی سه مورد اهمیت بسیار دارد. ۱) مشق نظری ۲) مشق قلمی ۳) مشق خیالی

مشق نظری: هنرجو باید از استاد بهره بگیرد. در کار استاد دقت کند و نمونه‌های زیادی را ببیند.

مشق قلمی: هنرجو باید از روی مشق استاد تمرین کند.

مشق خیالی: هنرجو پس از تمرین قلمی به درجات متعالی از خوشنویسی برسد و به‌صورت

ذهنی بنویسد و در آن همه قواعد خوشنویسی را به‌کار ببندد.

در رسالات خوشنویسی از میان دوازده قاعده، به دو قاعده صفا و شأن تأکید زیادی شده است. در قاعده صفا، هنرجو باید حرمت استاد نگه دارد و اگر پیشرفت کرد، متواضع و فروتن باشد و دستورات دینی را رعایت کند و هنگام کار وضو داشته باشد تا با پاکی ظاهر و صفای باطن اثر خود را ابداع کند. این‌گونه صفای دل هنرمند به اثر هنری‌اش منتقل می‌شود.

قاعده دیگر به نام شأن، حالتی در خوشنویسی است که کاتب مجذوب تماشای اثرش شده و از خود فارغ می‌شود و از لذت‌های دنیوی بی‌نیاز می‌گردد و پرتو نور الهی را در کارش می‌بیند.

پرسش

- ۱- خط پیش ایلامی را بر چه آثاری می توان یافت؟ نام ببرید.
- ۲- خط و کتابت در ایران چگونه به وجود آمده است؟
- ۳- ارزش کتیبه بیستون را توضیح دهید.
- ۴- در دوره اشکانی چه خطی به وجود آمد و از چه خطی اخذ شد؟
- ۵- خط کوفی در ایران چه تحولی را طی کرد؟
- ۶- اقلام سته را نام ببرید.
- ۷- خطوط منسوب و اصول چیست؟
- ۸- خط تعلیق را توضیح دهید.
- ۹- چرا نستعلیق، عروس خطوط اسلامی نامیده شده است؟
- ۱۰- از شیوه های کاربرد خوشنویسی چند نمونه نام ببرید و یکی را توضیح دهید.
- ۱۱- از مهم ترین آداب خوشنویسی سه مورد را نام ببرید و توضیح دهید.

تحقیق کنید

- درباره یکی از موضوعات میراث مکتوب تحقیق کنید و در کلاس پیرامون آن گفتگو کنید.
- از انواع نمونه های سنتی مجموعه ای جمع آوری کنید و در کلاس به نمایش بگذارید.

فصل دوم

میراث معماری





میراث معماری



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود:

- ۱- جلوه‌های میراث معماری و شهرسازی را بداند.
- ۲- معماری اسلامی ایران را توضیح بدهد.
- ۳- از پدیده‌های معماری ایران چند نکته را نام ببرد.
- ۴- بافت شهری و روستایی را بشناسد.
- ۵- مجموعه‌های معماری و تک بناها را بشناسد.
- ۶- چند نمونه از تقسیمات بناهای مذهبی و غیرمذهبی را بیان کند.
- ۷- عناصر معماری و شهرسازی را توصیف کند.

میراث معماری و شهرسازی ایران

ایران همگام با سه تمدن کهن میان رودان، هند و مصر و قرار گرفتن میان تمدن‌های بزرگ شرق و غرب از شرایط خاصی برخوردار بوده و همچنین به علت ایجاد گستره‌های دانش، فرهنگ آن فراتر از مرزهایش بوده است. همچنین نخستین و یگانه ملت یکتاپرست جهان ایرانیان بوده و هرگز از خدای خود بت نساخته‌اند.

در دوران اسلامی نیز ایران مرکز حوزه فرهنگ و تمدن و گسترش اسلام در سراسر جهان شده و بیشتر بزرگان، مفسران، محدثان، دانشمندان و نویسندگان ایرانی بودند. ایرانیان با توسعه و گسترش دانش خویش ممالک اسلامی را با آداب مملکت‌داری، معماری، صنعت و هنر ایرانی آشنا ساختند. معماری ایران را نه تنها به منزله آثار تاریخی باستانی بلکه به آثار فکری که روح زنده و پایدار در آنهاست باید نگاه کرد. معماری ایران بخشی از هویت مردم این سرزمین است. شرایط طبیعی و اقلیمی

ایران، آداب و رسوم مذهبی، روحیه و اندیشه مردم آن را نه تنها در بناهای بزرگ بلکه در ساختمان‌های کوچک هم این انعکاس را می‌توان دید.

همچنین معماری ایران با شعر و عرفان، هندسه و نجوم ارتباط مستقیم دارد و قالب‌های انتزاعی آن در حکمت و نمادگرایی کیهانی و جهان‌بینی معنوی ایران کهن ریشه دارد تا بیننده را از جهان مادی به تعالی برساند. معماران ایرانی علاقمند بوده‌اند تا مفاهیم معنوی را به صورت رمز و نماد در قالب نقش‌های ماهرانه و زیبا ارائه نمایند.

البته بایستی یادآور شد که معرفی ارزش‌ها و خوبی‌های ایران، بازگشت به گذشته نیست، بلکه رجوع و معرفی ارزش‌ها برای برداشت آگاهانه و خردمندانه از آنهاست و مدرن شدن ریشه در گذشته دارد و باید ادامه منطقی ارزش‌هایمان باشد.

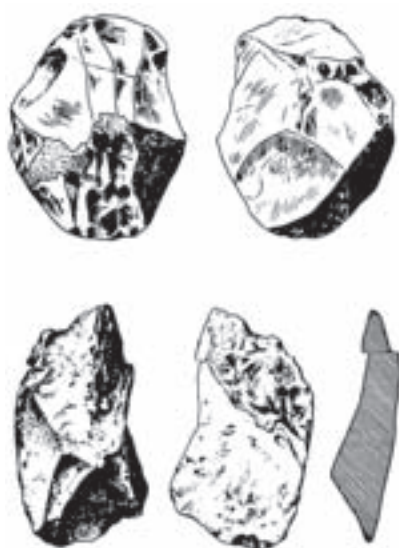
میراث معماری و شهرسازی در دوره پیش تاریخی

اگر به گذشته دور سفر کنیم با زندگی مردم غارنشین در فلات مرکزی ایران آشنا می‌شویم. به دلیل آثار و یافته‌های فراوان سرزمین ایران از کهن‌ترین مراکز فرهنگی جهان به شمار می‌رود. از مهم‌ترین غارهایی که برای سکونت مورد استفاده قرار گرفته می‌توان به «غار شکارچیان» در کوه بیستون کرمانشاه، «غار تَمْتَمَه» در آذربایجان، «غار خونیک» در خراسان و «غار کمر بند و هوتو» در بهشهر اشاره کرد، که مربوط به دوره «پارینه سنگی» یا «حجر قدیم» است. در این غارها ابزارهای سنگی با تراش‌های مختصری یافت شده که مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

همچنین در حوزه کشف رود خراسان و بستر رودخانه لادیز در بلوچستان تعداد زیادی از این نوع ادوات کشف شده که عمر آنها به اوایل دوره پیلستوسن و احتمالاً حدود ۸۰۰/۰۰۰ سال پیش می‌رسد (تصویر ۱).

اطلاعات قابل توجهی هم از انسان‌های دوره پارینه سنگی میانه (از حدود ۱۰۰ تا ۳۵ هزار سال پیش) در مناطق غرب ایران، آذربایجان، خراسان، کرمان تا فارس و شمال خوزستان تا کنون کشف شده است. از این رو نخستین جمعیت‌های شناخته شده در دوران پیش تاریخی در روستاهای کوچکی پراکنده و زندگی می‌کردند. به احتمال ساخت کلبه‌هایی با شاخه درخت و خشت دست‌ساز و سپس خشت و گل چینه از مهم‌ترین مصالح ساخت این خانه‌ها بوده است.

از نمونه‌های اجتماعات معماری دوران نوسنگی هم تعدادی آثار در غرب ایران بدست آمده که نشانگر فرهنگ مشخص این دوره در کوه‌های زاگرس است که به «فرهنگ پردوسیان» معروف است. آثار بدست آمده از «غار شنیدار» در غرب ایران در این دوره قدمتی نزدیک به ۳۸ هزار سال را نشان می‌دهد که تا ۲۰ هزار سال پیش ادامه داشته است. از باستانی‌ترین اماکن مسکونی ایران می‌توان به «گنج دره هَرسین»، «تپه سراب و دهکده گوران»، «تپه زاغه دشت قزوین»، «تپه سیلک کاشان»، «تپه حصار دامغان»، «محوطه‌های باستانی شوش» و ... نام برد که همگی در مدت زمان طولانی مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. ویژگی منحصر به فرد معماری در این دوره با ساخت خانه‌هایی از خشت خام، چینه و آجر همگام با شیوه زندگی روستایی و کشاورزی و اندود دیوارها با لایه‌ای از کاهگلی می‌باشد.



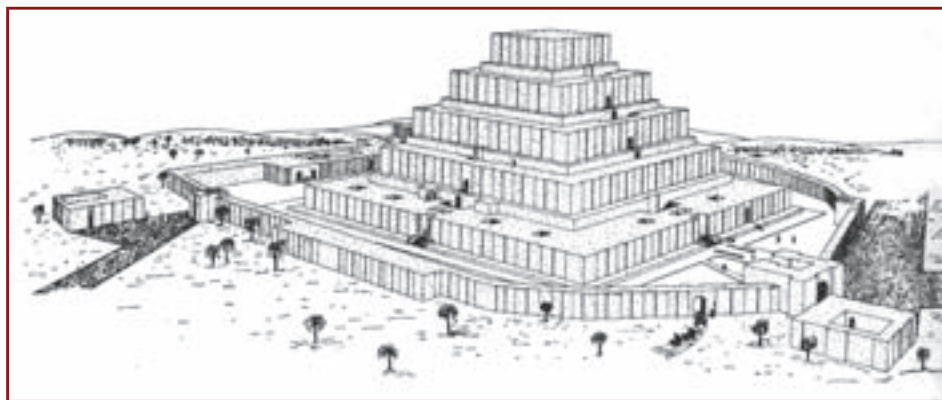
تصویر ۱- طرح سطوح شکمی و پشتی سنگ ابزارهای دوره نوسنگی

از نمونه‌های شاخص ساختمان منقوش کشف شده در تپه زاغه دشت قزوین است که به حدود اواخر هزاره هفتم و اوایل هزاره ششم پیش از میلاد باز می‌گردد به بهترین وجه به امکانات موجود در آن دوران آراسته و تزئین شده و برای نوعی گردهمایی و جلسات اجتماعی از آن بهره می‌برده‌اند. این ساختمان در مقایسه با نمونه‌های قبل تا حدی استثنایی بزرگ و مجهز است. تعداد زیادی سکو برای نشستن، آتشدهانی برای تأمین حرارت در فصل سرما، و اجاقی برای پختن یا کباب کردن گوشت نیز در آن وجود دارد. حداقل دو محفظه برای جادادن ادوات و ابزار ساخته شده است. همچنین اتاق کوچکتری برای اشیای زندگی در نظر گرفته شده است. این ساختمان برای مدت‌ها مورد استفاده قرار گرفته و تغییرات بعدی نیز در آن صورت گرفته است. به احتمال قوی، ساختمان منقوش زاغه به عنوان محل مذهبی و مرکز اجتماعی برای اقوام دوران نوسنگی بوده است. وجود تعداد زیادی مجسمه گلی کوچک زنان باردار با چند سانتیمتر ارتفاع و همچنین مجسمه کوچک زنی که فرزندش را در بغل نگهداشته است تأییدی بر این مدعا است. علاوه بر نقوش تزئینی که بر روی دیوارها با گل اخرا و رنگ سیاه و سفید اجرا شده، دیوارهای این تالار نیز با نصب سر برزهای کوهی تزئین شده که احتمالاً تنها جنبه تزئینی نداشته و با عقاید مذهبی و افکار سنتی تمدن زاغه در ارتباط بوده است.

با افزایش اجتماعات در فن معماری پیشرفت‌هایی حاصل شد. نه تنها در خانه‌های مسکونی از نظر نقشه و کیفیت بنا بر اساس احتیاج زندگی روزمره بلکه در نقشه و طرح ساختمان‌هایی عمومی و بزرگ‌تر نیز تغییراتی حاصل شد و براساس نیازهای امنیتی، دفاعی اجتماعی و مذهبی ساختمان‌هایی ایجاد شد. این مراحل رشد را می‌توان نخستین گام‌هایی به سوی نظام شهرنشینی دانست.

معماری و شهرسازی در دوره باستان

نمونه‌های شاخص دیگری در مناطق ایران وجود دارد که سیر تحول معماری و شهرسازی را در دوره تاریخی و باستانی بیان می‌کند. یکی از کهن‌ترین نمونه‌های بناهای شناخته شده باستانی ایران را می‌توان در دوره ایلامی معرفی کرد. این بنا همان معبد یا زیگورات چغازنبیل در نزدیکی شهرستان شوش است. بنای معبد که شبیه به برجی پلکانی است زیگورات نامیده شده است. ساختمان آجری بنا چهارگوشه در اصل پنج طبقه بوده اما اکنون فقط سه طبقه از آن باقی مانده است. بلندی بنا بین ۴۹-۵۲ متر تخمین زده شده است (تصویر ۲).



تصویر ۲- بازسازی فضای معماری معبد چغازنبیل

در ساختمان زیگورات، مجموعه‌ای از قوس‌ها، پله‌ها، راهروها، اتاق‌ها و مقبره و آبروها دیده می‌شود. اتاق‌های بدون پله به عنوان مقبره و اتاق‌های پله‌دار به عنوان محل هدایا مورد استفاده قرار می‌گرفت و این نشان می‌دهد زیگورات مانند اهرام مصر باستان به منزله آرامگاه هم بوده است.

به طور کلی معماری این بنای عظیم که در شمار بزرگترین زیگورات‌های جهان است، بهترین نمونه هنر معماری بر اساس طاق قوسی را در دنیای باستان نشان می‌دهد. طرز ساخت این معبد با دیگر معابد میان رودان (بین‌النهرین) تفاوت کلی دارد و آن ساخت طبقات است که هر کدام به صورت مستقل از زمین تا بالا ساخته شده است. در حیاط معبد و در برابر یکی از ورودی‌ها، بنای ستون مانند آجری دیده می‌شود که احتمالاً مراسم قربانی در آنجا انجام شده است. بر دیواره معبد تعداد زیادی آجرهای لعابدار دیده می‌شود که بر آنها کتیبه‌هایی به خط میخی ایلامی موجود است که بیشترین اطلاعات درباره ساختمان آن از همین کتیبه‌ها بدست آمده است. همزمان با تمدن ایلام در شوش شهر سوخته در کنار کهن‌ترین دلتای رود هیرمند، در استان سیستان و بلوچستان واقع شده است و از مهم‌ترین مراکز دوران مفرغ در شرق ایران به شمار می‌رود. در کهن‌ترین لایه‌های آن یک گل نبشته ایلامی پیدا شده است. قدمت این گل نبشته به ۳۲۰۰ ق.م می‌رسد.

مهم‌ترین آثار معماری بدست آمده از شهر سوخته خانه‌های پلکانی و بنای شهر سوخته است. خانه‌های پلکانی نه تنها از نظر معماری بلکه از نظر اشیای بدست آمده^۱ نیز یکی از دوره‌های درخشان شهر سوخته به‌شمار می‌روند و مصالح اصلی بناها از خشت خام است.

برخی از باستان‌شناسان چند پایه در «تپه ملیان» در نزدیکی فارس پیدا کرده‌اند و عقیده دارند که سابقه کاربرد ستون از شش هزار سال پیش در معماری ایران شناخته شده است. مهم‌ترین بنایی که تاکنون در ایران با تالارهای بزرگ و ستون‌دار شناخته شده، «دژ حسنلو» واقع در جنوب دریاچه ارومیه در نزدیکی شهر نقده است. با توجه به اهمیت بنای معبد ایلامی در هزاره دوم پیش از میلاد، دژ حسنلو بنایی استوار بوده که با تالارها، اتاق‌ها، دهلیزها، حیاط، ستون و جرزها همگی براساس اصول معماری با سنگ، گچ، آجر و خشت در سده نهم پیش از میلاد بنا شده و در شمار پیشرفته‌ترین معماری‌های آن روزگار محسوب می‌گردد.

مادها با شیوه ساختمان‌سازی‌های عظیم آشنا بودند و در این دوران با استفاده از ستون‌آوری را پدید آوردند. از دیگر نمونه‌های معماری دوره ماد ساخت گور دخمه‌هاست. که به آنها کهندژ یا دژ قدیمی گفته می‌شد. دخمه‌های سنگی دارای ایوان طاق‌دار و ستون‌هایی است که در دهانه دخمه دیده می‌شود. با آنکه از معماری چوبی آن زمان اثری به جای نمانده است، اما به نظر می‌رسد همه ریزه‌کاری‌های ساختمانی از الوارهای چوبی تراشیده شده به کار رفته و به دقت در این دخمه‌ها، با تراش سنگ نمایش داده

۱- وجود اشیای سفالی و لوازم زندگی در گورستان شهر سوخته بیانگر اعتقاد آنها به جهان پس از مرگ است. انجام کارهای تولیدی صنعتی مانند سنگ‌تراشی، بافندگی، سفالگری، حصیربافی و بازرگانی در شهر سوخته رایج بوده است.

در کاوش‌های شهر سوخته یک مجسمه انسان به‌دست آمده است که بنا بر نظر کارشناسان در آن نوعی آثار عمل جراحی به چشم می‌خورد و از نظر مطالعه پیشینه علم پزشکی و نحوه حضور آن در ایران و جهان اهمیت بسیار دارد.

شده است. در بیشتر این دخمه‌ها علاوه بر حجاری آنها در کوه نقش برجسته‌هایی هم از صحنه‌های نیایش دیده می‌شود. مهم‌ترین این آثار عبارتند از: دخمه «دآو دختر» در ممسنی فارس، دخمه «فقرگاه یا فخریگاه» نزدیک مهاباد، دخمه «فرهاد و شیرین» در صحنه کرمانشاه، دخمه «اسحاق وند» و «سکاوند» در نزدیکی هرسین کرمانشاه، دخمه «قیز قاپان» در کردستان عراق و همچنین دخمه «دکان داوود» در نزدیکی سرپل ذهاب استان کرمانشاه (تصویر ۳).

در استان همدان و در نزدیکی شهرستان ملایر با حفاری‌های انجام شده در تپه «نوشی جان» نمونه‌ای از معماری جالب دوران ماد که به کهندژ شهرت دارند کشف شد که آثار ساختمانی این تپه شامل آتشگاه، تالار ستون‌دار، معبد مرکزی، اتاق‌ها و انبارها، تونل و حصار دژ وجود دارد (تصویر ۴).

مهم‌ترین شاخص شهرسازی دوران ماد شهر هگمتانه در دامنه کوه الوند (و در داخل شهر همدان) است که تا زمان اشکانیان هم به عنوان پایتخت تابستانی به کار می‌رفته است.

آثار معماری مکشوفه در کاوش‌های باستان‌شناسی ایران در محوطه هگمتانه شامل برج و حصار و بناهای عظیم خشتی می‌شود و خبر از یک شهر یا دژ باستانی می‌دهد. شهر دارای حصار خشتی است که بدنه خارجی آن با گچ اندود شده است. شهر باستانی مکشوفه از لحاظ معماری و نیز از لحاظ تأسیسات دفاعی و حفاظتی، دارای ویژگی‌هایی است که در نوع خود کم‌نظیر است.

هنوز برای این معماری مکشوفه تاریخ قطعی مشخص نشده است، اما اشیای بدست آمده گویای این است که این شهر باستانی در دوره‌های تاریخی و قرون بعد از اسلام هم مورد استفاده بوده است. از دیگر آثار می‌توان بغستانه یا بیستون، کنگاور، اسپدانه یا اصفهان را نام برد.

کار اصلی مادها کشاورزی و گله‌داری بوده و گروهی نیز در فلزکاری و زرگری مهارت داشتند. از بقایای آثار معماری مادها دو نقطه در غرب ایران مشخص گردیده است. یکی بر روی تپه بزرگی به نام «گودین» نزدیک کنگاور در کرمانشاه و دیگری در تپه «نوشی جان» در نزدیکی همدان است. آثار جالب دیگری از این دوره در تپه «گیان نهانوند» و بخشی از گورستان تپه سیلک^۱ کاشان و گنجینه زیویه موجود است.

عالی‌ترین نمونه در تاریخ هنر این سرزمین، در دوران باستانی که به عنوان معماری شگفت‌آور خوانده می‌شود توسط هنرمندان دوران هخامنشی ایجاد شد که در مراکز حکومت و پایتخت‌ها مانند پاسارگاد، شوش، همدان، و تخت جمشید کاخ‌های بزرگ و زیبایی بنا کرده‌اند. این آثار همچنان پس از گذشت ۲۵ قرن هنوز بقایای آنها محکم و استوار بر جای مانده است. ستون‌ها و سر ستون‌های باقی مانده نمونه آشکاری از هنر معماری و حجاری در این دوره بوده است. سر ستون‌ها غالباً به شکل مجسمه شیر، اسب، گاو، عقاب و جانوران ترکیبی^۲ است. (تصویر ۵) شیارهای ستون‌ها، بلندی و زیبایی چشمگیری به آنها می‌بخشند. مهم‌ترین آثار این دوران شامل: کاخ‌ها، آرامگاه‌ها و



تصویر ۳- آرامگاه دخمه‌ای دکان داود - سرپل ذهاب
- استان کرمانشاه - دوره ماد



تصویر ۴- قلعه نوشی جان - ملایر - استان همدان
- دوره ماد



تصویر ۵- سرستون سنگی عقاب دار از تخت جمشید
- سنگ آهک - دوره هخامنشی

۱ - Sialk

۲- جانوران ترکیبی را گریفین می‌نامند و ترکیب انسان با حیوانات را اسفنگس می‌گویند.

آتشکده هاست (تصویر ۶).



تصویر ۶- آرامگاه دخمه‌ای نقش رستم - استان فارس - دوره هخامنشی

مجموعه کاخ‌های پاسارگاد به سال ۵۵۰ پیش از میلاد به دستور کوروش کبیر احداث شد و هر یک با ابعادی وسیع، بر سکویی سنگی بنا شده‌اند. کاخ شرقی که به نام «دروازه پاسارگاد» نیز نامیده می‌شود، دارای تالار مرکزی و هشت ستون مرتفع در دو ردیف می‌باشد که سقف چوبی آن را نگاه داشته است. از این کاخ، تنها یک جرز با پایه سنگی باقی مانده است. نمونه شاخص مجموعه پاسارگاد آرامگاه کوروش است (تصویر ۷).

در زمانی که پاسارگاد نخستین پایتخت هخامنشیان همچنان آباد بود، داریوش هخامنشی تصمیم گرفت شوش را پایتخت خود قرار دهد و در آنجا دست به کار ساخت کاخ شاهی شد. با توجه به اقلیم این منطقه، بیشتر مصالح ساختمانی آن از خشت و آجر تهیه شده است. بنابر لوحه‌ای از گفته‌های خود داریوش که در شوش کشف شده، در بنای کاخ او هنرمندان بابلی، مادی، لیدی، و مصری خدمت می‌کرده‌اند و مصالح ساختمان از فواصل دوردست به شوش آورده شده است.

مجموعه کاخ‌های صُفّه تخت جمشید در زمان داریوش هخامنشی در مجاور و دامنه کوه رحمت در منطقه فارس بنا نهاده شد. در تکمیل این بنای عظیم بیشتر شاهان هخامنشی پس از داریوش به گونه‌ای دخالت داشته‌اند. در کاوش‌ها و خاک‌برداری تخت جمشید بقایای چندین کاخ در این صُفّه عظیم به دست آمد: «کاخ آپادانا» یا کاخ بار عام که مخصوص پذیرایی مهمانان بوده است. لوح‌های طلا و نقره (تصویر شماره ۸ در فصل میراث مکتوب) مکشوف در گوشه‌های تالار این کاخ، نشان می‌دهد که سازنده آن داریوش اول است. «کاخ صد ستون» که به شکل مربع و دارای صد ستون بوده است. «کاخ سه دروازه» یا اتاق شورا که سه درگاه بزرگ داشت و اکنون در وسط صُفّه تخت جمشید جای دارد. «کاخ تچر» یا کاخ زمستانی داریوش، از زیباترین و محکم‌ترین کاخ‌های تخت جمشید است که بر خلاف دیگر ساختمان‌های تخت جمشید رو به جنوب است (تصویر ۸).

«کاخ هدیش» یا کاخ خشایارشا، دارای یک تالار مرکزی مربع با ۳۶ ستون و یک ایوان ستون‌دار با دو ردیف شش ستونی در مقابل آن قرار دارد. از آنجا که ساقه ستون‌ها از چوب بوده، از میان رفته و فقط ته ستون‌ها باقی مانده است.



تصویر ۷- پاسارگاد - آرامگاه کوروش - استان فارس - اوایل دوره هخامنشی



تصویر ۸- کاخ تچر یا کاخ زمستانی داریوش - تخت جمشید - دوره هخامنشی

علاوه بر آن در صُفّه تخت جمشید کاخ خزانه و مجموعه ساختمان‌های دیگری با نام‌های سربازخانه، ساخلو (پادگان) و تعداد بسیاری اتاق در کنار هم قرار گرفته که احتمالاً برای محافظان و نگهداری اشیاء بوده است. برای رفتن بر روی تختگاه یا صُفّه تخت جمشید باید از پله‌های بسیاری بالا رفت که با توجه به پهنای عریض آن رفت و آمد بسیار آسان صورت می‌گیرد (تصویر ۹ و ۱۰). یکی از زیبایی‌های تخت جمشید، نقش برجسته‌های آن است. این پایتخت تشریفاتی جایگاه دیدارهای رسمی و محل برگزاری جشن نوروزگان بوده است.

اشکانیان اوایل از شیوه‌های هنر یونانی پیروی کردند، اما پس از مدتی به هنر و معماری، به‌ویژه به معماری سنتی و ملی ایران تمایل نشان دادند. در این دوره، معماری بنای اصلی خود را، از آداب و اصول دوره چادرنشینی پارتی در برپایی اردوگاه‌ها گرفت. حیاط‌های چهارگوش مرکزی با ایوان‌های چهار سوی آن، به عنوان مظهری از معماری پارتیان به بین‌النهرین برده شد که نوع دگرگون شده آن را در معماری اسلامی به‌ویژه در دوران سلجوقیان به‌خوبی می‌توان دید.

پس از شکوفایی دولت اشکانی، به نمای ساختمان توجه بیشتری شد و سعی می‌شد تا آثار هنری را بر دیوارها، در معرض دید متمرکز کنند. نقاشی دیواری توسعه یافت و تزئینات دیوارها آمیخته‌ای شد از نقاشی و گچبری، که نمونه بسیار زیبای آن در معبد «کوه خواجه» در وسط دریاچه هامون در سیستان بدست آمده است (تصویر ۱۱). «کوه خواجه» هنگام بالا آمدن آب دریاچه هامون به‌صورت یک جزیره خودنمایی می‌کند. موقعیت مناسب کوه موجب شد که در گذشته دور از آن به عنوان مأمن و محل استقرار استفاده کنند و آثار معماری خشتی در آن شکل گیرد (تصویر ۱۲). یادمان خشتی و محوطه کوه خواجه زابل از مهم‌ترین آثار هنری و معماری پارتی است که نقطه اتصال شهرنشینی و استقرار فرهنگی بین فلات ایران و شرق و جنوب شرقی در آن دوران به شمار می‌آید و به شکل دایره ساخته شده است که الگوی شهرسازی پارتی به‌شمار می‌رود.

«محوطه تاریخی نسا» که در نزدیکی عشق‌آباد پایتخت جمهوری ترکمنستان واقع شده است یکی دیگر از محوطه‌های هنر و تمدن پارتیان است.



تصویر ۹- ورودی کاخ داریوش - تخت جمشید - دوره هخامنشی



تصویر ۱۰- ورودی دروازه خشایار شاه (دروازه ملل) - تخت جمشید - دوره هخامنشی



تصویر ۱۲- دورنمای کوه خواجه - سیستان



تصویر ۱۱- نقاشی دیواری - سر مرد نیمرخ - قرن اول میلادی - کوه خواجه

از ویژگی‌های هنر و معماری این دوره انتقال برخی از عناصر آن به دوره بیزانس و ساسانی می‌باشد. شاید تاریخ معماری «طاق‌دار» که در ایران بسیار معروف است، از دوره اشکانیان آغاز شده و در دوره ساسانیان تکامل یافته است.

بنای طاق‌گرا^۱ واقع در دامنه کوه پاتاق در کنار راه کرمانشاه به سرپل ذهاب ترکیب طاق گهواره‌ای و پیشرفت فنون ساختمانی را در این دوره نشان می‌دهد.

معبد آناهیتا (الهه آب‌ها) در کنگاور که بر سر جاده همدان و کرمانشاه واقع شده، در زمان هخامنشی، برای انجام مراسم نیایش بنیاد نهاد شده بود که در دوره اشکانیان بر پی و شالوده‌های صنفه و با به‌کارگیری سنگ و حجاری‌های پاک تراش و احیای سنت‌های معماری و حجاری دوره هخامنشی، پرستشگاه بر آن استقرار یافت، که از جمله شاهکارهای هنر معماری پارتیان به شمار می‌رود (تصویر ۱۳). میان شیوه معماری پارتی و ساسانی در بنیاد ساختمان‌ها چنان همبستگی و نزدیکی وجود دارد که انتساب پاره‌ای از آثار به این دو دوره را، دچار تردید می‌کند. برای نمونه، در انتساب کاخ مدائن در تیسفون به یکی از این دو دوره، هنوز اظهار نظر قطعی نشده است. صرف نظر از جهات تاریخی در معماری ساسانی، چنان عوامل معماری اشکانی بی‌کم و کاست پیموده شده که گویی با تغییر شاهان هیچ دگرگونی در طریقه ساختن بناها پیش نیامده است.



تصویر ۱۳- معبد آناهیتای کنگاور - کرمانشاه - دوره اشکانی

با این حال هنر ساسانی با جهان‌بینی مذهبی همراه است. آنها مذهب زردشت را رسمیت بخشیدند و در دوران حکومت‌شان بناهای بسیاری پدید آوردند که از حیث عظمت با هنر روم و بیزانس برابری کرد و گاه بر آن برتری داشت.

بهترین شیوه طاق زدن بر بناهای مربع شکل، در معماری ایرانی و حتی معماری غربی، متعلق

به ساسانیان است. معماران آن دوره در پوشاندن فواصل وسیع با مواد سخت توفیق یافته بودند. بعضی از اصول معماری ساسانی، راه را برای ترقی معماری گوتیک در اروپا باز کرد. در مجموعه هنر معماری این دوره، یگانگی و پیوند خاصی دیده می‌شود. اساس معماری گنبد است و ایوان، طاق نماها، اتاق‌ها و طاق‌های گهواره‌ای اغلب در اطراف یک یا چند حیاط قرار گرفته‌اند. تزئینات بناهای ساسانی شامل هنرهای گچبری، موزائیک‌کاری و نقاشی دیواری و حجاری (تصویر ۱۴ و ۱۵) می‌شوند.



تصویر ۱۴- غار بزرگ طاق بستان

به‌طور کلی، معماری عهد ساسانی براساس معماری سنتی و برای نواحی خشک مرکزی و شرقی ایران پدید آمده بود. بدین معنی که در ابنیه ساسانی اعم از کاخ‌ها و آتشکده‌ها، پوشش‌های گنبدی و ساختن ایوان‌های دارای طاق ضربی و چهارطاق‌های مخصوص آتشکده متداول و اساس معماری این زمان بوده است. تعدادی از بناها که بقایای آنها بر جای مانده است، مانند کاخ فیروزآباد، کاخ سروستان در فارس و ایوان مدائن در تیسفون، ایوان کرخه در خوزستان، همچنین آتشکده‌هایی با نام‌های تپه میل بین تهران- ورامین، آتشکده نیاسر در کاشان، آتشکده آذر گشنسب در تخت سلیمان و چهار قاپی در قصر شیرین و ... تا حد بسیاری وضع معماری را در دوره ساسانیان آشکار می‌کنند (تصاویر ۱۶ و ۱۷ و ۱۸).



تصویر ۱۶- کاخ اردشیر - فیروزآباد - فارس



تصویر ۱۵- طاق بستان - کرمانشاه



تصویر ۱۸- آتشکده آذرگشنسب - تخت سلیمان - آذربایجان غربی



تصویر ۱۷- آتشکده نیاسر - کاشان

آتشکده‌ها با مفهوم مذهبی بنا یک پرستش‌گاه ایرانی هستند و می‌توانند به شکل‌های کاملاً متفاوت از چهار طاق‌های ساده تا آتشگاه‌هایی با فضای زیاد، بنا شده باشند.

ایوان رفیع ساسانی معروف به «ایوان خسرو» که از آجر قرمز و ملات ساروج ساخته شده بود، نیز به لحاظ تاریخ معماری ایران حائز اهمیت است.

شهر فیروزآباد فارس مانند شهرهای پارتی دایره‌وار بود اما شاپور اول شهر تاریخی بیشاپور یا «به‌شاپور» (شهر زیبای شاپور) را بر خلاف آن به شکل یک چهار ضلعی ساخت که از یک جهت محدود است به دیوار محوطه و خندق‌ها و از طرف دیگر به کوهی تکیه کرده است. یک قلعه مستحکم نظامی با شبکه‌ای کامل از دیوارها و درهای کوچک، آن را حفاظت می‌کند و سوی دیگر آن را رودخانه فرا گرفته است. یک محله شهر، مخصوص ساختمان‌های شاهی است. تالار بزرگ کاخ، با قلوه سنگ و ساروج ساخته شده و با به کارگیری بهترین شیوه معماری ایرانی بر پا شده است. یک محیط مربع شکل مرکزی پایه گنبد است و چهار ایوان سه اتاقی اطراف آن را فرا گرفته است. یک تالار سه ایوانی که در شرق تالار بزرگ به حیاط مشرف است، از قطعات سنگ مفروش شده و حاشیه‌ای از قطعات موزائیک داشته که شاید تقلیدی از نقش یک قالی ایرانی متعلق به همان دوران باشد.

در محوطه بیشاپور پرستش‌گاهی سنگی است که احتمالاً به «آناهیتا» ایزد آب و باروری که ستایش آن با ستایش آتش همراه بوده است، اهدا گردیده که از جذابیت خاصی برخوردار است.

ساختن و پوشانیدن سقف تالار بزرگ «کاخ بیشاپور»، کاری بسیار مشکل بود و از نظر فنی و اجرایی و تاریخ معماری بسیار مهم می‌باشد که چگونه چنین سقفی با مصالح سنگ و ساروج ساخته شده است که امروزه هم کار مشکل و بزرگی است. اصولاً معماران ساسانی با استفاده از تجارب و معماری پیشینیان در کار طاق‌زنی و گوشه سازی و فیلیوش‌سازی^۱ برای پوشش گنبدی، نمونه ارزنده‌ای را تجربه کرده و به یادگار گذاشته‌اند که به معماری دوران اسلامی ایران منتقل شده و آنها این شیوه را به اوج شکوه و زیبایی هنری و فنی رسانیده‌اند.

هنر و معماری ساسانی به سرزمین‌های دیگر گسترش داشته به طوری که از طاق گهوارهای پیوسته ساسانی در سده ۱۰ میلادی برای ساختمان «کلیسای سنت ماری دامر» الهام گرفته شده است.

معماری دوران اسلامی

اسلام در قرن هفتم میلادی، پایه‌گذار فرهنگ نوینی شد که بخش‌های عمده‌ای از جهان متمدن را فرا گرفت و چهره بسیاری از کشورها را دگرگون نمود. با ورود تدریجی اسلام به این کشورها، نژادهای گوناگون، از اسپانیا تا هند در ساختن تمدن تازه که «تمدن اسلامی» نام دارد، شریک شدند، هر چند که در این میان سهم همه ملت‌ها یکسان نیست و آنهایی که با میراث‌های غنی پیش می‌آمدند، در ساختن بنای فرهنگی تازه اثر بخش‌تر بودند.

از جمله کشورهایی که در این تمدن سهم عمده‌ای دارد، ایران است. پس از اینکه ایرانیان دین اسلام را پذیرفتند، هیچ مانعی نمی‌دیدند در همان جایی که پدرانشان به عبادت می‌پرداختند خود نیز با

دین جدید به پرستش بپردازند شاید در نتیجه همین طرز فکر بود که در همان اوایل، آتشکده‌های دوره ساسانی را تبدیل به مسجد کردند. «مسجد یزد خواست» (بین اصفهان و شیراز) یکی از این مساجد است و پس از گسترش بیشتر اسلام در این سرزمین، ساخت مساجد در هر گوشه‌ای آغاز شد.

سیر تحول معماری و شهرسازی دوران اسلامی

مهم‌ترین بنای اسلامی را مساجد تشکیل می‌دادند از این‌رو مساجد اولیه طرح و نقشه بسیار ساده‌ای داشتند. گو اینکه از معماری اولیه این دوره، نشانه‌های اندکی بدست آمده، اما با توجه به همین نمونه‌ها می‌توان گفت که طرح و نقشه این مساجد شامل یک صحن یا حیاط مستطیل در وسط، سلسله اطاق‌هایی در اطراف و در سمت جنوب، یعنی قبله، شبستانی است که به کمک ستون‌هایی، سقف بر آن سایه گسترده است. در قرون اولیه، معماران ایرانی چندان به دنبال ابداع نبودند، بلکه می‌کوشیدند آنچه را موجود بود، کامل‌تر کنند. گنبد‌های سنگین ساسانی در این زمان بر فراز پایه هشت ضلعی منظمی قرار گرفت و مساجد به تقلید طرح‌های محلی، به صورت بناهای شبیه به چهار طاقی ساسانی - البته به صورت کامل‌تر بنا شد.

کیفیت بنای پایه‌ها، ستون‌ها و احداث ایوان بلند و طویل و به کار بردن مصالح ساختمانی و تزیینات آجری و گچبری در مساجد این دوره، عناصر ساختمانی ساسانیان را در معماری مسجد نشان می‌دهد و نفوذ معماری ساسانی در بناهای مذهبی به درجه‌ای می‌رسد که به تدریج اصول معماری اسلامی بر شالوده معماری ساسانیان پایه‌گذاری می‌شود.

از معماری اولیه دوره اسلامی در ایران، نمونه‌های اندکی بجای مانده است. بناهایی مانند مسجد جامع فهرج در یزد، تاریخانه دامغان، مسجد جامع نائین، مسجد جامع شوشتر نمونه‌هایی از آن زمان است که بعضی از آنها از میان رفته یا تغییر شکل یافته‌اند (تصویر ۱۹).

«مسجد جامع فهرج» توسط معماران

ایرانی در قرون اولیه اسلام برپا شد. ویژگی‌های این مسجد در شکل طاق‌ها، قوس‌ها و جزئیات تزیینی آن است و از نظر وضعیت ساختمانی ثابت می‌کند که با پیروی از معماری ساسانی ساخته شده است. عناصر اصلی بنا شبستان، راهرو و مناره است و شکل عمومی بنا ساده و تنها نقوش ساده و زیبایی از گچبری زینت بخش دیوار آن است.



تصویر ۱۹ - مسجد جامع فهرج - قرون اولیه اسلامی

«معماری دوران اسلامی ایران» عموماً در سه گروه اصلی مورد مطالعه و بررسی قرار

می‌گیرند:

۱- بافت شهری و روستایی

۲- مجموعه‌های معماری

۳- تک بناها

بافت شهری و روستایی

در ایران امروز، روستاها و شهرهای تاریخی بسیاری با آثار و ساختار دوران اسلامی وجود دارد. به بیان دیگر، تمامی شهرها و روستاهایی که امروزه در آنها زندگی می‌کنیم، در دوران اسلامی شکل گرفته‌اند. هر چند بنیان اولیه تعدادی از آنها به دوران قبل از اسلام می‌رسد.



تصویر ۲۰- دورنمای روستای ماسوله - گیلان

از بین تمامی شهرها و روستاهای دوران اسلامی ایران، تعدادی از آنها با توجه به بافت و ساختار ویژه و آثار و بناهای فراوان بسیار ارزشمند و صاحب نام و آوازه‌اند و گروهی از آنها در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌اند. روستاهای ماسوله، ابیانه، میمند و بازاریها و بافت‌های تاریخی شهرهای اصفهان، تبریز، شیراز، مشهد، کرمان، یزد، تهران، کاشان، زواره و ... از این قبیل‌اند که بسیاری از آنها با سابقه تاریخی و ویژگی‌های معماری و شهرسازی خود ارزش جهانی دارند (تصاویر ۲۰ و ۲۱ و ۲۲).



تصویر ۲۲- دورنمای روستای میمند - کرمان



تصویر ۲۱- روستای کندوان - آذربایجان

از این میان می‌توان به دو مورد اشاره کرد :

الف) میدان نقش جهان اصفهان و بازارها و بناهای پیرامون آن و ... که یکی از قدیمی‌ترین و وسیع‌ترین نمونه‌های معماری و شهرسازی در دنیاست.

ب) ساختار شهری و بناهای دو شهر کاشان و یزد که در نوع خود از عالی‌ترین نمونه‌های هنری و معماری ایران و جهان است که با استفاده از ارزان‌ترین و در دسترس‌ترین مصالح و مواد بومی و با رعایت آداب و سنن زندگی و هماهنگی با طبیعت و محیط کویری بنا گردیده و شاهکاری بدیع از هنر و معماری می‌باشند.

مهم‌ترین بخش اجتماعی و کالبدی شکل‌دهنده به بافت‌های تاریخی، «بازار» است که با داشتن اصلی‌ترین بناهای شهر، عمده‌ترین فعالیت‌های اجتماعی در آن اتفاق می‌افتد. با توجه به نقش اصلی بازار در بافت‌های تاریخی و شکل‌گیری و زندگی شهرهای اسلامی، بسیاری از بازارهای تاریخی ایران در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (تصویر ۲۳).



تصویر ۲۳- بازار کرمانشاه

مجموعه‌های معماری

یک «مجموعه معماری» از تعدادی بناهای گوناگون با عملکردهای مناسب و مکمل یکدیگر تشکیل می‌شود که در کنار هم و در قالب یک ساختار بزرگ ساخته شده‌اند. «مجموعه‌ها» به دلایل مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و ... شکل می‌گیرد که پیدایش آنها با ایجاد یک بنای اولیه مثل یک آرامگاه ساده یا یک مکان مذهبی و یا ... شروع می‌شود و در طول زمان با اضافه شدن بناهای دیگر مانند مسجد، مدرسه، کتابخانه، آب انبار، خانقاه، زائر سرا، کاروانسرا و ... به یک مجموعه گسترده و با شکوه تبدیل می‌شود.

مجموعه تاریخی «سنگ بست» در نزدیکی شهر مقدس مشهد (سده سوم و چهارم ه.ق) از

نخستین نمونه‌های این گونه مجموعه‌هاست.

مجموعه حرم مطهر حضرت رضا (ع) در مشهد (تصویر ۲۴)، مجموعه گنجعلی‌خان کرمان (تصویر ۲۵)



تصویر ۲۵- نمای داخلی مسجد گنجعلی‌خان - کرمان



تصویر ۲۴- مجموعه حرم امام رضا (ع) مشهد مقدس



بقعه شاه نعمت‌الله ولی در کرمان، مجموعه شیخ احمد جام در تربت جام خراسان و مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در اردبیل، مرقد مطهر حضرت معصومه (س) در قم از این مجموعه‌ها می‌باشند (تصویر ۲۶).

بناهای دوران اسلامی در دو گروه تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱- بناهای مذهبی مانند: مساجد، مدارس، بقعه متبرکه، آرامگاه، قدمگاه، حسینیه‌ها، تکایا، مصلی‌ها و کلیساها.

۲- بناهای غیرمذهبی مانند: پل‌ها، آب‌انبارها، قنات‌ها، خانه‌ها، کاروانسراها، کاخ‌ها، باغ‌ها، حمام‌ها، قلعه‌ها، کبوترخانه‌ها و...

در قرون ۵ و ۶ هجری در هنر ایران گامی بزرگ برداشته شد و تاریخ هنر ایران، یکی از درخشان‌ترین دوره‌های خود را در این روزگار سپری کرد.

تصویر ۲۶- حرم حضرت معصومه (س)

هنر معماری در این دوره درخشان و شکوفا به درجه کمال رسید. هنرمندان در این دوره در معماری به عوامل و عناصری دست یافت که با آنها بتوان، بناهای بزرگ بوجود آورد. این شیوه ساختمان، اساس معماری مذهبی و کاروانسرا و مدرسه‌سازی ایران است.

مسجد جامع اصفهان در حقیقت مجموعه‌ای است از تحولات معماری این دوران که تا هزار سال همچنان سیر تحول معماری را نشان می‌دهد. دو گنبد خواجه نظام‌الملک و گنبد تاج‌الملک در مسجد، از نظر تکنیک و زیبایی، اثر بسیار چشمگیری است. ایوان‌های چهارگانه مسجد هر کدام شاهکاری از هنرهاست. شبستان‌های مسجد و همچنین محراب زیبای اولجایتو محمد از جمله زیباترین آثار هنری ایران به شمار می‌روند. در این مسجد زیبا و کامل به جز

سبک‌های مختلف معماری، انواع خطوط کوفی، ثلث و نستعلیق به کار رفته است (تصویر ۲۷). علاوه بر مسجد باید از مدرسه و کاروانسراها و مقبره‌های این دوره هم نام برد. اگرچه شبکه راه و جاده‌های شوسه، شاه‌رگ حیاتی تجارت یک کشور محسوب می‌شود، اما در گذشته‌های دور، بدون وجود کاروانسراها و مسافرخانه‌ها و ایستگاه‌های میان راه، استفاده مطلوب از جاده امکان نداشت.

یکی از کامل‌ترین کاروانسراهای این دوره «رباط شرف» در جنوب سرخس در راه قدیمی نیشابور - مرو است. با وجود خرابی‌های ناشی از مرور زمان، هنوز بسیار زیبا و کامل است (تصویر ۲۸).



تصویر ۲۷ - محراب الجایتو - مسجد جامع اصفهان - دوره ایلخانی



تصویر ۲۹ - برج گنبد قابوس - دارای ۱۰ ترک و کتیبه‌های کوفی



تصویر ۲۸ - کاروانسرای رباط شرف بر کناره راه ابریشم - خراسان رضوی - دوره سلجوقی

از نمونه آرامگاه‌های این دوره برج مدور مراغه با طرح دایره‌وار و برج مهماندوست دامغان و برج گنبد کاووس در گلستان و برج طغرل در شهر ری با طرح ترکدار را می‌توان نام برد (تصویر ۲۹). در معماری این دوره برج‌های خرقان در قزوین و گنبد کبود در مراغه به صورت هشت و ده ضلعی هستند (تصویر ۳۰).

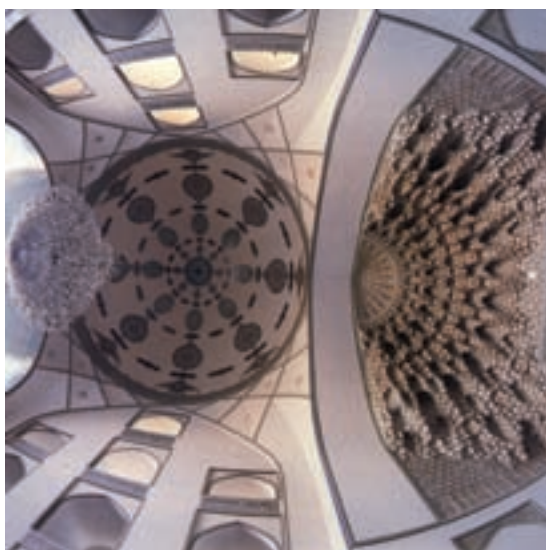
سطوح خارجی دیوار بناها با آجر نماسازی می‌شده‌اند و کاربرد آجر بسیار رواج پیدا کرد و از انواع طرح‌های هندسی در آجر استفاده می‌شد. هنر آجر تراشی و تزئین بنا با آجرهای تراشیده، از قرن پنجم ه.ق در ایران معمول بوده است. در کنار این تزئینات بسیار زیبای آجری، کتیبه‌ها و خطوط تزئینی، با استفاده از آجر تراشیده، یکی از ویژگی‌های این دوره به‌شمار می‌رود.



تصویر ۳۰ - برج خرقان - نمای آجرکاری - قزوین - دوره سلجوقی



تصویر ۳۱ — مسجد گوهر شاد — مشهد — دوره تیموری



تصویر ۳۲ — مقرنس — مسجد گوهر شاد — مشهد — دوره تیموری



تصویر ۳۳ — مسجد کبود تبریز — دوره قراقیونلو

در قرون هفتم و هشتم این دوره بناها، به ویژه ساخت مقبره‌ها و آرامگاه‌های برج مانند به همان شیوه سده‌های پنجم و ششم هجری ادامه یافت. همچنین نقشه چهار ایوانی که از پیش متداول بود، در قرون هفتم و هشتم هجری نیز برای بناهای مذهبی مانند مسجد و بناهای غیرمذهبی مانند کاروانسراها به کار می‌رفت.

معماری در این دوره هم جنبه عمومی داشت و هم جنبه محلی و همان طور که بنای مسجد جامع اصفهان برای معماران دیگر مساجد سرمشق بود، معماران این دوره روش‌های ساخت مراکز بزرگ مثل سلطانیه را اقتباس می‌کردند و در کنار سنت‌های محلی به کار می‌بردند. در این دوره به تزیینات بناها بسیار توجه می‌شد.

سر در مسجد ورامین به کاشی‌ها و آجرهای قهوه‌ای رنگ تزیین یافته است. این مسجد نه تنها از لحاظ ساختمان عظیم و گنبد آجری آن اهمیت دارد، بلکه به خاطر تزیینات کاشی‌کاری معرق و گچبری و کتیبه‌های تاریخی آن جزء آثار مهم هنری ایران به شمار می‌رود.

مسجد گوهرشاد اگرچه سردر و مدخل مستقلی ندارد و یکی از مجموعه بناهای آستانه امام رضا (ع) است، اما طاق عظیم ورودی آن مملو از کاشی‌کاری و کتیبه‌های مفصلی است. بنای مسجد از هر جهت زیبا و کامل و یکی از شاهکارهای معماری دنیاست (تصویر ۳۱ و ۳۲).

مسجد کبود تبریز از بهترین بناهای قرن نهم ه.ق است که در زمان جهانشاه قراقیونلو بنا شده است. نقشه این مسجد شباهت چشمگیری به نقشه مساجد عثمانی دارد. این مسجد اگرچه فاقد صحن و حیاط مرکزی است، اما صحن مرکزی که با گنبد پوشیده شده، به صورت چهار ایوانی ساخته شده است. ورودی مسجد با تزیینات کاشیکاری در کمال زیبایی و ظرافت زینت شده است. در این کاشی‌ها رنگ‌های آبی روشن، آبی پررنگ، خاکستری و سبز چمنی و پررنگ به کار رفته و در برخی موارد، گل و بوته و شاخه‌هایی با طلاکاری در آن دیده می‌شود. کاشی‌کاری و رنگ‌آمیزی‌ها در این مسجد همان گونه است که هنرمندان در تزیین و تذهیب صفحات کتاب‌ها به کار می‌بردند (تصویر ۳۳).

علاوه بر معماری مساجد این دوران، باید به مقبره‌ها یا آرامگاه‌های این زمان هم اشاره کرد. گنبد سلطانیه یا مقبره سلطان محمد اولجایتو (خداوند) یکی از زیباترین بناهای اسلامی و شاهکاری از معماری این دوره است که در اوایل قرن هشتم ه.ق در نزدیکی زنجان ساخته شده است. بلندی این بنای هشت ضلعی منتظم بیش از ۵۰ متر است. این گنبد را طوری ساخته‌اند که بدون ساختن بناهای متصل و مجاور به آن با ابتکارات هوشمندانه فشارهای جنبی گنبد را به جانب زمین منحرف کرده‌اند. در هشت

گوشه ساختمان مناره‌ها فشار وارده گنبد را عموداً خنثی نماید. (تصویر ۳۴)

در دیگر بناهای این دوره مثل کاروانسراها و مدرسه‌ها جلوه‌های زیبایی را می‌توان دید. ایلخانیان برای توسعه و پیشرفت اقتصاد در نقاط کشور بویژه در ناحیه شمالی و آذربایجان تعداد بسیاری راه‌های ارتباطی ساختند و برای آرایش کاروانیان در مسیر این راه‌ها و جاده‌ها کاروانسراهای بزرگ و زیبایی با توجه به اقلیم احداث کردند. مانند کاروانسراهای سرچم در بین راه زنجان و میانه، یا رباط سپنج در نزدیکی شاهرود. در نزدیکی مرز افغانستان و خراسان در شهر خواف و کنار دهکده خرگرد، مدرسه غیاثیه را دو معمار ایرانی، استاد قوام‌الدین شیرازی و غیاث‌الدین شیرازی بنا کردند. که یکی از مدارس کامل چهار ایوانی نیز هست. کاشی‌های معرق و آجرهای تزیین شده مدرسه شهرتی خاص دارند. (تصویر ۳۵).



تصویر ۳۴ — گنبد سلطانیه — زنجان — دوره ایلخانی

یکی از درخشان‌ترین دوره‌های هنری ایران پس از اسلام دوره صفویه است. در اواخر قرن دهم هـ. ق در زمان شاه عباس با انتخاب اصفهان به پایتختی، این شهر به عنوان یکی از درخشان‌ترین شهرهای شرق گسترش پیدا کرد.

با توجه به امنیت ایران در این دوره بناهایی بزرگ و عالی مانند کاخ‌های عالی‌قاپو، چهل ستون، هشت بهشت و تالار اشرف در اصفهان و بقعه شاهزاده حسین و سردر عالی قاپو در قزوین ساخته شدند. دیوار این کاخ‌ها از کاشی‌های خوش آب و رنگ پوشیده شده در میان مجموع آنها با نقوش نقاشان معروف آن دوره پیوند وجود دارد. سقف‌ها و دیوارها نیز غالباً با منبت کاری تزیین می‌شدند. (تصویر ۳۶). تزیینات چوبی در بناهای غیر مذهبی دارای نقش اصلی بود و در آنها میزان بیشتری از تذهیب کاری و نقاشی‌های لاک‌ی استفاده می‌شد. طرح‌های آنها با هنر نگارگری دارای رابطه نزدیکی بود.



تصویر ۳۵ — مدرسه غیاثیه خرگرد خواف در خراسان — نمایی از فضای خارجی

کنده کاری و خراطی به ویژه در درها و سقف‌ها، هنر خاصی در این دوره محسوب می‌شده است. نقاشی‌های دیواری (فرسک^۱) در کاخ‌های عالی قاپو، قصر اشرف و چهل ستون و همچنین آئینه کاری



تصویر ۳۶ — بقعه شاهزاده حسین — قزوین — دوره صفوی

۱- فرسک شیوه‌ای در نقاشی دیواری است که قبل از خشک شدن ملات گچ با آهک انجام می‌شود.

به عنوان نوعی ترین جدید در بناها، مانند آینه خانه، مورد استفاده قرار گرفته است. در این دوره نقشه جدیدی برای شهر اصفهان ارائه شد و در آن خیابان بزرگ و معروف چهار باغ ساخته و طرفین خیابان را درخت کاشتند. این خیابان به پل بزرگی که روی زاینده رود است، می‌رسد. مرکز شهر را میدان نقش جهان با بناهای باشکوه دربرگرفته است. نمونه شاخص کاخ‌سازی مستقل از میدان نقش جهان نیز پدید آمده است. کاخ چهل ستون با ۲۰ ستون چوبی بلند در ایوان، تالار آئینه با سقف منقوش و زر اندود و منبت کاری و گچبری و نقاشی‌های عالی، یکی از مشهورترین کاخ‌های این دوره است (تصویر ۳۷).

معماری قصر هشت بهشت نیز از نظر منظره باغ اهمیت دارد. این قصر را برای جشن‌های مجلل در نظر گرفته بودند. شهرت این کاخ گذشته از جنبه معماری و زیبایی، به سبب استفاده از سنگ‌های مرمر و طاق مقرنس کاری و نقاشی مناظر کاشی کاری خاص آن است. آینه کاری این کاخ عامل دیگری در زیبایی بنا بوده است.

مدرسه چهارباغ با سر در ورودی و گنبد و دو مناره رفیع از نظر شیوه کاشی کاری و رنگ آمیزی جلب نظر می‌کند. بنای زیبای این مدرسه و کاروانسرا و بازار در خیابان چهار باغ احداث شده است. از این زمان به بعد در سراسر ایران، کاروانسراهای بزرگی از آجر و گاهی از سنگ ساخته شده است. از کاروانسراهای این دوره مهیار در اصفهان، بیستون در کرمانشاه، مادر شاه و شیخ علیخان در اصفهان را می‌توان نام برد.

در دوره صفویه تعداد زیادی پل ساخته شده که از نظر زیبایی و شیوه پل سازی بسیار چشمگیرند. پل الله وردی خان یا سی و سه پل در انتهای خیابان چهارباغ در اصفهان در دو طبقه بر روی رودخانه زاینده رود واقع شده است. در دو سوی جاده اصلی، راهروی سرپوشیده‌ای برای پیاده‌روان ساخته شده است (تصویر ۳۸).



تصویر ۳۸ — سی و سه پل (پل الله وردی خان) — اصفهان



تصویر ۳۷ — عمارت چهل ستون — اصفهان

پل خواجه که بر روی زاینده رود ساخته شده، از نظر معماری و کاشی‌کاری مشهور است و از لحاظ تناسب و جلوه، زیبایی چشمگیری دارد. این پل ها نه تنها برای عبور بلکه برای توقف نیز طراحی شده است و در آنها جاهایی برای تفریح و درنگ وجود دارد. در سراسر طول پل، غرفه‌های کوچک زیبایی تعبیه شده که با کاشی و نقش‌های دیواری زیبایی آراسته است (تصویر ۳۹). از زمان صفویه بناهای تاریخی بسیاری در ایران وجود دارد، چون مجموعه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در اردبیل، (تصویر ۴۰)، که شامل مجموعه‌ای از گورهای شاهان، شاهزادگان دوره صفوی و چند ساختمان دیگر به نام چینی‌خانه، مسجد و متعلقات دیگر است.



تصویر ۴۰ — بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی



تصویر ۳۹ — پل خواجه بر رودخانه زاینده رود — اصفهان

مقبره استوانه‌ای شکل با گنبدی کوتاه پوشانیده شده است و دور برج از خارج دارای کتیبه بزرگ آجری است و نام «الله» با کاشی روی آن تکرار شده است. آستان پرشکوه قدس رضوی (ع) شامل مجموعه بناهای متعددی است. گنبد زرین بنا دارای دو پوشش است که پوشش خارجی آن طلاکاری است. این گنبد کتیبه‌ای به خط علیرضا عباسی خوشنویس دوره شاه عباس دارد. دو مناره طلا بر روی ایوان عباسی و ایوان جنوبی قرار دارند. طلاکاری ایوان صحن کهنه (عتیق) به فرمان نادرشاه افشار انجام شده و از این روست که به «ایوان نادری» معروف است. به طور کلی برخی از بهترین تزیینات و آینه‌کاری و نمونه کاشی‌کاری سه دوره تاریخی متوالی را در آن مکان مقدس می‌توان دید، زیرا مسجد گوهرشاد در زمان تیموریان، صحن کهنه در زمان صفویه و صحن نو در دوره قاجاریه ساخته شده است. از نمونه‌های دوره افشاریه کاخ خورشید و برج‌های دیده‌بانی شهر کلات است (تصویر ۴۱).



تصویر ۴۱ — کاخ خورشید (کلات نادری) — خراسان



تصویر ۴۲- ارگ کریم خان - شیراز

در دوره زندیه در شهر شیراز عمارات و بناهای بزرگی ساخته شد. از جمله آنها، ارگ کریم خان، مسجد و حمام و یک بازار است. از ویژگی‌های کاشی‌کاری این دوره، استفاده از نوعی رنگ گل سرخ است که در زمان قبل دیده نمی‌شود. تزیینات کاشی‌کاری در بدنه بناها از آجرهای کاشی و زمینه سفید بود. صورت شخصیت‌های رسمی، صحنه‌های هنرنامی رستم پهلوان ملی، شکار و دورنماها در کاشی‌کاری دیده می‌شود. (تصویر ۴۲)

در دوره قاجاریه شیوه جدیدی در معماری ایجاد شد و معماران این زمان نیز دنباله‌رو شیوه صفویه بودند. هرچند هنر معماری این زمان در مقایسه با دوره صفویه بسیار ضعیف شمرده می‌شود. اما به مرور به دلیل ارتباط زیاد با غرب معماری تلفیقی نیز پدید آمد.

معماری غیرایرانی با طرح‌های تزینی ایرانی از قبیل کاشیکاری، آینه‌کاری، گچبری و ازاره‌بندی از کاشی، توأم شد. با این‌حال عناصر معماری ایرانی به حیات خود ادامه داد به‌طوری که ایجاد زیرزمین‌ها با طرح‌های زیبا و پوشش‌های ضربی آجری، تعبیه حوضخانه‌ها، رواج بادگیر برای خنک کردن فضاها و احداث تالارهای بزرگ با شاه‌نشین‌ها و غرفه و گوشواره‌ها همه و همه به صورت دلپسندتری درآمد. ساختن بادگیرها در ابتدا ساده و فقط شامل یک دهانه هواکش مزین به کاشی‌کاری‌های زیبا بود. سپس به تدریج مراحل کمال را پیمود، چنان‌که صورت تکامل یافته آنها، دو طبقه و از چهار جهت دارای هشت دهانه هواکش است و جریان باد و هوا را از این دهانه‌ها به داخل ساختمان هدایت می‌کند.

در معماری، ساختن بادگیرهای مزین به کاشی‌کاری و قبه طلا در عمارت، رکنی از معماری اصیل ایرانی بوده است. بناهای مسکونی دوره قاجار (به‌جز کاخ‌های سلطنتی) همه به شیوه معماری اصیل ایران در ادوار قدیم بوده که در این دوره با ابتکارات جدیدتر به صورتی دلچسب و نیکو تکمیل شده‌اند.

در تهران و اطراف آن، چند نمونه مهم از معماری قاجاریه دیده می‌شود. یکی مقبره حضرت عبدالعظیم در شهر ری است که بنای مقبره و گنبد طلای آن قابل توجه است. بناهای دیگر قابل توجه «عصر قاجاریه»، مسجد امام (شاه یا سلطانی) و مسجد سپهسالار (مطهری) تهران است.

علاوه بر معماری مذهبی که از صفویه پیروی شده است، معماری کاخ و ساختمان‌های مسکونی که آمیزش عوامل معماری ایرانی و اروپایی را به حالتی بسیار دلنشین نشان می‌دهد؛ مانند عمارت کلاه فرنگی، کاخ سرخه حصار، کاخ شمس‌العماره، کاخ گلستان، تیمچه‌های وسیع و زیبای این دوره خود نشان دهنده شاهکارهای ماهرانه‌ای از استادان هنر معماری قرن سیزدهم ه.ق است. (تصویر ۴۳)

از دوره قاجار تیمچه و بازارهای وسیع با پوشش‌های خوبی در تهران و شهرستان‌های بزرگ موجود است که از نظر هنر آجرکاری و کاشی‌کاری و چه از نظر وسعت دهانه طاق‌ها قابل تحسین و ستایش‌اند. معماری در دوره پهلوی تنوع چشمگیر نداشته است. با ورود مصالح جدید ساختمانی مانند آهن، بتون و غیره و نیز آمدن مهندسان خارجی به ایران، مهندسانی که به پیشینه پرافتخار معماری کشور ما آشنایی نداشتند و بازگشت ایرانیانی که در خارج از وطن تحصیل هنر معماری کرده



تصویر ۴۳- کاخ شمس‌العماره - تهران

و یا تحت تأثیر معماری غرب بودند، دگرگونی شگرفی در هنر معماری ایران پدید آورد. با همه زیبایی که این نوع معماری‌ها به قیافه شهرهای ایران بخشید، متأسفانه غالباً جنبه تقلید از شیوه‌های معماری غرب بر تبعیت از هنر اصیل ایرانی یا ابداع شیوه جدیدی در معماری ایران، ترجیح داده شد. با این وجود، در بعضی از موارد، ناچار از تمایل به تزیینات به سبک ایرانی شده‌اند. بناهایی چون کاخ‌های سعد آباد، کاخ مرمر در تهران و ساختمان مجلل باشگاه افسران دبیرستان البرز، سردر باغ ملی، عمارت پست، گواه این مدعاست. این طریق معماری بدون توجه به عوامل اقلیمی و پیشینه معماری در ایران هنوز ادامه دارد (تصویر ۴۴).



تصویر ۴۴- سردر باغ ملی - تهران

نکاتی در پدیده‌های معماری ایران

به جرئت می‌توان گفت که بخش عمده‌ای از پدیده‌های موجود در عالم معماری با توجه به مدارک و اسناد موجود، در فلات ایران خلق شده‌اند. می‌دانیم که مغرب زمین همواره به معماری گوتیک فخر کرده است و به اعتباری مهم‌ترین شاهکارهای هنری معماری مغرب زمین به این سبک تعلق دارد. جالب است که معماری گوتیک را ملهم از معماری ایران می‌دانند. درباره پدیده‌های معماری که در ایران پیش از اسلام آفریده شده و طی قرن‌ها تحول و تکامل یافته و به دیگر سرزمین‌ها انتقال یافته، می‌توان نمونه‌هایی یاد کرد؛ مانند کاربرد انواع قوس‌ها و از آن جمله طاق ضربی از هزاره دوم ق.م در امر پوشش فضاهای معماری پدیده ارزنده‌ای است که در این سرزمین پا گرفته است. خلق گنبد بر روی پایه چهارگوش از ابتکارهای استثنایی است که در این سرزمین به وجود آمده و منشأ دگرگونی اساسی در کار معماری جهان شده است. ایوان نیز که یکی از پدیده‌های شگرف دوره اشکانی است، که در پی کاربرد وسیع و موفق آن در معماری ساسانی، در دوره اسلامی همچنان مورد توجه قرار گرفت و بعدها برای هرچه بیشتر شکوهمندی شبستان گنبددار به آن افزوده شد.

عناصر معماری شهرسازی

محله: با حذف نظام طبقاتی مفهومی براساس هم‌شهری بودن یا براساس فعالیت‌های مشترک به شکل کوی، محله یا شهر کوچکی در بافت شهری پدید آمد.

خیابان - کوچه: ایجاد خیابان و کوچه به عنوان شیوه ارتباطی میان مناطق درون شهری و برون‌شهری از دیرباز در معماری و شهرسازی ایران وجود داشته است. با این حال به دلیل اهمیت به گیاه و زیبا جلوه دادن این عنصر شهری خیابان‌های چهارباغ پدید آمدند. کوچه‌ها نیز به عنوان مسیرهای فرعی با ایجاد تقاطع یعنی گذر از هر محله ایجاد شد. این کوچه‌ها براساس مناطق مختلف به صورت سرپوشیده یا باز ساخته می‌شدند. هر محله ممکن بود چند گذر داشته باشد.

بازار: محل مورد نیاز تجارت و مایحتاج مردم را بازار می‌نامند که در ابتدا در کنار دروازه‌های اصلی شهر و سپس در بافت مرکزی شهری ایجاد شد. بازارها به شکل سرپوشیده یا باز ساخته و مجموعه آنها را ارسن می‌نامند. عناصر مختلف بازار شامل راسته، رسته، سرا، تیمچه، حجره می‌باشد، مسیر اصلی بازار راسته نامیده می‌شود و از تقاطع دو راسته، چهارسوق پدید می‌آید. بخش‌هایی از



۴۵- بازار مسگری

راسته که صنف مشاغل یکسان در آن قرار می‌گیرد، رسته نامیده می‌شود. فضای حیاط میانی که دورتا دور آن حجره‌ها قرار گرفته است.

مرکز چند تجارت‌خانه از یک صنف در یک فضای سرپوشیده، تیمچه نام دارد و مجموعه تیمچه‌ها در وسط یک فضای آزاد مسقف دارند (تصویر ۴۵)

میدان: میدان همان عنصر درونی شهر است که فضایی باز برای حضور مردم یا ارتباط اصلی با دیگر عناصر شهری است. میدان معمولاً به شکل میدان‌های بزرگ و کوچک ساخته می‌شوند. عملکرد میدان بیشتر به عنوان جایگاه مشخص، برخی ارتباطات و مشاغل و نیازهای شهری را دربرمی‌گیرد. (تصویر ۴۶)



تصویر ۴۶ - دورنمای میدان نقش جهان - اصفهان - دوره صفوی

خانه: در اکثر مناطق ایران خانه‌های سنتی دو قسمت اندرونی و بیرونی دارند. قسمت اندرونی خصوصی و برای زندگی خانوادگی در نظر گرفته شده است. و قسمت بیرونی برای رفت و آمد و پذیرایی از افراد دیگر استفاده می‌شود. و حریم زندگی خصوصی از دید مهمانان به طرز زیبایی از هم جدا شده است. (تصویر ۴۷) خانه‌های سنتی اغلب در چهار طرف یک حیاط مرکزی قرار گرفته است.

مسجد و انواع آن: مساجد مهم‌ترین عنوان و عنصر بناهای دینی است که در دوره‌های متفاوت برای برگزاری مراسم دینی و فعالیت‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است.

در هر دوره نقشه ساختمانی مساجد تفاوت دارد که ابتدا به شکل شبستانی یا ستون‌دار (چهل ستونی) ساخته می‌شد. پس از آن شیوه چهارطاقی به شبستان اضافه شد. در دوره‌های بعد به شیوه ایوان‌دار و گنبدی روتق یافت. (تصویر ۴۸).



۴۸- مسجد امام - اصفهان - دوره صفوی



تصویر ۴۷ - حیات‌خانه شاه ویلایی - کاشان

میل مناره: این عنصر معماری در واقع برج‌های راهنماست که در کناره راه‌ها و در مسیر کویر یا مناطق کوهستانی و جنگلی ساخته می‌شوند. شب‌ها برای راهنمایی مسافران بر بالای آن آتش روشن می‌کردند و به این لحاظ مناره مدرسه این بنا عنصر اصلی تأثیرگذار در شکل‌گیری مناره در مساجد اسلامی است. با این حال الگوی اصلی بسیاری از برج مقبره‌ها نیز می‌باشد (تصویر ۴۹).

کاروان‌سرا: بخشی از معماری مهمی که برای اقامت موقت مسافرانی که به‌صورت گروهی معرفی کردند ساخته شده است. این بنا به دلیل گستردگی تبادلات اقتصادی و تجاری و یا زیارت رونق بسیار داشته است. دارای حیاط وسیع و روباز و دورتادور آن تعداد زیادی حجره برای استراحت مسافران بوده است. (تصویر ۵۰)



۴۹- برج طغرل - شهری - دوره سلجوقی



تصویر ۵۰- کاروانسرای میبد - یزد



۵۱- گرم‌خانه گرمابه گنجعلی خان - کرمان

گرمابه: به دلیل اهمیت به پاکیزگی و نظافت، گرمابه عنصر بسیار مهم شهری است که در ایران از دیرباز تاکنون حضور اصلی داشته است. بنابراین این مکان پس از مسجد، مدرسه و بازار از عناصر مهم شهر به حساب می‌آمد. از عوامل مهم در گرمابه تنظیم دما و گرمایش است. مسیر دسترسی به بخش اصلی بنا از ورود ناگهانی هوای سرد؛ هم از بیرون به درون و هم در بین فضاهای درونی جلوگیری می‌کند. از عناصر مهم گرمابه فضای بینه (رخت‌کن) و گرم‌خانه (محل شست و شو) است. (تصویر ۵۱)

مدرسه: به دلیل ارزش آن به تعلیم و تربیت و یادگیری دانش مکانی خاص به عنوان مدرسه حائز اهمیت است. ایرانیان از دوران پیش از اسلام و دوران اسلامی با جدیت به ساخت این مکان پرداختند. شیوه معماری مدارس با تحول معماری مساجد به شکل ایوانی درآمد و از عناصر مهم آن مَدْرَس (محل تدریس استادان) و حجره (اتاق‌های محل اقامت طلبه‌ها) می‌باشند. (تصویر ۵۲)

آرامگاه: ساخت مقبره از دوران باستان نمادی از اعتقاد به دنیای پس از مرگ است. از این رو سیر تحول آرامگاه‌سازی از درون خانه‌ها یا مقابر مستقل یا گوردخمه‌ها با استفاده از عناصر معماری



۵۲- مسجد مدرسه آقابزرگ - کاشان

در باشکوه جلوه دادن آن قابل بررسی است. آرامگاه‌های بزرگان دینی و عرفانی و ... به صورت زیارت گاه مورد احترام واقع شده است. (تصویر ۵۳)



۵۳- مقبره امیر تیمور سامانی — بخارا



۵۴- کاخ هشت بهشت — اصفهان

کاخ: حضور حکومت‌های متمرکز ضرورت ساخت بناهای باشکوه و اشرافی را در دوره‌های تاریخی ایران باعث شد. ساختن کاخ و عمارت‌های مجلل برای حکمرانان و پادشاهان مسابقه طولانی در فرهنگ معماری ایران دارد. به دلیل انتخاب شهرهایی در دوره صفویه به عنوان پایتخت، ساختن کاخ در عرصه معماری اسلامی مطرح شد. تزیینات این بناها به نحوی قابل تحسین انجام شده است. (تصویر ۵۴)

قلعه: به دلیل ضرورت دفاع و کاربرد نظامی یا حفاظت از کاخ و قلمرو شاهی در کوهستان و دشت قلعه‌هایی می‌ساختند. در ساخت آن از مصالح مستحکم مثل سنگ و ساروج و آهک بهره می‌گرفتند و حتی از موقعیت طبیعی پرتگاه ارتفاعات شیب‌دار و صخره‌های دور از دسترسی استفاده می‌کردند. گاه در دشت‌ها با کندن خندق قلعه را از دسترس دور نگه می‌داشتند. (تصویر ۵۵)



۵۵- قلعه‌ای بر فراز کوه یا ارگ بم — کرمان

پل و آب‌بند: ساخت پل‌ها و آب‌بندها در مسیر جاده‌های کاروانی یا رودخانه‌های پر آب برای جلوگیری از طغیان یا مسیر آب جهت کشاورزی و دیگر فعالیت‌های مرتبط میراث شکوهمند دیگری از تاریخ ایران باستان به‌شمار می‌رود. هنگام ساخت آب‌بند ضمن ذخیره آب به انتقال آب برای به گردش درآوردن سنگ‌های آسیاب هم توجه شده است. (تصویر ۵۶)



۵۶- پل زمان‌خان - شهرکرد یا آب‌بند شوشتر

آب‌انبار: آب‌انبار مخزن آب زیرزمینی است که برای ذخیره‌سازی آب در مناطق خشک و کم‌آب می‌تواند بهترین روش نگهداری آب باشد. بسیاری از آب‌انبارها در مسیر قنات ساخته شده است تا آب سالم را به آب‌انبار هدایت کنند. (تصویر ۵۷)

یخچال: ضرورت به‌کارگیری آب گوارا و استفاده بهینه از نزولات آسمانی عنصر دیگری به عنوان یخچال در معماری ایران را باعث شد. این مکان حتی در روزهای گرم نیز می‌توانست یخ مورد نیاز مردم را که از نزولات آسمانی (برف) به‌شمار می‌رفت را فراهم کند. (تصویر ۵۸)



تصویر ۵۷- آب‌انبار

کبوترخانه‌ها: از دیگر ابداعات معماران ایرانی ساخت کبوترخانه است که هدف آن مکانی برای نگهداری کبوترها و جمع‌آوری فضولات آنها در مصرف کشاورزی به عنوان کود بوده که برای احیای کشاورزی و غنی کردن خاک استفاده می‌کردند. در شبکه‌های آجری بیشترین تعداد لانه را با کمترین مصالح ساختمانی فراهم می‌کردند. (تصویر ۵۹)



۵۹- کبوترخانه - اصفهان



۵۸- یخچال مؤیدی - کرمان

پرسش

- ۱- دو نمونه از غارهایی را که مورد سکونت قرار گرفته‌اند، نام ببرید.
- ۲- فرهنگ بردوسیان متعلق به کدام دوره است؟
- ۳- از قدیمی‌ترین اماکن مسکونی ایران یکی را نام ببرید.
- ۴- فضاهای معماری زاغه با توجه به معیشت و رفتار اجتماعی چگونه است؟
- ۵- درباره ساختمان منقوش تپه زاغه و کاربرد آن توضیح دهید.
- ۶- درباره ویژگی‌های معبد چغازنبیل بنویسید.
- ۷- درباره ویژگی‌های دخمه‌های سنگی مادها توضیح دهید.
- ۸- مهم‌ترین آثار هخامنشی شامل چه نوع معماری‌هایی است؟
- ۹- اشکانیان معماری بنای اصلی خود را از چه سنتی ایده گرفته‌اند؟
- ۱۰- مهم‌ترین آثار هنری و معماری پارتی را که نقطه اتصال شهرنشینی و استقرار فرهنگی بین فلات ایران و شرق و جنوب شرق بود نام برده و درباره آن توضیح دهید.

- ۱۱- شهر تاریخی بیشاپور چه نقشه‌ای دارد؟
- ۱۲- سقف تالار بزرگ کاخ بیشاپور چگونه ساخته شده است؟
- ۱۳- تحولات معماری از قرون ۵ و ۶ در کدام بنا بیشتر مشهود است؟
- ۱۴- در کدام بنا منارها در هشت گوشه آن، از فشارهای جانبی بنا می‌کاهد؟
- ۱۵- پل‌های دوره صفویه را نام ببرید.
- ۱۶- معماری قاجاریه در مقایسه با معماری صفویه چگونه است؟
- ۱۷- انواع بناهای دوره اسلامی را نام ببرید.
- ۱۸- از عناصر معماری و شهرسازی چهار نمونه را نام ببرید و یکی را توضیح دهید.

بحث کنید

- درباره علل افول معماری سنتی گفتگو کنید.
- درباره معماری معاصر گفتگو کنید و آن را با میراث معماری سنتی مقایسه کنید.

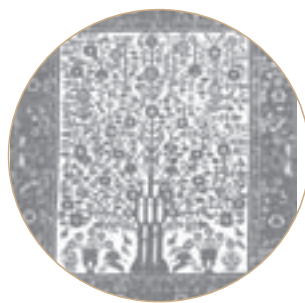
فصل سوم

باغ ایرانی





باغ ایرانی



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود:

- ۱- مفاهیم عارفانه باغ ایرانی را ذکر کند.
- ۲- مفهوم درخت مقدس را بیان کند.
- ۳- الگوی باغ ایرانی را توضیح دهد.
- ۴- رابطه شعر فارسی و باغ ایرانی را بداند.
- ۵- چند نمونه از باغ‌های ایرانی را نام ببرد.
- ۶- انواع باغ را از نظر عملکرد ذکر کند.

فرهنگ ایرانی در طول تاریخ به صورت‌های گوناگون تجلی یافته است. دریای بی‌پایان زبان و ادبیات فارسی و گستره پرمعنای هنر و معماری، همواره به بهترین و شکوهمندترین شکل فرهنگ پارسیان را به ظهور رسانده است. فرهنگی به قدمت هزاره‌ها، در جلوه‌هایی بی‌شمار از خلاقیت و شیوه زندگی بروز یافته است. به راستی فرهنگ ایرانی با همه پیچیدگی‌های پنهان و آشکار در کجا حقیقی‌ترین ظهور خویش را تجربه کرده است؟

شاید بتوان گفت، بهترین تجلی ذوق و تفکر ایرانی ایجاد باغ و پردیس (فردوس، بهشت) باشد که در تمامی جلوه‌های هنری نمود آشکاری دارد. با این حال برخی از مورخان به این نتیجه رسیده‌اند که در زمان‌های بسیار دور احتمالاً زنان اولین باغ‌ها را پدید آورده‌اند چرا که در آن روزگار، مردان گرایش به کوچ داشتند و در جستجوی شکارگاه‌های بکر بودند. زنان، مردان را تشویق می‌کردند تا شکار را کنار گذاشته و به کشاورزی و دامداری بپردازند و از این‌رو بتوانند مواد غذایی خود را به دست آورده و جایگاهی آرامش‌بخش و مفرح بیابند. از این‌رو باغ‌ها نمایی از بهشت در این جهان است که درختان همیشه سبز و بلندقامتی چون سرو در آن کاشته می‌شد.

پس همواره کشت گل و گیاه خیال‌انگیز است. زنان به‌خصوص در دوران بارداری عمیقاً نیاز به مستقر شدن و سکنی گرفتن در مکانی ثابت را حس می‌کردند. شاید اولین بار پس از انتخاب مکانی مناسب، شروع به کشت کردند و گیاهان و گل‌های وحشی را پرورش دادند تا بالاخره توانستند آنها را تکثیر کنند. احتمالاً انجام این فرایند در آغاز تأمین مواد غذایی و دارویی بوده ولی بعدها گرایش به زیبایی یا برخورداری شدن از عطر گیاهان یا توجه به گیاهانی خاص در باور و زندگی، آنها را به کشت گیاهان وا داشته باشد. پس این لحظه که نمی‌دانیم در چه زمانی رخ داده، همان لحظه تجربه زیباشناختی باغ است که در ضمن لحظه مشارکت آفرینش تجلی زیبایی و طبیعت است. هرچند باغ‌های ایرانی شهرت جهانی دارند. براساس منابع مکتوب منوچهر پادشاه پیشدادی اولین کسی بود که تخم گل‌ها و میوه‌ها را از کوهستان آورد و در باغ‌ها به کشت آنها اقدام کرد. با این حال براساس شواهد باستان‌شناسی نخستین الگوی چهار باغ در پاسارگاد یافت شده که از ابداعات دوره کوروش به‌شمار می‌رود.

مفهوم عارفانه باغ ایرانی

باغ ایرانی راهی است به درونی‌ترین لایه‌های اندیشه و خیال، تعبیری از معنای زندگی، غایت انسان، ازلیت و ابدیت، بهشت و زندگی و جلوه‌های زمینی از عالم ملکوت به روایت ایرانیان است. باغ ایرانی تداوم عشقی آکنده از شور و امید را به نمایش می‌گذارد. باغ ایرانی که میراث ارزشمند فرهنگ پارسیان است به نظام شکلی و هندسی و حکمت متعالی در طرح آن و درک عمیق باغ را فرآیندی از فهم است که «ریشه» در فرهنگ ایرانی اسلامی می‌دانند. همه مفاهیم بنیادی در ترکیب دیداری و ساختار فضایی، حرکت، ضرب آهنگ و ریتم، تقارن، پویایی، عطف و تعادل به زیباترین شکل خود در نظام فضایی باغ ایرانی تجلی یافته‌اند و دریچه‌ای به سوی تجسم ایرانی از بهشت موعود و عالم ماورا و گواه هنرورزی ایرانیان است که در آن آمیختگی هنر و خلاقیت و با حکمت و معرفت به نحوی آشکار تحقق یافته است.

درخت مقدس

باغ ایرانی با سکوت طبیعت، موسیقی سبز درختان و هم‌آوایی همه کائنات در درک حقیقت هستی شکل گرفته است. در همه ادیان به درخت‌های مقدس اشاره شده است همچون درخت طوبی در قرآن مجید، درخت جاودانگی در اوستا و درخت کیهانی که زمین و آسمان را به هم می‌دوزند. در آثار تاریخی به ویژه مهرهای یافت شده در شوش، نقوش درخت را پای تپه‌ای نشان می‌دهد. درخت آن‌چنان مقدس است که در باورهای کهن ایران و میان رودان مجازات بریدن آن را مرگ می‌دانستند (تصویر ۱).

در اساطیر ایران پیش از اسلام نیز سرو مقدس‌ترین درخت است. نقل کرده‌اند که زردشت با دستان خود دو سرو سه هزار ساله موجود در کاشمر را کاشته است. همچنین پادشاهان هخامنشی



تصویر ۱ - پیرسبز (چک چک) - نیایشگاه جهانی زرتشتیان

به کاشتن سرو با دستان خود می‌بالیدند. نزد عرفان اسلامی نیز درخت چنار بسیار مقدس است و برگ آن را با دست انسان و پنج تن مقایسه می‌کنند و اساساً رنگ سبز، رنگ رویش گیاهان و باز زایش طبیعت نزد مسلمانان و به ویژه پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) رنگی مقدس است.

بنابراین باغ ایرانی، بازتاب و یا فرافکنی صورت بهشتی باغی است که در ناخودآگاه قومی و خاطره‌های ازلی او همیشه وجود داشته است و به نظر آرتور پوپ هنرشناس ایرانی «در گوشه ذهن هر ایرانی، باغی وجود دارد.» (تصویر ۲ و ۳).

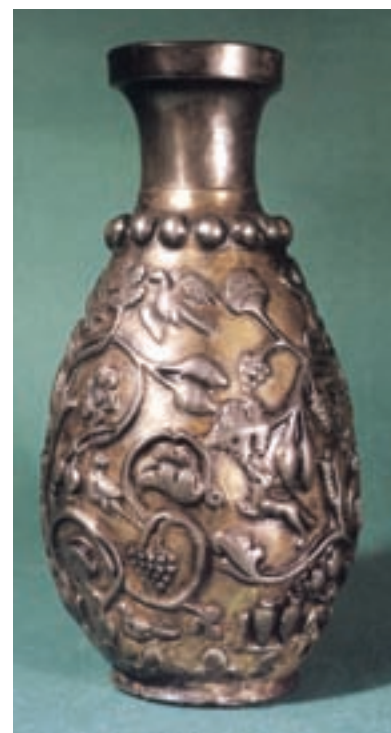
الگوی باغ ایرانی

رابطه عارفانه ایرانیان با آب، درخت و گل به آسانی نشان می‌دهد که باغ ایرانی محیطی مقدس است چرا که مراد و رابطه‌ای بین باغ مثالی و باغ زمینی است. از این رو کهن الگوی باغ ایرانی همواره سرچشمه همه هنرهای گذشته ایران بوده است. پس سؤال اینجاست که آیا این الگو در زمان معاصر می‌تواند سایر هنرها را نیز بارور سازد؟

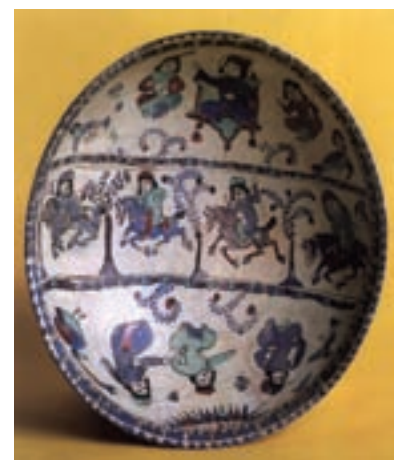
شکل بنیادین معماری ایرانی همواره تقسیم فضا به چهار قسمت است که همان الگوی ازلی جهان چهارگوشه است که همه جنبه‌های هنر ایرانی را در خود جای داده است و این ساختار را می‌توان رکن اساسی همه باغ‌های مشهور ایرانی دانست.

شاخص‌های معماری و باغ ایرانی، چهار طاق، چهار باغ، دو جلوه از یک الگوی مشخص هستند که نقش بسیار مهمی نیز این ویژگی‌های تقسیم‌بندی معماری و باغ در شکل‌گیری شهر و شهرسازی دارند. در فرهنگ باستان ایران باغ‌های باشکوهی ساخته می‌شد و این روند تا دوران صفویه نیز به انجام می‌رسد و چندین الگوی باغ - شهر پدید آمد که ابتدا باغ‌ها و سپس عمارت‌ها و ساختمان‌هایی در آن ساخته می‌شدند. باغ‌ها موجودات زنده‌ای هستند که به ما ارث رسیده‌اند و هرچند که جای تأسف دارد که به این میراث گرانبها گاهی توجه نداریم. باغ مهم‌ترین تولید ذهن ایرانی است و جهان شمول بودن آن حداقل قدمتی حدود ۲۵ قرن دارد.

اغلب باغ در اقلیم گرمسیری و کویری معنادار می‌شود. به این جهت ایرانیان همواره باغ‌ها را در دشت یا دامنه تپه یا در اطراف آبگیر می‌ساختند این باغ‌ها با حصار دیواری پیرامون آن به چهار بخش تقسیم می‌شدند که به وسیله جوی آب و آب روهای مزین به آبشده‌ها و تلاقی با عمارت‌ها شکل می‌گرفتند. از این رو درختان، گیاهان و گل‌هایی که کاشته می‌شد نسبت به هر اقلیم متفاوت بود. در باغ برای دسترسی به فضای موردنظر باید از فضاهای دیگر عبور کنیم که از این الگو به مفهوم تداوم و سلسله مراتب دسترسی یاد می‌کنند. در طراحی باغ ایرانی سر در ورودی و آب‌نمایی در بیرون باغ به عنوان جلوخان وجود دارد و با گذر از هشتی و محور اصلی (مسیر چهارباغ) به بنای باغ می‌رسند (تصویر ۴).



تصویر ۲ - تنگ سیمین با نقش تاکستان - قالب‌گیری و چکش‌کاری - موزه رضاعباسی تهران



تصویر ۳ - کاسه مینایی پایه‌دار با نقش حاکم در باغ - دوره سلجوقی - موزه رضا عباسی تهران

۱- عدد چهار مقدس است و به چهار عنصر، چهار فصل، چهار دوره عمر آدمی و ... برمی‌گردد.

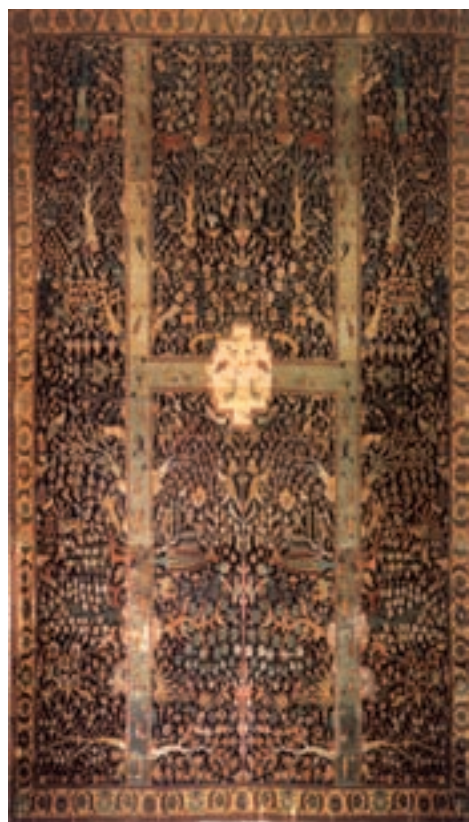


تصویر ۴- باغ شاهزاده - ماهان - کرمان

رابطه هنر و باغ ایرانی

بی‌گمان نیکوترین جلوه‌های صورت و معنا برآمده از باورهای ایرانیان، باغ ایرانی است. فرازی از تاریخ آفرینش پارسی که لطیف‌ترین شعر طبیعت و عشق به زندگی را در یرتو استعاره‌های عرفانی ایرانی و اسلامی به بارزترین شکل پدیدار ساخته است. در باغ ایرانی، شور و لطافت شعر فارسی که جلوه‌ای از شکوه معماری ایران است، همواره با تبسمی امیدبخش به طبیعت و زندگی و دل‌بستگی اندیشمندان به عالم معنا به هم آوایی می‌رسند. بدون شک شعر فارسی و باغ ایرانی نیز با هم انس و الفتی دیرینه دارند. همه شاعران بزرگ پارسی از فردوسی تا سعدی، حافظ و مولوی همه و همه در وصف باغ و گل و گیاه شعر سروده‌اند و موضوع باغ در آثار آنان گاهی توصیفی زمینی و گاه جلوه‌ای از باغ ملکوت و بهشت است که جلوه‌های تمثیلی بسیاری دارند و حتی برخی مراتب سیر و سلوک عرفانی خود را در تجلی باغ جستجو کرده و بدان تشبیه کرده‌اند. از این‌رو همان تصویر بهشت که در باغ شکل گرفته در شعر پارسی نیز سروده شده است.

در آثار هنری دیگری مانند نگارگری جلوه‌هایی از باغ دیده می‌شود. نگارگری ایران نقشی از جهان غیرمادی را در باغی پر از گل به نمایش می‌گذارد (تصویر نگارگری). جلوه‌ای دیگر از باغ نیز در فرش ایرانی متجلی شده است. یکی از نخستین باغ‌فرش‌ها به دستور خسرو پرویز از ابریشم، طلا و نقره بافته شده و با سنگ‌های قیمتی تزیین یافته است که در تالار بزرگ طاق کسری پهن کرده بودند تا در طول زمستان وی را از دلتنگی باغ خود که بدان علاقه بسیار داشته به‌در آورد. این فرش همان فرش بهارستان است که آوازه بسیاری در ادب پارسی نیز دارد. همه فرش‌هایی



تصویر ۵- باغ فرش ایرانی معروف به فرش واگنر - نقش باغ بهشت و نهرکشی آن - موزه رضا عباسی تهران



تصویر ۷- باغ فرش - نقش درخت هستی

تصویر ۶- باغ فرش - نقش چهار باغ - اوایل قرن هجدهم

که با موضوع باغ کار شده‌اند در واقع نگاهی از آسمان به باغ هستند (تصویر ۵ و ۶ و ۷). که با مجموعه گل و گیاهان طبیعی و نقش‌پردازی شده‌ای شکل گرفته‌اند تا جایی که گاهی به صورت اشکال انتزاعی درآمده‌اند و در آن تمامی عناصر طبیعت با نقوش هندسی طراحی شده‌اند. شاید بتوان گفت که واژه فرش استعاره‌ای از عرش باشد و ارتباط آنها را با یکدیگر بیان می‌کند.

همچنین در معماری ایران نیز همواره فضاهای خالی، منظم و دقیق‌تر از فضای پر است. گنبدهایی که از داخل با طرح‌های کاربندی شده بسیار زیبایی آراسته شده‌اند و حفره‌ای در مرکز که نور داخلی را تأمین می‌کند با نهایت ظرافت و دقت به جزئیات پرداخته شده و از بیرون با سطح کاهگلی گاه به شکلی نامنظم پوشانده شده است.

این اختلاف بیرون از درون به بینش فرهنگی دوگانه انگاری میان ظاهر و باطن، جهان دنیوی و اخروی باز می‌گردد که ریشه کهن در باور ایرانی دارد. در تفکر و بینش اسلامی نیز منظره درونی اهمیت خاصی دارد و تجلی بسیار زیبای رابطه باغ و معماری با نقش آینه و انعکاس جهان پیرامون همواره مورد توجه بوده است. پیشرفت ایرانیان در زمینه ساخت آب‌نما و فواره همیشه جهان‌گردان



تصویر ۹ — آب‌نمای کاخ چهل‌ستون — اصفهان — دوره صفوی



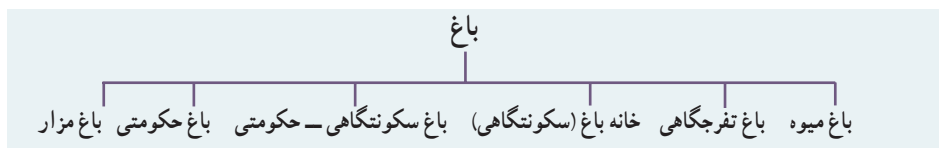
تصویر ۸ — آب‌نمای باغ هشت بهشت — اصفهان — دوره صفوی

را به شگفتی واداشته است. در باغ، آب نمایی عظیم یا حوضی توانسته عالم مثالی و جهان مادی را به هم متصل کند (تصویر ۹ و ۸). در فضای داخلی معماری نیز آینه کاری‌های ظریف و تکه‌تکه، بازتاب نگرش‌های تکوین جهان هستی ایرانی است و برداشتی هزار تکه و مبهم از عالم مثال است.

نمونه‌هایی از باغ ایرانی

نمونه اعلا و آرمان ذوقی سنت‌های شگرف هنر باغ‌سازی سرزمین‌های اسلامی همواره باغ‌های فاخر و شاهانه ایران باستان دانسته‌اند. باغ در مقام برخورد میان انسان و اندیشه‌ها و به عنوان میعادگاه زمین و آسمان و نقطه تلاقی عملکرد و تفکر و بهترین مکان تجربه شاعرانه و عاشقانه و همچنین عالی‌ترین جلوه‌گاه رسم و آیین جامعه و حتی بهترین جای تجربه عرفانی است.

در فرهنگ و تاریخ اسلامی الگوهای بسیاری از باغ‌سازی در همه سرزمین‌های اسلامی پدید آمد که همگی آنها با ساختاری چهارباغی ساخته شده‌اند که یادآور پیشینه بسیار غنی و کهن ایرانی است. هرچند که این باغ‌ها به فراخور شرایط آب و هوایی و امکانات مبدل به سبک‌ها و شیوه‌های گوناگون باغ‌سازی شده است. باغ‌ها عملکردهای مختلفی دارند که در این دسته‌بندی ارائه می‌شود :



در اینجا برای بهتر شناختن این میراث کهن که با روح و فرهنگ ایرانی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد، لازم است که نمونه‌های عینی آن آورده شود و باغ‌های ایرانی را به اجمال بشناسیم.

باغ ارم یکی از زیباترین، مشهورترین و با سابقه‌ترین باغ‌های تاریخی ایران در شیراز است که وصف آن در اشعار حافظ و سعدی نیز آمده است. باغ ارم، باغ جهان‌نما، باغ دلگشا، و باغ تخت از باغ‌های چهارگانه شیراز است. بوی عطر نارنج باغ دل‌گشا مشهور است. باغ نارنجستان قوام و باغ

نظر (نوعی باغ حکومتی) از دیگر باغ‌های شیراز است. شهر شیراز به واسطه باغ ارم و دیگر باغ‌های آن صاحب شهرت و مقامی خاص در باغ‌سازی ایرانی است. چهار باغ، باغ چهل ستون و باغ هشت بهشت (معروف به بلبل) از باغ‌های دوران صفوی در اصفهان به شمار می‌رود. باغ ایل‌گلی در تبریز از نمونه‌های زیبایی است. بنای آن در میان آبگیری بزرگ قرار دارد که به کمک پل قابل دسترسی است. باغ‌های دیگری چون باغ فین کاشان، باغ شاهزاده (شازده) در ماهان کرمان، باغ دولت‌آباد یزد، باغ گلشن طبس و ... را می‌توان نام برد (تصویر ۹، ۱۰ و ۱۱).

امروزه، به فراخور درک و بینش‌های جدید شاهد ظهور برداشتی دیگر از باغ به عنوان اثری مستقل هستیم که در شکل دادن به محیط طبیعی، سهمی تعیین کننده دارد. از این رو به باغ‌ها دیگر به عنوان ادامه یا زیر مجموعه معماری نمی‌نگرند بلکه آن را اثری مستقل دانسته و بررسی می‌کنند و باغ را نه بر حسب شکل ظاهری و سازگارشان با تصویرهای نمادین بلکه از آنجا که پاسخگوی نیازهای عمومی در دوره‌های معینی بوده‌اند تفسیر می‌کنند. به عبارتی باغ را ساختاری مشخص می‌دانند که نحوه تقسیم زمین و آب، مرزبندی‌های دقیق مکان‌های تجمع و رابطه‌ای عمیق بین ساختار و عوامل طبیعی با در نظر گرفتن شیوه آبرسانی، لطافت و تعادل میان آب و هوا و دیگر موارد را در رابطه با باغ مورد توجه قرار می‌گیرد.



تصویر ۱۱ — باغ دولت‌آباد



تصویر ۱۰ — باغ ارم شیراز — دوره سلجوقی — مرمت دوره صفوی



تصویر ۱۳ — باغ ایل‌گلی تبریز



تصویر ۱۲ — باغ مزار — حافظیه شیراز

پرسش

- ۱- مفهوم عارفانه باغ ایرانی را به طور خلاصه بنویسید.
- ۲- درباره درخت مقدس ایرانیان توضیح دهید.
- ۳- رابطه شعر فارسی و باغ ایرانی چیست؟ توضیح دهید.
- ۴- چهار طاق و چهار باغ چه معنایی دارد؟
- ۵- سه نمونه از باغ‌های شیراز را نام ببرید.

گفتگو کنید

تصویری از نگارگری تهیه کنید که در آن باغ اهمیت داشته باشد، درباره آن گفتگو کنید.

فصل چهارم

موسیقی ایرانی





موسیقی ایرانی



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود :

- ۱- موسیقی را تعریف کند.
- ۲- ماهیت موسیقی ایران را شرح دهد.
- ۳- تقسیم‌بندی تاریخ موسیقی ایران را ذکر کند.
- ۴- موسیقی پیش از اسلام را شرح دهد.
- ۵- تغییرات موسیقی پس از اسلام را شرح دهد.
- ۶- چگونگی و علت تبدیل موسیقی مقامی به نظام دستگاهی را شرح دهد.
- ۷- موسیقی دستگاهی و قطعات آن را شرح دهد.
- ۸- هفت دستگاه و پنج آواز موسیقی ایران را نام ببرد.
- ۹- انواع موسیقی در ایران امروز را بیان کند.
- ۱۰- تقسیم‌بندی کلی سازهای ایرانی را ذکر کند.
- ۱۱- انواع سازهای موسیقی ایران را بشناسد.
- ۱۲- موسیقی‌دانان برگزیده ایران را بشناسد.

موسیقی چیست؟

موسیقی هنری است که با استفاده از گزینش اصوات ویژه و ترکیب کردن آنها با یکدیگر با استفاده از اصول و قوانین خود، بیان مقصود می‌کند. به همان صورت که در شعر و ادبیات، واژه‌ها

نقش اصلی را دارند و در نقاشی، خطوط و رنگ و در معماری حجم، در موسیقی نیز اصوات هستند که نقش بیان کننده را عهده دار هستند. ابونصر فارابی در احصاء العلوم می نویسد: «موسیقی علم شناسایی الحان است، و شامل دو علم است: علم موسیقی عملی و علم موسیقی نظری».

امروز نیز موسیقی دو شاخه دارد، موسیقی نظری که اصول علمی و ریاضی موسیقی را شامل می شود و در حقیقت از شاخه های فیزیک صوت محسوب می شود. دیگر موسیقی عملی که فنی یا هنری به حساب می آید.

منابع تولید اصوات موسیقی، سازهای موسیقی و نیز حنجره انسانی است. در حنجره انسان صدای موسیقایی با کلام نیز توأم می شود.

هنر موسیقی برحسب شرایط فرهنگی زادگاه خود، انواع و اقسام بسیار دارد و هر قوم و ملتی، موسیقی ویژه خود را داراست. موسیقی در حقیقت بیان اندیشه در قالب اصوات است.

ماهیت موسیقی ایرانی

هنر موسیقی در مشرق زمین بیشتر ماهیتی آیینی داشته و برای دعا و نیایش و نزدیک شدن به خداوند به کار می رفته است. از این رو نه به معنای تفنن و تفریح که راه تأمل بوده و هست و این به جز از راه تزکیه نمی توانست به دست آید.

موسیقی ایران از دیر باز گونه ای تأمل، اندیشه و عشق بود. و کسی که بویی از امور معنوی نبرده و رمز و رازهای پنهان در ژرفای موسیقی ایران را نفهمیده باشد نمی تواند از سطوح ظاهری موسیقی ایران عبور کرده و به باطن آن برسد و در عالم موسیقی ایران «نامحرم» محسوب می شود.

«مدعی» خواست که آید به تماشاگاه راز دست غیب آمد و بر سینه «نامحرم» زد
موسیقی ایرانی در نهایت کمال خود به وجهی از عرفان می رسد. در موسیقی مراسم «گاتاخوانی»^۱ زردشتیان و موسیقی مراسم خانقاه و سماع درویشان تا موسیقی تعزیه و لحن های متنوعی که در اذان و مناجات استفاده می شود مانند اذان مرحوم «مؤذن زاده اردبیلی» که با لحن و آهنگی خاص در گوشه روح الارواح آواز بیات ترک اثری جاودانه به جای گذاشت و نیز دعا و مناجات «محمد رضا شجریان» در مثنوی افشار و بخش عظیمی از موسیقی های نواحی ایران همه مثال هایی برای ارتباط مستقیم روح دینی در موسیقی های اصیل اقوام مختلف ایرانی است.

روند تاریخی موسیقی ایرانی

تاریخ موسیقی ایران را به طور کلی می توان به دو دوره قبل و بعد از اسلام تقسیم کرد. الف) موسیقی پیش از اسلام: این دوره خود به چند دوره تاریخی از قبیل ایلامی ها، مادها، پارس ها، پارت ها (اشکانیان) و ساسانیان قابل تقسیم است.

۱- دوره ایلامیان: این دوره که تا حدود سده هشتم قبل از میلاد را شامل می شود، وجود آثار بسیار همچون حجاری ها و مجسمه ها، دلالت بر رواج موسیقی در این دوره دارد. از جمله این اسناد

۱- گاتا از سروده های زردشت و بخش اصلی کتاب اوستاست

می‌توان از مهر چغامیش متعلق به ۳۵۰۰ ق.م نام برد که تصویر یک چنگ نواز، نوازندهٔ طبل، یک نوازندهٔ بوق یا سازی بادی و نیز یک خواننده در آن دیده می‌شود (تصویر ۱). بدیهی است که وجود این سازها دلالت بر شناخت این سازها دارد و همچنین نشان می‌دهد که نغمه و وزن وجود داشته است و اگر بپذیریم که چنین شناختی، آسان به دست نیامده است، باید این مطلب را نیز بپذیریم که پیشینه‌های کهن‌تر از ۳۵۰۰ ق.م در پس این آثار و این دوره نهفته است.



تصویر ۱- طرحی از مهر چغامیش - ۳۵۰۰ ق.م

۲- دورهٔ مادها: مادها مردانی آریایی‌نژاد بودند که در اواخر سده هشتم یا اوایل سده هفتم ق.م دولت خود را تأسیس کردند. آنچه از این دوره در دست است، به اندازه‌ای نیست که بتوان تاریخ موسیقی این روزگار را به خوبی نشان داد. اما از شواهد دیگر تا حدی می‌توان به آنچه در این دوره رواج داشته است، پی برد. یکی از مهم‌ترین وقایعی که تاریخ‌نگاران، با احتمال بسیار به این دوره مربوط می‌دانند، ظهور زردشت پیامبر است. و از آنجایی که مهم‌ترین دستورهای دینی زردشت «گات‌ها» است و تنها بخشی از اوستاست که باید به آواز خواند. از این‌رو بیانگر آن است که موسیقی از جایگاهی ویژه برخوردار بوده است. همچنین بعدها تفسیر و ترجمهٔ پهلوی اوستا را نیز با آهنگ و آواز خوش می‌خوانده‌اند. در روزگار ما نیز، همچنان اوستا را به گونه‌ای آهنگین و نیایش‌وار می‌خوانند و این سنت نزد مهاجران ایرانی مقیم هند و نیز زردشتیان مقیم ایران همچنان پابرجاست. بدین‌سان می‌توان دریافت که موسیقی مبتنی بر گات‌های زردشت، یا به تعبیر دیگر، موسیقی «گاتانی»، در دورهٔ مادها رواج داشته و تا به امروز به حیات خود ادامه داده است، و می‌توان گفت که سرچشمهٔ اصلی موسیقی ایران، موسیقی مذهبی و نیایشی بوده است.

۳- دورهٔ هخامنشیان: این دوره از ۵۵۰ تا ۳۳۰ ق.م را شامل می‌شود. در دوره هخامنشیان نیز موسیقی مذهبی مردم تداوم یافت. از سویی دیگر، موسیقی رزم و موسیقی بزم همچنان رواج داشته است. از آثار این دوره، می‌توان به گُرُنای فلزی و طویل اشاره کرد که اکنون در موزه تخت جمشید فارس نگهداری می‌شود.

۴- دورهٔ پارتیان یا اشکانیان: در این دوره موسیقی و شعر به هم نزدیک شده چنان که کسی نمی‌توانست بدون اینکه با موسیقی آشنا باشد و یا در نواختن یکی از سازها مهارت داشته باشد شاعر



تصویر ۲- زنان چنگ‌نواز - نقش برجسته دوره ساسانی

باشد. همچنین اسناد و آثار موجود، رواج موسیقی را در دوره اشکانیان تأیید می‌کند، یکی از آثار به دست آمده این دوره در حفاری‌های باستان‌شناسی، ساتگین یا جام فلزی است، این اثر ظاهراً به سده دوم میلادی تعلق دارد و در آن دو ساز «دونای» و «چنگ» دیده می‌شود.

۵- دوره ساسانیان: موسیقی در دوره ساسانیان به حد کمال و رشد خود رسید. بیشتر پژوهشگران تاریخ موسیقی ایران درباره موسیقی این دوره، تنها به ذکر موسیقی دربار ساسانی و از آن میان هم تنها به ذکر باربد و نکیسا بسنده کرده‌اند. البته این موضوع خود دارای اهمیت است، اما باید دانست که موسیقی پایتخت ساسانی، تنها موسیقی رایج این عهد نبوده و نمی‌توانسته باشد. زیرا وسعت و گستردگی سرزمین ایران، خود موجب آن بوده است که مردم دیگر مناطق، از موسیقی دیگری بهره‌مند بوده باشند. با این حال در زمان خسرو پرویز هریک از هنرمندان موسیقی در ساختن آهنگ و پیشرفت موسیقی ایران زمین نقش مهمی را انجام دادند. از جمله آنان باربد است که اختراع دستگاه‌های موسیقی ایرانی را به وی نسبت داده‌اند. (تصویر ۲، ۳، ۴).



تصویر ۴- زنان رامشگر - نقش برجسته دوره ساسانی



تصویر ۳- زنان در حال نواختن ساز - نقش برجسته دوره ساسانی

موسیقی پس از اسلام

پس از ظهور اسلام براساس اندیشه و تفکر نو تمام پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی دستخوش تغییر و تحول گردید. از این‌رو موسیقی هم که در اشکال متفاوتی وجود داشت دچار تغییر شد. آوازهای ملی، رجزخوانی و ... مورد تأیید قرار گرفت در صورتی که موسیقی بزمی، اشرافی مردود شناخته شد. سپس پیامد این اندیشه دینی نوین، هنر موسیقی در بخش علم ریاضی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت و بخش نظری و عملی آن گسترش یافت و سازها نیز تکامل یافتند. تألیف کتاب درباره موسیقی و ضبط قواعد علمی آن و جمع‌آوری آوازاها و طبقه‌بندی نغمه‌ها و شرح احوال نوازندگان و موسیقی‌دانان از اواسط قرن دوم هجری آغاز شد. این‌گونه کتاب‌ها را «الاغانی» یعنی نغمه‌ها می‌خواندند. ظاهراً نخستین کتاب با این عنوان به وسیله استادی ایرانی به نام یونس بن کربن شهریار (متوفی به سال ۱۳۵هـ)

به رشته تحریر درآمد. در اواسط قرن چهارم هجری علوم، آداب، تمدن و فرهنگ اسلامی به اوج کمال رسیده بود. و شعر و موسیقی و سایر هنرهای دیگر همگام با شوکت و شکوه اسلامی در پرتو مشارکت و معماری همه مسلمانان در بیشتر مناطق آسیا، آفریقا و اندلس (اسپانیا) رواج یافت. در این دوره با تأسیس مراکز علمی و آموزش پایه و اساس موسیقی علمی نیز گذاشته شد.

در این دوران موسیقی ایران به اطراف دنیای اسلام، سرزمین‌های عربی و بین‌النهرین (میان‌رودان) پراکنده شد و اساس بیشتر موسیقی‌های مشرق زمین به غیر از هندوستان شد. فواصل و گام‌های موسیقی ایران در تمام موسیقی‌های مشرق زمین شنیده می‌شد.

موسیقی ایران در قرن‌های چهارم تا هشتم هجری به اوج کمال علمی و عملی رسید و تأثیر این پیشرفت در آثار نگارگری نیز قابل مشاهده است (تصویر ۵ و ۶).

دانشمندانی بسیار کتاب‌های با ارزش در زمینه موسیقی نوشته‌اند که اکنون پایه علم نظری موسیقی ایران محسوب می‌شود. ابن سینا و فارابی از نخستین دانشمندانی بودند که در زمانی نزدیک به هزار سال قبل برای موسیقی، رساله‌ای علمی نوشتند. از کتاب‌های با ارزش می‌توان به «موسیقی کبیر» فارابی و کتاب «قابوس‌نامه» اشاره کرد که عنصرالمعالی کیکاوس بن وشمگیرین زیاد نوشته و در آن بیشتر به مسائل اخلاقی نوازندگی و موسیقی پرداخته است. شاخه علمی و نظری موسیقی از اوایل دوره صفویه، ضعیف و کم کار شد و تا همین سال‌ها ادامه داشت. ولی شاخه اجرایی آن حفظ گردید. به خصوص اینکه در بناهایی مانند عالی‌قاپو برای ارائه موسیقی به نحوی خاص تنگ‌بری‌هایی زیبا صورت گرفت. در دوره صفویه تا قاجاریه نوازندگان بزرگی ظهور کردند که موسیقی ایران را زنده نگه داشتند (تصویر ۷).



تصویر ۵- نگارگری نوازندگان در حال نواختن



تصویر ۷- اتاق موسیقی با تنگ‌بری - کاخ عالی‌قاپو - اصفهان - دوره صفوی



تصویر ۶- مجلس بزم و موسیقی در نگارگری - پنج گنج خمسه نظامی

موسیقی مقامی (محلی) و موسیقی دستگاهی (ردیفی)

در طی قرن‌های مختلف موسیقی ایران دچار تغییرات زیادی شده، اما چهارچوب اصلی خود را حفظ کرده است و تنها تغییر عمده‌ای که در موسیقی به وجود آمد تغییر نظام دسته‌بندی آن از مقامی به دستگاهی بود. تاریخ دقیق این رویداد مهم به درستی روشن نیست.^۱ اما آنچه که در آن نمی‌توان تردید کرد، ارتباط عمیق موسیقی دستگاهی با موسیقی مقامی است و بر این اساس، شاید بتوان گفت که موسیقی دستگاهی تدوین جدیدی از موسیقی مقامی است و در این تدوین، همهٔ محورهای فرهنگی از قبیل صوت، فواصل، وزن، گردش نغمات و تزیین به خوبی محفوظ مانده‌اند.

موسیقی ایران از تعداد بسیاری مقام کوچک و بزرگ تشکیل شده است. حفظ و آموزش این مقام‌ها همیشه سینه به سینه و شفاهی از طریق تعلیم حضوری استاد به شاگرد بود و این به دلیل وجود ظرافت‌های موجود در آن است که تنها از این طریق حفظ می‌شد. در اواخر دوره زندیه و اوایل دوره قاجار دانشمندان موسیقی‌شناس که نامشان پوشیده مانده تصمیم گرفتند که این مقام‌ها را در نظام زنجیره‌های منطقی و منظمی قرار دهند تا حفظ و انتقال آنها برای نسل‌های بعد امکان داشته باشد. در این دوران موسیقی بنا به پرده‌های سازنده‌اش به تعدادی دستگاه و آواز تقسیم شد که هر دستگاه و آواز مربوط به آن دربردارندهٔ تعدادی گوشه است. گوشه‌ها جایگزین مقام‌های قبلی هستند. موسیقی دستگاهی به عنوان موسیقی رسمی مردم ایران در مراکز شهری اصفهان، اراک، شیراز، تهران و تبریز پذیرفته شد و موسیقی بومی مناطق مختلف ایران با همان سیستم مقامی حفظ شدند. و همین امر باعث به وجود آمدن مدارس مختلف موسیقی شد.

نخستین مدارس موسیقی به سبک اروپایی در زمان ناصرالدین شاه توسط مسیولومرفرانسوی بنیانگذاری شد و حدود پنجاه سال پس از او کلنل علینقی وزیر اولین مدرسه موسیقی سبک ایرانی را تأسیس کرد. این هنرستان تا دوره پهلوی به سبک اروپایی فعالیت داشت پس از آن به کوشش کلنل وزیری دوباره تدریس موسیقی ایرانی به شیوه دستگاهی در این هنرستان معمول شد و ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۳۲۸ روح‌الله خالقی هنرستان موسیقی ملی را برای احیای موسیقی ایران پایه‌گذاری کرد.

موسیقی ردیف دستگاهی

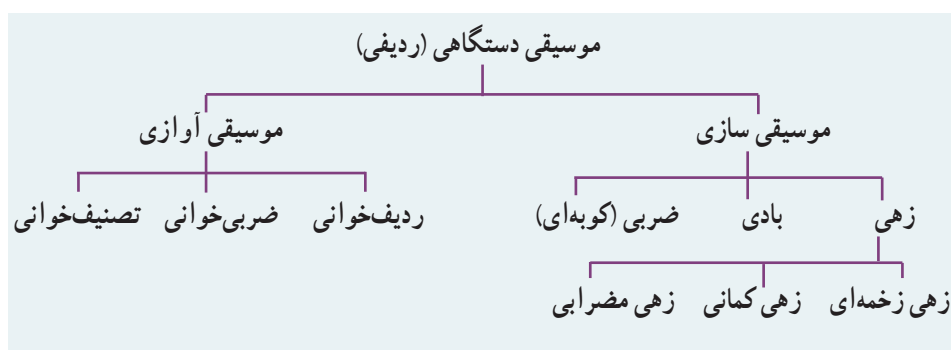
موسیقی ردیف دارای قطعات متعددی است که ترتیب و روند آنها در یک دستگاه یا آواز نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. این قطعات انواع متعددی را شامل هستند و به نام‌های پیش درآمد، درآمد، چهار مضراب، گوشه، ضربی، تصنیف و رنگ خوانده می‌شوند. در واقع در یک دستگاه یا آواز تعدادی گوشه با حالت‌های گوناگون با ترتیب و ربطی منطقی به دنبال یکدیگر واقع

۱- براساس باره‌ای پژوهش‌ها می‌توان این اتفاق را در فاصله قرن دوازدهم تا چهاردهم ه‍.ق دانست. یعنی تاریخ بحورالالحن

اثر فرصت شیرازی، نخستین کتابی که از موسیقی دستگاهی سخن به میان آورد.

می‌شوند و همین ترتیب و تسلسل گوشه‌هاست که مفهوم «ردیف» را در موسیقی سنتی ایران روشن می‌کند.

از سویی، موسیقی ردیف دستگاهی، مجموعه‌ای از آهنگ‌ها و نقش‌مایه‌های اصیل موسیقی ایرانی، از دوران کهن تا امروز است و آنچه در این راه ذوق و ابتکار را در آن نشان می‌دهد، اعجاز و اختصار در آوردن همین آهنگ‌هاست که به عنوان «گوشه» از آن نام برده می‌شود. البته گاهی برخی از گوشه‌ها نیز خود به تنهایی مجموعه کوچکی از این گنجینه عظیم موسیقی ایرانی هستند. هفت دستگاه مشهور موسیقی ایرانی عبارت‌اند از: دستگاه شور، سه‌گاه، چهارگاه، ماهور، همایون، راست پنجگاه و نوا. پنج آواز مشتق شده از دستگاه‌های فوق شامل: آواز ابوعطا، دشتی، افشاری، بیات‌زند (ترک) و بیات اصفهان است.



موسیقی آوازی

موسیقی آوازی به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱- ردیف خوانی: ردیف‌های آوازی ردیف‌هایی هستند که در آنها جمله‌بندی‌های شعری، حاکم است. مقصود از آواز این است که اشعار با صوت انسان خوانده شود یا جملات آن به تنهایی روی سازی نواخته گردد.

۲- ضربی خوانی: اجرای قطعات موزون با استفاده از اشعار شاعران در وزن‌های مختلف را ضربی نوازی و ضربی خوانی می‌گویند. اجرای درست ضربی‌ها به درک وزن، شناخت شعر، مهارت در اجرا و استعداد خلاق در بداهه‌سرایی بستگی دارد.

۳- تصنیف خوانی: قطعه‌های موزون و آهنگین است که همراه اشعار مناسب و با صدای خوانندگان اجرا می‌شود. تصنیف در تاریخ موسیقی ایران دارای سابقه‌ای بسیار قدیمی است و شکل معاصر آن از اواخر دوره قاجار به وجود آمد و تا سی سال قبل تکامل یافته است. در تصنیف از اشعار مناسبی استفاده می‌شود که از حیث ضرب و وزن یکسان و اشعار آن از حیث محتوا با حالت نغمه‌ها هماهنگ باشد.

انواع موسیقی در ایران امروز

در دوره معاصر موسیقی نیز مانند سایر شاخه‌های هنر، تحت تأثیر نیازهای جدید دچار تغییر و تحولاتی شد. انواع موسیقی در ایران امروز بدین ترتیب است:

۱- موسیقی ردیف دستگاهی:

(الف) با شیوه اجرای قدما (تکنوازی یا تکخوانی بر پایه بدیهه‌سرایی)

(ب) با شیوه‌های جدید اجرا (در چهارچوب ردیف یا خارج از ردیف)

۲- موسیقی‌های محلی و نواحی (مقامی)

(الف) با حفظ سازها و شیوه اجرای اصلی

(ب) با استفاده از سازهای دیگر و ترکیب با شیوه اجرای موسیقی شهری

(ج) موسیقی و رقص‌های محلی آیینی

۳- موسیقی‌های برنامه‌ای

(الف) موسیقی خانقاه (دراویش)

(ب) موسیقی زورخانه

(ج) موسیقی مذهبی و ذکر: روضه، نوحه، تعزیه، مولودی و چاووشی خوانی.

(د) موسیقی حماسی

(هـ) موسیقی نمایش و فیلم

(و) سرود

(ز) موسیقی جشن و مجالس

۴- موسیقی روز (پاپ)^۱

(الف) با استفاده از نغمه‌های ردیف و نغمات موسیقی قدیمی و مقامی

(ب) با استفاده از نغمه‌های ردیف و مقامی و موسیقی‌های اروپایی، ترکی، عربی و ... همراه با

سازهای ردیفی، مقامی، اروپایی و ...

۵- موسیقی‌های گروهی (ارکسترال)^۲

(الف) اجرا با گروه سازهای ردیفی (ستنی) و ملی

(ب) اجرا با گروه سازهای مقامی (محلی)

(ج) اجرا با گروه سازهای مختلط

(هـ) ارکستر جاز یا پاپ

شرح خصوصیات هر یک از موسیقی‌های یاد شده و اختلاف آنها با یکدیگر موضوع اصلی موسیقی‌شناسی است. شناخت خصوصیات جامعه‌شناسی و تحولات تاریخ و درک هر کدام از این انواع، نقش مؤثری دارد.

۱- لفظ POP در اصل از لغت Popular به معنای مردمی و گاه مردم‌پسند می‌آید.

۲- Orchestral

سازهای موسیقی ایران

سازها میراث دیگری از توانمندی استادان چیره‌دستی هستند که با تلاش خود در شکل‌گیری و تکامل انواع صداها، نغمه‌ها و ... همت گماشته‌اند و امروزه به عنوان هنری ماندگار برجای مانده است.

سازها یا آلات موسیقی به طور کلی به سه طبقه تقسیم می‌شود :

۱- سازهای زهی

۲- سازهای بادی

۳- سازهای ضربی

سازهای زهی: این سازها به سه نوع تقسیم می‌شوند :

الف) سازهای زهی - زخمه‌ای: در این نوع از ساز یک یا دو کاسه تشدید صوت به دسته‌بلندی وصل شده و سیم‌ها از ابتدا تا انتهای ساز کشیده شده، تولید انواع صداها با تغییر جای انگشتان نوازنده روی دسته‌ساز و با نواختن مضراب یا ناخن روی سیم‌های کشیده شده بر کاسه انجام می‌گیرد. مانند : تار، سه‌تار، دوتار، تنبور، ...

ب) سازهای زهی - کمانی: در این سازها استخراج صدا از طریق چوب باریک و بلندی که موهایی بر آن بسته و کشیده شده باشد با نام کمان یا آرشه تولید می‌شود. مانند : کمانچه و قیچک.

ج) سازهای زهی - مضرابی: سازهایی هستند که در آنها تولید نت‌ها با کم و زیاد کردن طول سیم‌ها به کمک انگشتان انجام نمی‌گیرد. بلکه برای هر نت سیم مخصوصی در نظر گرفته و طبق همان صدا کوک می‌شود. مانند : سنتور، چنگ و قانون.

سازهای بادی: سازهایی هستند که در آنها تولید صدا از طریق هوای جاری در لوله‌های صوتی انجام می‌پذیرد. مانند : انواع نی، سُرنّا، کُرنا، نَفیر، شیبور، دوزله، نی‌آنبان، بالابان، دونه.

سازهای کوبه‌ای یا ضربی: در این سازها نت تولید نمی‌شود، بلکه این سازها وظیفه حفظ وزن قطعات موسیقی را به عهده دارند. مانند : انواع دهل، طبل، تنبک، دایره، دف، سنج، نقاره (تصویر ۸ و ۹)

ساز های موسیقی ایرانی (دستگاهی)



ساز های زهی



ساز های بادی



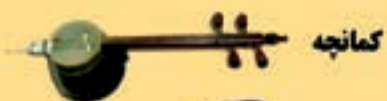
ساز های ضربی

تصویر ۸ - معرفی ساز های سنتی ایرانی

ساز های موسیقی نواحی (مقامی)



قیچک



کمانچه



تنبور



دیوان



دوتار

ساز های زهی



سرنا



نی انبان



بالابان

ساز های بادی



دف



سنج



دهل



نقاره

ساز های ضربی

موسیقی دانان برگزیده ایران

در این قسمت به معرفی چند تن از نامدارترین موسیقی دانان ایرانی در مکتب‌های مختلف و در حد آشنایی به عنوان میراث فرهنگی موسیقی ایران پرداخته می‌شود.

آقا علی اکبر فراهانی: آقا علی اکبرخان فراهانی (تصویر ۱۰)، بزرگ‌ترین و معروف‌ترین نوازنده تار و سه‌تار دوره قاجاریه و استاد تار بود. او با خانواده‌اش در زمان میرزاتقی خان امیرکبیر از فراهان اراک به تهران آمد. ردیف موسیقی امروز ایران روایت این استاد بزرگ است.

نایب‌اسدالله اصفهانی: نایب‌اسدالله (تصویر ۱۱)، استاد مسلم نی نوازی و پایه‌گذار مکتب ردیف نی نوازی اصفهان در نواختن این ساز بوده است. او به مهارت بسیار در نواختن و اخلاق نیکوی انسانی معروف بود.

درویش‌خان: درویش‌خان (تصویر ۱۲)، نوازنده بلند مرتبه تار و سه‌تار و بنیان‌گذار جریان آهنگ‌سازی در موسیقی ایران است. ابتکار فرم پیش در آمد، تلخیص ردیف قدما، ایجاد شیوه‌ای لطیف در تارنوازی و سه‌تارنوازی، ساختن آهنگ‌هایی در فرم‌های مختلف موسیقی ایرانی، تأسیس کلاس تعلیم موسیقی (و جداگانه برای خانم‌ها) و اضافه کردن سیم ششم را به تار، از درویش‌خان می‌دانند.

ابوالحسن صبا: ابوالحسن صبا (تصویر ۱۳)، برجسته‌ترین چهره موسیقی ایران در هفتاد سال گذشته و یکی از ستون‌های ثابت و استوار بنای موسیقی ایران شناخته می‌شود. وی در تمام رشته‌های موسیقی ایرانی و حتی سایر هنرها هم‌چون ساختن ساز، نقاشی، ادبیات و... مهارت داشت و دایرةالمعارفی جامع از علم و عمل موسیقی ایرانی بود.



تصویر ۱۳ - ابوالحسن صبا



تصویر ۱۰ - آقا علی اکبرخان فراهانی



تصویر ۱۱ - نایب اسدالله



تصویر ۱۲ - درویش خان

حبیب سماعی: حبیب سماعی (تصویر ۱۴)، استاد و تکنواز سنتور در اوایل قرن حاضر و نگه‌دارنده حیات سنتور در موسیقی ایرانی بود. از زندگانی سماع حضور روایات مشهوری مبتنی بر خلوص ایمان و دائم‌الوضو بودن او - از خصوصیات نوازندگی او مهارت و خلاقیت فراوان در بداهه‌نوازی را ذکر می‌کنند. و او را بزرگ‌ترین سنتورنواز معاصر می‌شناسند.

علی اکبر شیدا: میرزا علی اکبر شیدا (تصویر ۱۵)، را باید پایه‌گذار اصلی تصنیف و ترانه به معنی و مفهوم امروزی بدانیم. به علت پیوستگی با حلقه درویشان لقب «مسرورعلی» را برای خود انتخاب کرد. وی در ترانه‌هایش بسیار به زبان مردمی نزدیک می‌شد و موسیقی را بیشتر از هر کس دیگر در دسترس مردم قرار داد.

عارف قزوینی: عارف قزوینی متولد قزوین بود و در سن شانزده سالگی به تهران آمد. او از شاگردان شیدا بود و در زمان مشروطیت با غزل‌های خود به موفقیت مشروطه کمک کرد. تصنیف‌های عارف به دلیل سادگی و نداشتن اوج به راحتی برای مردم قابل اجرا بود.



تصویر ۱۵ - علی اکبر شیدا



تصویر ۱۴ - حبیب سماعی

پرسش

- ۱- موسیقی را تعریف کنید.
- ۲- ماهیت موسیقی ایران را توضیح دهید.
- ۳- موسیقی پیش از اسلام در چه دوره‌ای قابل بررسی است؟
- ۴- در دوره مادها چه نوع موسیقی رواج داشته است؟ چرا؟
- ۵- موسیقی دانان معروف دوره ساسانی را نام برده و تأثیرشان را در موسیقی ایرانی بیان کنید.
- ۶- ظهور اسلام چه تأثیری در علم موسیقی گذاشت؟
- ۷- چند دانشمند ایرانی که در مورد موسیقی رسالاتی نوشته‌اند، را نام ببرید.
- ۸- نظام موسیقی دستگاهی در چه دوره‌ای پایه‌گذاری شد، در مورد آن توضیح دهید.
- ۹- قطعات موسیقی ردیف دستگاهی را نام ببرید.
- ۱۰- مفهوم ردیف در موسیقی ایران را توضیح دهید.
- ۱۱- هفت دستگاه و پنج آواز موسیقی ایران را نام ببرید.
- ۱۲- انواع موسیقی آوازی را توضیح دهید.
- ۱۳- چند تن از موسیقی‌دانان برگزیده ایران را نام ببرید.
- ۱۴- تقسیم‌بندی انواع ساز ایرانی را با ذکر مثال توضیح دهید.

گفت‌وگو کنید

- درباره موسیقی محلی شهر خودتان جستجو کنید و در مورد آن در کلاس گفتگو کنید.
- درباره ماهیت موسیقی ایران امروز در کلاس گفتگو کنید.

فصل پنجم

نمایش‌های آیینی و سنتی



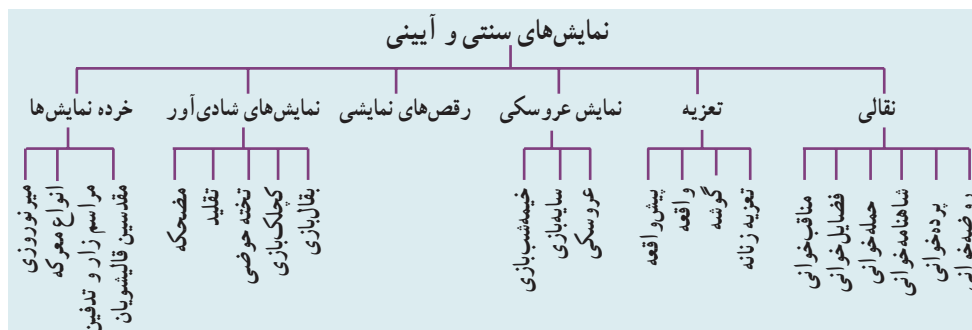


نمایش‌های آیینی و سنتی



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود:

- ۱- نمایش را تعریف کند.
- ۲- آغاز نمایش در ایران را بیان کند.
- ۳- نحوه پیدایش نمایش را شرح دهد.
- ۴- انواع نمایش‌های قبل از اسلام را توضیح دهد.
- ۵- نمایش‌های پس از اسلام را نام ببرد.
- ۶- انواع نقالی را توضیح دهد.
- ۷- تعزیه و قراردادهای آن را توضیح دهد.
- ۸- علت توجه ایرانیان به تعزیه را شرح دهد.
- ۹- دوره اوج و رواج تعزیه را بیان کند.
- ۱۰- انواع تعزیه‌نامه‌ها را توضیح دهد.
- ۱۱- انواع نمایش‌های شادی‌آور را بیان کند.
- ۱۲- انواع نمایش عروسی را شرح دهد.



نمایش چیست؟

نمایش به معنی اعم انجام عملی از پیش معلوم شده، برای بیان مفهوم، بدون واسطه برای مخاطب است. به وجود آوردن گان نمایش در حقیقت تلاش کرده‌اند که بگویند تئاتر آینه زندگی است و می‌خواهند با به نمایش گذاشتن بدی‌ها و خوبی‌ها در تهذیب اخلاق جامعه نقش داشته باشند و جامعه را به سوی خیر و صلاح رهنمون سازند. با به نمایش گذاشتن ابعاد شخصیت و روابط درست و غلط، انسان‌ها را متوجه اعمال و رفتار خود سازند، از این‌رو برای رسیدن به این اهداف از امکانات وسیعی که در اختیار دارند از قبیل: ادبیات، موسیقی، هنرهای تجسمی و ... بهره می‌گیرند.

پیدایش نمایش

در مورد سرچشمه پیدایش نمایش نظریه‌های گوناگونی ارائه شده که مهم‌ترین آن، منشأ آیینی است. در آغاز انسان‌های اولیه دریافت صحیحی از عوامل طبیعی نداشتند، بلکه آنها را با نیروهای فوق طبیعی و جادویی مرتبط می‌دانستند و جهت جلب حمایت آن نیروها به جستجوی راه‌حلی پرداختند و شیوه‌هایی در این زمینه ابداع کردند. بیشتر این شیوه‌ها حرکات و رفتار نمایشی بود که کم‌کم به آیین و مراسم آیینی تبدیل شد. مراسم نمایش آیینی برزگری (کشاورزی) به هنگام مراحل مختلف کشت و برز همراه با موسیقی (نواختن ساز و خواندن آواز) در زمین‌های کشاورزی اجرا می‌شد تا آرزوها و نیازهای آنان را روایت کند. این مراسم امروزه نیز در برخی مناطق ایران از جمله شمال ایران، خراسان و سیستان و بلوچستان به دلیل کاربردی بودن آن همچنان رواج دارد.

با آنکه منشأ آیینی، امروزه پذیرفته‌ترین نظریه درباره خاستگاه نمایش است، اما هرگز تنها نظریه مورد قبول محسوب نمی‌شود. هستند محققانی که معتقدند سرچشمه نمایش امروزی داستان‌سرایی است، آنها اظهار می‌دارند که گوش کردن و رابطه برقرار کردن با قصه‌ها عمده‌ترین خصیصه انسان است. نظریه دیگر این است که انسان نمایش را با تقلید حرکات و صدای حیوانات آغاز کرده و به تدریج گسترش یافته است. در سده بیستم عده‌ای از روانشناسان اظهار کردند انسان دارای استعداد خیال‌پردازی است و از این طریق می‌کوشد واقعیت بیرونی را مناسب حال خود و نه چنان که در زندگی روزمره با آن برخورد می‌کند بازسازی کند. از این‌رو قصه به انسان امکان می‌دهد تا اضطراب‌ها و ترس‌های خود را عینیت بخشد تا بتواند با آنها برخورد کند، یا امیدها و رویاهایش تحقق یابند. در این صورت نمایش وسیله‌ای می‌شود که انسان توسط آن جهان خود را تعریف می‌کند، یا از طریق آن از واقعیت‌های تلخ می‌گریزد.

نمایش در ایران

تاریخ نمایش در ایران مانند دیگر هنرها به هزاران سال پیش می‌رسد. در ایران نیز ریشه نمایش را باید میان جشن‌ها، آیین‌ها، اساطیر و اشعار بررسی کرد.

شاید بتوان گفت نمایش، شکل تکامل یافته آیین و داستان‌سرایی است که از قالب مناسک بدوی و روایت‌های ساده درآمده و صورت جدی‌تر و هنری‌تری یافته است.

نمایش در طول دوران مختلف و هماهنگ با آن تغییر و تحولات زیادی پیدا کرد و این تغییرات بیشتر مربوط به طرز تفکر و نگرش حاکم بر هر دوره بوده است، به همین دلیل به طور کلی نمایش در ایران را می‌توان در دو دوره قبل و بعد از اسلام مورد بررسی قرار داد.

نمایش قبل از اسلام

با حضور اقوام بومی فلات ایران و ورود اقوام مهاجر هند و ایرانی در حدود هزاره دوم (ق.م) و در نتیجه ادغام این فرهنگ‌ها با یکدیگر، آیین‌هایی به وجود آمد که این آیین‌ها و مراسم پایه نمایش ایران شد، که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

۱- آیین‌های ستایش: خواندن سرودهای مذهبی، سرودهای اوستا و حرکات موزون از جمله آیین‌هایی بود که در جشن‌هایی مانند مهرگان، سده، نوروز و... وجود داشت. و در آن ستایش خداوند و شخصیت‌های اسطوره‌ای به همراه حرکات موزون انجام می‌شد.

۲- قوالی: در کنار حرکات موزون و سرودها، نقل داستانها رواج داشت. در اجتماع‌ها، اهالی می‌نشستند و به آنچه پهلوانی در شرح جنگ‌ها می‌گفت گوش می‌کردند. هر چند قوالی در واقع نقل داستان، به آواز و یا همراه موسیقی بود، اما همین قوالی منجر به قصه‌سرایی و بیان نمایشی یک داستان شد.

۳- سوگ سیاوش (سیاوشان): سیاوش پسر کیکاوس پادشاه ایران نمادی از پاکی و معصومیت در ایران است که با توطئه «گرسبوز» و به دست «گروی زره» کشته شد. با کشته شدن او هر ساله مراسمی که نوعی عزاداری بود برگزار می‌شد، که به عنوان مویه بر مرگ سیاوش و یا «سووشون» مشهور است. مردم مناطق مختلف ایران این آیین را برگزار می‌کردند. هنوز هم در جنوب ایران این آیین برپا می‌شود. این آیین پس از اسلام به شکل تعزیه دنبال شد.

۴- مغ‌کشی: این مراسم که در دوران هخامنشی پا گرفته است، با یاد قتل گئومات مغ^۱ غاصب که به جای بردیا^۲ بر تخت نشست برگزار می‌شد. مغ‌کشی نمایشی سیاسی و تبلیغاتی بود و رویداد تاریخی ویژه‌ای را می‌نمایانده است. در طی این مراسم به صورت نمایشی او را به قتل می‌رساندند. در این روز با وجود احترامی که برای مغ‌ها قایل بودند، آنها را به شدت مورد توهین و تمسخر قرار می‌دادند و به همین منظور هیچ مغی از خانه بیرون نمی‌آمد.

۵- نمایش میرنوروزی: این نمایش نمایانگر ستایش و سپاس از بهار بود که به مرور تبدیل به نمایش «نوروزی خوانی»^۳ شد. نوروزی خوان‌ها گروه کوچکی بازیگر طنز (شادی‌آور) بودند که

۱- پیشوای دین زرتشت

۲- بردیا فرزند کوروش و برادر کمبوجیه.

۳- نوروزی‌خوانی تا چند دهه پیش، آیینی متداول بوده است، که از معدود آیین‌های موسیقایی کهن ایرانی به‌شمار می‌رود و از نظر فرم و ساختار مبتنی بر بداهه‌خوانی و بداهه‌سرایی است. با آمدن اسلام با اعتقادات و باورهای مذهبی آمیخته شد و به این لحاظ بقا و تداوم یافت.

با لباس رنگین و آرایش عجیب از اواخر زمستان دوره می‌افتادند و به خواندن و حرکات موزون به پیشواز بهار می‌رفتند. در زمان ما مردی که چهره خود را به رنگ سیاه درمی‌آورد و لباس قرمز می‌پوشد و «حاجی فیروز» خوانده می‌شود، احتمالاً از گروه نوروزی خوان‌ها به یادگار مانده است.

۶- آتش افروزی: از جمله رسم‌های ایرانیان، افروختن آتش و پایکوبی در اطراف حلقه‌های آتش بود. آنچه از این رسم مانده تنها افروختن بوته‌هاست و دیگر بازی‌هایی که در شب چهارشنبه آخر سال برگزار می‌شود.

نمایش پس از اسلام

پس از پیدایش و گسترش اسلام بعضی از انواع نمایش دچار تغییر و تحول شدند. با توجه به آنچه گفته شد پیش از اسلام نوعی قصه‌سرایی همراه با نواختن یک ساز وجود داشت که به آن «قوالی» می‌گفتند. اما به دلیل محدود شدن موسیقی در دوره اسلام این نمایش همراهی ساز را از دست داد و از آن فقط نقل واقعه باقی ماند. به همین دلیل واقعه خوانان برای جبران این کمبود با تکیه بر بازیگری، شرح و بیان خود را تقویت کردند.

پس از اسلام به انواع بازیگری توجه خاصی شده است که به شرح زیر می‌آید:

۱- نقالی: از جمله نمایش‌های مستقلی که پس از اسلام شکل گسترده و نمایشی پیدا کرد «نقالی» بود. نقالی را وسیله ارتباط جمعی سنتی می‌دانند. موضوع داستان در نقالی قهرمانان اسطوره‌ای هستند به همین دلیل قصد واقع‌بینی صرف وجود ندارد و بیشتر تکیه بر احساسات تماشاگر دارد.

نقالی از نظر مضمون به دو گروه مذهبی و غیرمذهبی قابل تقسیم است. مضمون نقالی‌های غیرمذهبی منبع‌ها و مرجع‌هایی چون شاهنامه، اسکندرنامه، هزار و یکشب و سمک عیار بوده است. نقالی‌های مذهبی شامل مناقب خوانی، فضائل خوانی^۱، حمله خوانی، پرده خوانی و روضه خوانی بودند که هدف آنها شناساندن شخصیت‌های مذهبی و نقل داستان‌هایی از زندگی آنان، بر شمردن فضائل و تأکید بر حقانیت ایشان بود (تصویر ۱، ۲ و ۳).

از مناقب خوانی و فضائل خوانی چندان چیزی به جای نمانده است. مناقب خوانی در پدید آمدن سایر گونه‌های نقالی مؤثر بوده است. حمله خوانی براساس وقایع جنگ‌های حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) از کتاب «حمله حیدری» بود. پرده خوانی یا شمایل خوانی نیز گونه‌ای از نقالی مذهبی است که در پیدایش شبیه خوانی یا نمایش تعزیه سهم بسزایی داشته است. روضه خوانی که به خواندن اشعار «روضه‌الشهدا» اثر «ملاحسین واعظ کاشفی» گفته می‌شود نیز نوعی نقالی می‌باشد.

نقال یکی از چهره‌های مهم و اصیل بازیگری در نمایش ایران است. برخی واقعه خوانان از چیره دست‌ترین بازیگران هستند و از نوعی روان‌شناسی مردم آگاهند و تسلط زیادی بر جمع دارند. آنها می‌دانند چگونه با تغییر در آهنگ کلام و ایجاد وقفه هیجان بیشتری برای تماشاگر ایجاد

۱- متعلق به اهل تسنن



تصویر ۱- تقاص گرفتن کیکاوس از سیاوش - رنگ روغن روی بوم - قولر آغاسی - ۱۳۱۱ شمسی - ابعاد ۱۷۷ در ۱۱۰ سانتی متر



تصویر ۲- رستم و سهراب - رنگ روغن روی بوم - قولر آغاسی - ۱۳۲۱ شمسی - ابعاد ۱۱۶ در ۱۸۵ سانتی متر

کنند. پیش از شروع نقل شاگرد نقال که آن را «بچه مرشد» می نامند، قطعه ای می خواند که به آن پیش خوانی می گویند. و از این طریق تماشاگران آماده شنیدن نقل می شوند. نقالی شامل قسمت هایی چون واقعه خوانی، مناجات، خطبه خوانی، حدیث خوانی، گریز زدن، و ... است. معمولاً نقالی در قهوه خانه ها و میادین روستاها انجام می شد (تصویر ۴).



تصویر ۳- مصیبت کربلا- رنگ روغن روی بوم - محمد مدبر - ابعاد ۲۵۱ در ۱۹۸ سانتی متر



تصویر ۴- نقال در حال پرده خوانی

۲- خرده نمایش‌ها: وجود برخی واژه‌های نمایشی در ایران نشان‌دهنده حضور برخی نمایش‌هاست. از جمله «تماشا» که به مجموعه نمایش‌هایی اطلاق می‌شد که در تجمع عصرانه مردم بازی می‌شد. این نمایش‌ها عبارت بود از انواع «مهرکه» بندبازی، چشم‌بندی، به رقص و تقلید در آوردن جانوران، (تصویر ۵) و مراسمی از قبیل «مراسم شستشو و تدفین مقدسین»، مراسم «قالی‌شوین» (تصویر ۶) که هنوز هم در نیمه مهرماه در مشهد اردهاال کاشان برپا می‌شود. از طرفی برخی از

نمایش‌های قبل از اسلام - مانند مراسم «میرنوروزی» - نیز در این دوره به شکل عمونوروز یا حاجی فیروز ادامه یافت.

۳- دسته‌های عزاداری: رسم دیگری نیز باعث ایجاد نمایش شد و آن هم به راه انداختن «دسته‌های عزاداری» بود. برپایی این دسته‌های سوگواری از زمان «سوگ سیاوش»^۱ و قبل از اسلام آغاز شده بود.

تعزیه

تعزیه با شبیه خوانی، مهم‌ترین نمایش پس از اسلام است که ریشه در آیین سوگ سیاوش دارد و در آن جنبه‌های اسطوره‌ای نیز به جنبه‌های تاریخی اضافه گردیده است.

پایه‌های نمایش «شبیه خوانی» در قرن چهارم و در زمان خاندان آل‌بویه گذاشته شد و در دوره صفویه به شکوفایی رسید، همچنین مراسم روضه‌خوانی و حمله خوانی نیز صورت می‌گرفت. در دوره قاجاریه و در زمان ناصرالدین شاه قاجار، تعزیه به اوج تکامل خود رسید و ساختن تکیه نیز رونق خاصی پیدا کرد که مهم‌ترین آن «تکیه دولت» در تهران بود (تصویر ۷).

شاید بتوان گفت یکی از دلایل قدرت یافتن تعزیه در این دوره ساخت تکیه‌ها و تماشاخانه‌های مذهبی بود. ناصرالدین شاه پس از بازگشت از سفر اروپا سعی داشت تا یک سالن تئاتر در ایران ایجاد کند. سرانجام به دستور او ساختمان «تکیه دولت» در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی جنب کاخ گلستان در تهران ساخته شد. این مکان یک محوطه وسیع و ساختمانی عظیم چهار طبقه بود، که سرانجام به دلیل مخالفت‌هایی تبدیل به تکیه و تماشاخانه مذهبی شد.

ادبیات تعزیه

اشعار تعزیه عموماً به صورت «مثنوی» نوشته می‌شد و گاه دارای وزن نبود بیشتر عبارات محاوره‌ای بود و مرثیه سرایی پایه‌ای برای ادبیات تعزیه بود که می‌توان به شعرهای شاعرانی مانند: محتشم کاشانی و وصال شیرازی اشاره کرد.

ادبیات تعزیه از لحاظ موضوعی به چهار دسته تقسیم می‌شود: پیش واقعه، واقعه، گوشه، تعزیه زنانه.

پیش واقعه: تعزیه‌نامه‌هایی که از نظر داستانی مستقل نیست و باید با نمایش واقعه همراه شود.
واقعه: تعزیه‌نامه‌هایی که مصائب و شهادت افراد مذهبی، خصوصاً ماجرای کربلا و امام حسین (ع) را نشان می‌دهد.

گوشه: تعزیه‌نامه‌های فکاهی و تفننی که به عنوان موضوع فرعی مطرح می‌شود و در آن لعن و نفرین و تمسخر مخالفان اسلام وجود دارد. این نوع تعزیه معمولاً در جمعه‌ها و عیدهای مذهبی برای شاد کردن مردم اجرا می‌شد.

۱- سیاوش در ایران باستان یک شخصیت مذهبی و بی‌گناه به شمار می‌رفته و جنبه روحانی و معنوی داشته است. با مرگ سیاوش اسطوره شهادت در ایران شکل می‌گیرد.



تصویر ۵- معرکه‌گیر در خیابان



تصویر ۶- قالی شویی در مشهد اردهال کاشان



تصویر ۷- تکیه دولت - اثر کمال الملک



تصویر ۸- لباس تعزیه



تصویر ۹- تعزیه - استفاده از نماد در نمایش تعزیه

تعزیه زنانه: این نمایش روزگاری به وسیله زنان برای تماشاگران زن معمولاً در دنباله مجالس روضه خوانی اجرا می‌شد. این تعزیه‌ها در فضای باز حیاط‌ها و یا تالارهای بزرگ خانه اجرا می‌شد. تعزیه زنانه عمومیت و توسعه‌ای نیافت و رفته‌رفته تا اواخر دوره قاجار از میان رفت.

قراردادهای تعزیه

تعزیه نمایشی سمبلیک یا نمادگرا و طراحی صحنه آن خلاصه و نمادین است و شامل: علم، کتل، پرچم، شاخه‌ای نخل و تشت آب می‌باشد. این نمادگرایی در رنگ لباس شخصیت‌های تعزیه که دو دسته: شخصیت‌های نیک (مظلومان) و شخصیت‌های بد (اشقی‌ها) هستند نیز دیده می‌شود. رنگ لباس مظلومان، سبز، سفید و یا مشکی (برای زنان) و رنگ لباس اشقی‌ها سرخ است (تصویر ۸ و ۹). در تعزیه محدودیتی از جهت زمان و مکان وجود ندارد. بازیگر با چرخیدن به دور صحنه یا میدانی، نشان می‌دهد که زمان و مکان عوض شده است. تعزیه موسیقی خاص خود را دارد و با نواختن شیپور، طبل، قره‌نی، سنج، دهل و حتی با صدای سوگوارانی که بر سینه خود می‌کوفتند و شیون تماشاگران پدید می‌آید. موافق خوان‌ها (اولیا) معمولاً به زبان شعری می‌خوانند که به آن تحریر کردن می‌گویند. مخالف خوان‌ها (اشقی‌ها) به زبان نثر و با صدای بلند می‌خوانند که به آن اُشتلم خوانی می‌گویند. از این طریق تماشاگر بیشتر تحت تأثیر اولیا قرار می‌گیرد. ممکن است قبل از شروع تعزیه نوحه‌ها و روضه‌هایی با موضوع کربلا اجرا شود که به آن چاووشی می‌گویند.

نمایش‌های شادی‌آور (تقلید)

نمایش‌های شادی‌آور اصطلاحی کلی است که به گونه‌هایی از نمایش‌های پرجنب‌وجوش، مردم‌پسند و هیجان‌انگیز گفته می‌شود. نمایش‌های شادی‌آور از معرکه‌ها و کارهای بازیگران منفرد موسوم به دلقک، نوروزی خوان‌ها (مثل حاجی فیروز و آتش افروز)، دسته‌های تمسخر میرنوروزی و بازیگران دوره‌گرد شکل گرفت. در اواخر دوره صفویه و بعدها در دوره زندیه این دسته‌ها در بعضی قهوه‌خانه‌ها پاتوقی داشتند و برای گرم کردن مجالس شادی، به خانه‌های مردم دعوت می‌شدند. در این مجالس تقلیدی به نام «حسن کچل» وجود داشت که قصه جوانی فقیر است که مرتباً به خواستگاری دختری یک حاجی بازاری می‌رود.

نوع دیگری از نمایش‌های شادی‌آور «بقال بازی» بود که در آن وضع و حال بقالی ثروتمند ولی خسیس و نوکر گنج و حواس‌پرت او به اسم نوروز به نمایش درمی‌آمد. بیشتر نمایش‌های شادی‌آور، نمایش‌های فی البداهه یعنی بر پایه بیان و آفرینش در همان لحظه و حضوری می‌باشند. یعنی معمولاً این نمایش‌ها متن نوشته شده از قبل ندارند.

یکی از شخصیت‌های مهم و مورد بحث در نمایش‌های ایرانی، شخصیت «سیاه» است که صورت خود را به کمک دوده سیاه می‌کرد. به این دلیل که با فریب، در اجتماع، به طبقه او خیانت شده بود (تصویر ۱۰).

از نمایش‌های مهم شادی‌آور، نمایش‌های «تخت حوضی» یا «روحوضی» است. این نمایش‌ها را به این جهت تخت حوضی می‌نامند که، تخت‌های چوبی روی حوض‌های بزرگ وسط حیاط می‌گذاشتند و آن را مفروش کرده و روی آن بازی می‌کردند. در این نمایش‌ها هجو و ریشخند به آداب و ظاهر سازی‌های افراد طماع وجود داشت (تصویر ۱۱).

نمایش عروسکی

نمایش عروسکی نه فقط در ایران بلکه در بسیاری از حوزه‌های جغرافیایی - فرهنگی جهان پدید آمده و دارای پیشینه کهن می‌باشد. رواج نمایش‌های عروسکی شاید از این جهت است که این بازی‌ها دارای وسایل و ابزار سبک و قابل حمل می‌باشد و نمایش‌دهنده می‌تواند هم‌پای ایل یا روستائیان تغییر مکان دهد. به همین دلیل بر وسعت قصه‌های عروسکی و قهرمانان عامیانه‌اش افزوده شد. از نمونه‌های این نمایش را می‌توان نمایش تکم منطقه آذربایجان نام برد. تکم بزی چوبی و متحرک است که با پارچه روی آن را می‌پوشانند و با سکه یا زنگوله آن را تزیین می‌کنند و مظهر فرارسیدن سال نو، شادی و خوشی است. تکم‌چی، عروسک‌گردان است و اشعار نویدبخش بهار را می‌خواند.



تصویر ۱۰- نمایش سیاه‌بازی



تصویر ۱۱- نمایش روحوضی در حیاط خانه

نمایش عروسکی سایه

در این نمایش عروسک‌ها را از تکه‌ای چرم می‌بریدند و در مقابل منبع نور قرار می‌دادند، که سایه آن بر دیوار نقش می‌بست. این نمایش که چادر خیال نام گرفت، در ایران چندان مورد توجه قرار نگرفت.

نمایش عروسکی نخ

در این شیوه عروسک‌هایی که نهایتاً ۳۰ سانتی متر ارتفاع دارند و مفصل‌های حرکتی آنها به نخ وصل است، توسط یک عروسک‌گردان از بالا به حرکت در می‌آیند.

مهم‌ترین نمایش عروسکی نخ ایران «خیمه‌شب بازی» است. خیمه‌شب بازی یا شب‌بازی نمایشی است که شب‌ها و در خیمه‌ای که در دو طرفش دو چراغ روشن بود، نمایش داده می‌شد. صحنه صندوقی بود که یک طرفش رو به تماشاگران باز است و عروسک‌گردان پشت صندوق مخفی شده و عروسک را با نخ تکان می‌دهد. عروسک‌گردان «استاد» نامیده می‌شود و از سوتی به نام صفیر استفاده می‌کرد تا صداها زیر و نازک شود. شخصیت اصلی و معروف این نمایش «مبارک» (تصویر ۱۲) است که همان خصوصیات و بذله‌گویی سیاه را دارد. موسیقی‌های اصلی این نمایش کمانچه و ضرب است. عروسک‌گردان به همراه مرشد گفتگو می‌کرد و داستان را پیش می‌برد.

نمایش عروسکی دستکشی

در این نمایش سر عروسک ساخته می‌شود و در لیفه‌ای قرار می‌گیرد. دست عروسک‌گردان در لیفه یا دستکش قرار می‌گیرد و عروسک را حرکت می‌دهد. ویژگی این نوع عروسک در سریع و فرز بودن و امکانات ساده حرکتی آن است. از نمونه‌های این نوع نمایش عروسکی در ایران نمایش عروسکی «پهلوان کچل» متعلق به استان فارس است.



تصویر ۱۲- عروسک مبارک از نمایش خیمه‌شب‌بازی

نمایش نوین

نمایش به شیوه امروزی از زمانی آغاز شد که اولین بنای تئاتری به همت مزین الدوله نقاش‌باشی برای سی صد تن تماشاگر دارالفنون بنا نهاده شد و نخستین نمایش‌هایی که به تقلید آثار اروپاییان نوشته شد، آثار آخوندزاده و ملک‌خان ناظم‌الدوله بود. نمایش به صورت امروزی، اولین بار از طریق ترجمه و مخصوصاً اجرای آثار «مولیر» در ایران مطرح شد و نویسندگان ایرانی در این زمینه آثاری به وجود آوردند مانند میرزا آقا تبریزی که نمایش‌نامه «طریقه حکومت زمان خان» را نوشت. در اواخر دوران قاجار گروهی از جوانان، اولین شرکت نمایشی به نام «فرهنگ» را تأسیس کردند که به وسیله آن نمایش‌های سیاسی و اقتصادی را به معرض نمایش گذاشتند. بعد از آن شرکتی به نام «تئاتر ملی» و سپس «شرکت کمدی ایران» ایجاد شد. این سیر تحول تا به امروز هم چنان ادامه داشته است. امروزه شیوه‌های تلفیقی و نوآورانه‌ای در رابطه با حفظ ارزش‌های فرهنگی و هنری به ظهور رسیده است. با این مختصر در مورد نمایش در ایران می‌توان دریافت که هر نمایش بازتاب شیوه نگرشی خاص به زندگی است و هر هنرمندی با استفاده از تجربه و زندگی آدمی به هنر خود شکل می‌بخشد و در این مسیر براساس نوع مخاطب و شرایط موجود در زمان از شیوه‌های مختلف کمک می‌گیرد، تا بتواند بهترین بیان هنری را داشته باشد.

پرسش

- ۱- مفهوم نمایش را بیان کنید.
- ۲- نظریه‌های مختلف در مورد سرچشمه پیدایش نمایش را توضیح دهید.
- ۳- انواع نمایش‌های قبل از اسلام را نام ببرید و به اختصار توضیح دهید.
- ۴- نقالی از نظر موضوعی چند نوع است؟ توضیح دهید.
- ۵- انواع خرده نمایش‌ها را نام ببرید.
- ۶- تاریخچه پیدایش تعزیه را به اختصار توضیح دهید.
- ۷- ویژگی ادبیات تعزیه را بیان کنید.
- ۸- انواع تعزیه از نظر موضوعی را ذکر کنید.
- ۹- نمادگرایی در تعزیه را توضیح دهید.
- ۱۰- به چه نمایش‌هایی «نمایش‌های شادی‌آور» گفته می‌شود؟
- ۱۱- خیمه‌شب‌بازی مربوط به کدام نوع از نمایش‌های ایران است؟ توضیح دهید.
- ۱۲- نمایش به شیوه امروزی از چه زمانی در ایران آغاز شد؟ توضیح دهید.

جستجو کنید

- درباره نقالی مطالعه کنید و در کلاس قطعه کوتاهی از آن را اجرا نمایید.
- درباره یکی از انواع نمایش‌ها در کلاس گفتگو کنید.

فصل ششم

صنایع دستی





صنایع دستی



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود:

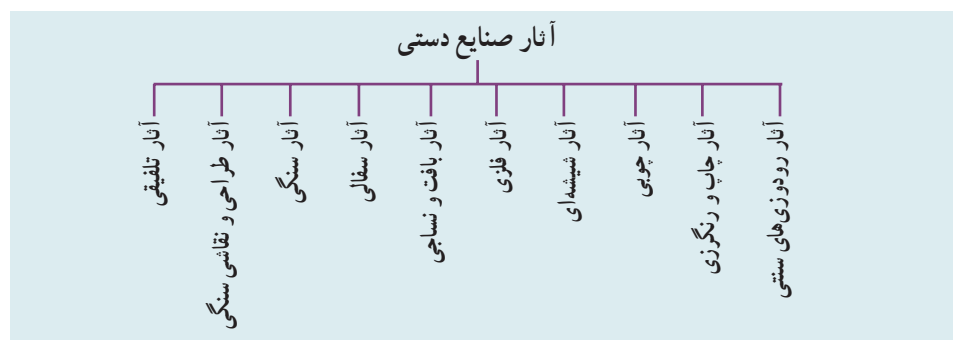
- ۱- طبقه‌بندی صنایع دستی را نام ببرد.
- ۲- چگونگی پیدایش هریک از انواع صنایع دستی را توضیح دهد.
- ۳- ویژگی‌های انواع صنایع دستی را بداند.
- ۴- نمونه‌هایی از انواع صنایع دستی را ذکر کند.

«صنایع دستی» جایگاه ویژه‌ای در میراث فرهنگی هرملتی دارد. تنوع آثار صنایع دستی، گذشته از آنکه ذوق، تفکر و خلاقیت یک ملت را نشان می‌دهد، نسبت به موقعیت جغرافیایی هر منطقه نیز متفاوت است. در کشور پهناور ایران به دلیل تنوع آب و هوایی و ویژگی‌های جغرافیایی گوناگون صنایع دستی در شکل‌ها و رنگ‌های زیبا و چشم‌نواز با کاربردهای متفاوت به‌وجود آمده است. گرچه در ابتدا صنایع دستی برای برطرف کردن نیازهای اولیه انسان پدید آمد اما به مرور ذهن خلاق مردمان، باورها، اعتقادات و آداب و رسوم خود دستمایه‌ای برای بالا بردن کیفیت و هدف آنها شد. همین باعث شد که آموزه‌های گویباری از این هنر تراوش کند. هنرمند هنرهای سنتی از ابتدا به کمک ادب و اخلاق جوانمردی و پاک شدن از هرگونه ناپاکی، خودسازی می‌کرد. هدف از هنر را نزدیک شدن به خدا (قرب الی‌الله) می‌دانست. او هنر را امانتی الهی می‌داند و خود را نه به عنوان خالق اثر بلکه به عنوان واسطه‌ای که بتواند زیبایی‌های الهی را انتقال دهد،^۱ می‌شناسد. به همین دلیل در طول تاریخ هنرمندان هنرهای سنتی کمتر نام خود را در زیر آثارشان نوشته‌اند. اگر رقمی^۲ از ایشان دیده می‌شود

۱- آیه ۱۷ سوره انفال

۲- رقم: امضای کسی در پای اثر اوست.

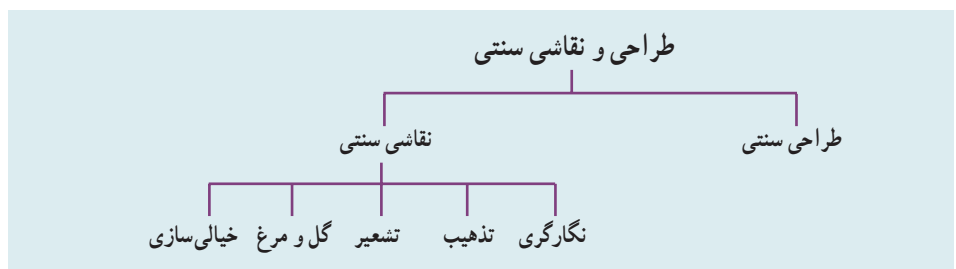
به گونه‌ای اشاره به جایگاه بندهٔ کمترین بارگاه الهی و یا توسل جستن به ائمهٔ اطهار (ع)، دارد. برای مثال «آقا نجف اصفهانی» هنرمند دورهٔ قاجار که «یا شاه نجف» رقم کرده است و یا «محمدزمان»^۱ که در زیر آثارش «یا صاحب الزمان» می‌نوشته است. همچنین ساخت انواع آب خوری‌های سفالین، سنگی و فلزی در مساجد و یا سقاخانه‌ها که علاوه بر نیت خالص هنرمند، نوع هدف و کاربرد آن نیز آمیخته با آموزه‌های دینی است تا هر رهگذر تشنه علاوه بر سیراب شدن نامی از امام و سرور شهیدان امام حسین (ع) نیز بر لب ببرد. بنابراین صنایع دستی از سه رویکرد شکل ظاهری، هدف و کاربرد و روش تولید، مواد اولیه و ابزار تشکیل شده است به دلیل تنوع فراوان این هنر، طبقه‌بندی‌های مختلفی برای آن به وجود آمده است که در اینجا به‌طور کلی با توجه به نوع مواد اولیهٔ آنها این دسته‌بندی ارائه می‌شود (تصویر ۱).



تصویر ۱- انواع آثار صنایع دستی

آثار طراحی و نقاشی سنتی

آثار به‌دست آمده از طرح‌ها و نقش‌های خیالی و طبیعی زمینه‌ساز طراحی سنتی، نگارگری، تذهیب، تشعیر، گل و مرغ و خیالی‌سازی (نقاشی قهوه‌خانه‌ای) می‌باشد. این آثار با سابقه طولانی در تاریخ و تمدن ایران به حدود ده هزار سال پیش در غارها و صخره‌نگاری‌های لرستان، دیوارنگاری‌ها و نقش‌پردازی بر سفالینه‌ها و آثار مختلف تا به امروز باز می‌گردد که خود دارای طرح، رنگ و نقش خاص خود هستند و به روش‌های متفاوت اجرا شده‌اند. آنچه امروزه شکل کلی و نهایی خود را به‌دست آورده، می‌توان به گونه‌های متفاوت مشاهده کرد (تصویر ۲).



تصویر ۲- هنرهای زیرمجموعه طراحی و نقاشی سنتی

۱- محمد زمان دوم، نقاش آثار لاک‌پایه ماشه بوده است.

طراحی سنتی: طراحی انواع نقش و نگارهای خیالی به صورت خطی برای به کارگیری در انواع صنایع دستی که از تنوع بسیار بالایی برخوردار است را طراحی سنتی می‌گویند. استادان و هنرمندان زبردست سنتی برای نقش‌اندازی بر روی دست‌ساخته‌های خود ابتدا طرح‌های زیبایی به تناسب موضوع و نوع کار، طراحی می‌کردند. سپس آنها را بر روی کار خویش منتقل کرده و در نهایت رنگ‌آمیزی می‌کردند (تصویر ۳).



تصویر ۳- نمونه‌هایی از طراحی هنرمندان سنتی قدیمی

تذهیب: تذهیب به معنی زRANDOD کردن و طلاکاری است که با نقوش منظم هندسی و گردان همراه با خطوط نازک مشکی و آب طلا تزئین شده و رنگهای متنوع دیگر نیز در آن به کار می‌رود. این رنگ‌ها معمولاً از سنگ‌گرف، لاجورد، سفید آب، زنگار، زعفران و ... می‌باشد (تصویر ۴). کاربرد هنر تذهیب به دوران قبل از اسلام برمی‌گردد و «زرنگاری» در کتاب‌های مانویان انجام می‌شده است.



تصویر ۴- تذهیب، سرلوح، معاصر

پس از ظهور اسلام ایرانیان در تزیین و آراستن کتاب‌های قرآن کوشیدند. در قرون اولیه اسلامی سنت مانویان را ادامه دادند ولی به تدریج آن را به مراحل کمال رساندند. در ابتدا تذهیب به منظور تعیین سر سوره‌ها و تفکیک آیات و جزءها به کار گرفته شد و غالباً در صفحات آغازین و پایانی کتاب مورد استفاده قرار می‌گرفت. سپس در دوره سلجوقی سرلوح، سرسوره‌ها و حاشیه‌ها هم تذهیب شد. پس از اسلام آوردن حکام مغول، خوشنویسی و تذهیب دوباره جان گرفت و شامل آرایش میان سطرها و طلاندازی شد. در عصر تیموری رشد قابل توجهی کرد (تصویر ۵).



تصویر ۵- دیوان حافظ - خط نستعلیق با طلاندازی میان سطرها - حاشیه مُذهَّب مرصع در دو صفحه قرینه - موزه هنرهای تزیینی ایران

تشعیر: در این هنر نقوش گیاهی و تصاویری از جانوران و نقش‌های انسانی در حاشیه نسخ خطی یا مرقعات با تک‌رنگ قلم‌گیری می‌شود که بیشتر با طلا یا رنگ سفید بر روی زمینهٔ نخودی و یا تیره مانند مشکی و لاجوردی مشاهده می‌شود (تصویر ۶). رنگ‌های محدود به وسیله حرکات قلم‌مو از خصوصیات بارز تشعیر و تفاوت آن با تذهیب است.

تشعیر در عصر تیموری و صفوی به اوج خود رسید. بسیاری از نسخه‌های خطی دوره صفویه دارای حاشیه بزرگی است که مناظر طبیعی و اشکال انسانی و حیوانی بر آن نقش شده است، رنگ طلایی و در بعضی موارد رنگ نقره‌ای بر آن حاکم است (تصویر ۵).



تصویر ۶- تشعیر با آب طلا بر زمینه لاجوردی طرح گل، پرنده، چهره‌های حیوانات و موجودات خیالی

نگارگری: این هنر شامل طراحی، رنگ آمیزی، پرداز و قلم گیری انواع طرح ها و نقوش سنتی با موضوعات مختلف است که برای ایجاد نگاره های مستقل و یا کاربرد در کتاب آرای و دیوارنگاری استفاده می شود (تصویر ۷).



تصویر ۷- نگارگری، بخشی از دیوارنگارگری چهلستون - اصفهان، دوره صفوی



تصویر ۸- نگارگری یک برگه از دیوان حافظ، همراه با تذهیب - موزه رضا عباسی

هنر نگارگری ایرانی، جهان اسرارآمیزی دارد که با نقاشی های واقع گرای غربی بسیار متفاوت است. هیچ گاه هنرمند به تقلید از طبیعت نپرداخته و حقیقت را بدون سایه روشن، حجم پردازی، عمق نمایی و شخصیت پردازی کشف کرده و ارائه نموده است.

این نگاره ها و نقاشی ها جزئیات خارق العاده ای را به نمایش می گذارد که آدمی را به تحسین وامی دارد. با قلم گیری و رنگ های تخت و درخشان، وفاداری به دو بعد، پرده از حقیقت پنهان برمی دارد و در پس ظاهر تابناک خود، جاودانه بودن را خلق می کند؛ زیرا نور را مطلق می بیند. در این جهان رمزآلود، آسمان طلایی، گل و شکوفه، درختان پر از پرندگان، بناهای رنگارنگ، اشیای مجلل، چشم اندازهای خیال انگیز، تخته سنگ های مرجانی، آدم های کوچک با لباس های پر نقش و نگار با دقتی خارق العاده بر سطحی کوچک ظاهر می شوند. نگارگر جهان عارفانه خود را می آفریند. فضایی که پیوند آن با عالم ملکوت بیش از توجه به حواس ظاهری اهمیت دارد. نگارگری ایرانی در نقش تصویرسازی و اعتباربخشی به متن از اوایل کتابت با آن همراه بوده است و در نخستین نگاه می توان بازتاب ادبیات فارسی را در آن مشاهده کرد. البته متون علمی و تاریخی بسیاری نیز نگارگری شده اند، ولی آنچه بیشتر قابل توجه نگارگران بوده، متون شعری است و از میان آنها شاهنامه فردوسی بیشتر از همه مورد توجه و هنرنمایی هنرمندان نگارگر و صفحه آرا بوده است (تصویر ۸).

گل و مرغ: آنچه به عنوان گل و مرغ شهرت یافته طراحی، رنگ آمیزی، ساخت و ساز انواع طرح ها، نقوش گیاهی و پرندگان در حالت های مختلف است که برای ایجاد نگاره های مستقل یا کاربرد در جلد ها و قلمدان ها به کار می رود (تصویر ۹).



تصویر ۹- گل و مرغ نگاره مستقل، معاصر

خیالی سازی (نقاشی قهوه‌خانه‌ای): این هنر به صورت نقاشی‌های روی پرده‌های بزرگ یا دیوارنگاری با مضامین مذهبی یا حماسی انجام می‌پذیرد که با بهره‌گیری از داستان‌های عامه‌پسند و قومی از جمله حماسه‌ها، افسانه‌ها، وقایع و روایت‌های مذهبی ساخته و پرداخته شده است. در این هنر گاهی وقایع مختلف در زمان‌های متفاوت در کنار یکدیگر تصویر می‌شوند که از آن جمله می‌توان به واقعه کربلا، هفت خوان رستم و ... اشاره کرد و گاهی یک داستان حماسی یا افسانه‌ای، خیالی سازی می‌شود که بیشتر در مکان‌های عمومی از جمله تکایا، قهوه‌خانه‌ها و غیره به کار برده می‌شود (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰ - کشته شدن دیو سپید به دست رستم - قولر آغاسی - ۱۳۲۴

در کنار این هنر، شغل پرده‌خوانی رواج یافت که در آن پرده‌خوان وقایع نقاشی شده را به زبان شعر و لحنی زیبا و جذاب برای کسانی که در آن مکان (تکیه، قهوه‌خانه، روستا و ...) گردهم آمده بودند، بازگو می‌کرد. آیین جوانمردی رشادت‌ها و از خودگذشتگی برای دین و دیگر ویژگی‌های پسندیده به وسیله آنها بین مردم رواج می‌یافت و سینه به سینه نقل می‌شد. هم‌اکنون نیز در برخی از قهوه‌خانه‌ها و تکایای شهرهای گوناگون این کار ادامه دارد. همچنین در روستاها پرده‌خوانان سیار با پرده‌های نقاشی شده متحرک به مناسبت‌های مختلف در حال حکایت و نقلی هستند.

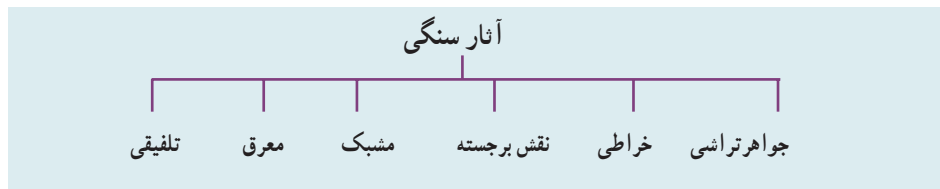
آثار سنگی

پیشینه آثار سنگی به ظهور سکونتگاه‌ها و مراکز اجتماعی اولیه در دوران عصر سنگ باز می‌گردد و شامل شکل دادن و نقش‌پردازی سنگ به روش‌های برش، تراش، خراش و شیوه‌های تلفیقی به منظور ساخت و تزئین اشیاء با ابزارهای مختلف می‌شود. این هنر در طول دوران تکاملی خود

در ادوار تاریخی با انواع روش‌های رایج شکل گرفته که امروزه نیز کاربرد دارند. جواهرتراشی، خراطی، نقش برجسته به روش تراش سنگ، معرق و مشبک به روش برش، حکاکی روی سنگ به روش خراش و دیگر آثار مانند مجسمه‌های سنگی به روش‌های تلفیقی ساخته می‌شوند (تصویر ۱۱ و ۱۲).



تصویر ۱۲- نقش برجسته، تخت جمشید



تصویر ۱۱- رایج‌ترین هنرهای سنگی

آثار هنری سنگی کاربردهای فراوانی دارد. برخی از این آثار در زیورآلات، برخی در تزیین بناهای مذهبی، تاریخی و مهم، تعدادی در ساخت ظروف سنگی و ... به کار می‌روند (تصویر ۱۳ و ۱۴ و ۱۵).



تصویر ۱۴- مجسمه سنگی (شیر سنگی) ساخت، به روش تلفیقی



تصویر ۱۳- مشبک، نرده سنگی از جنس مرمر



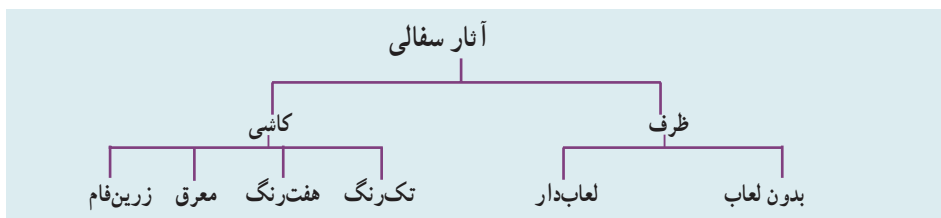
تصویر ۱۵- ظروف سنگی، ساخت به روش خراطی و تزیین به روش حکاکی روی سنگ

آثار سفالی

سفالگری را شاید بتوان یکی از قدیمی‌ترین روش‌هایی دانست که بشر توانسته به کمک آن نیازهای خود را تأمین سازد. براساس یافته‌های باستان‌شناسان به نظر می‌رسد زادگاه این هنر سرزمین ایران است و نمونه‌های اولیه بدست آمده متعلق به حدود ده هزار سال قبل است (تصویر ۱۶). به دنبال ساخت و تکمیل چرخ‌های سفالگری از حدود هزاره چهارم ق.م شاهد تحول دیگری در این حرفه و فن هستیم که در جهت تهیه لعاب و انواع تزئین ظروف نیز اقدامات جدی‌تری انجام پذیرفت (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۶- ظرف سفالی بدون لعاب، به شکل پرند



تصویر ۱۷- گونه‌ای از تقسیمات کلی آثار سفالی

به طور کلی در سفال از خاک رس با ترکیب‌های مختلف استفاده می‌شود. لعاب نیز که عامل اصلی بالا بردن مقاومت ظروف سفالین و زیباتر شدن آن است در انواع گوناگون شفاف، کدر و مات مورد استفاده قرار می‌گیرد. سفال در دوره پیش از اسلام همچنان روند تکاملی خود را به آهستگی طی کرد و در دوران اسلامی مورد توجه بیشتری (نسبت به فن فلزکاری) قرار گرفت و در مراکزی از جمله ری و نیشابور به تحولاتی شگرف دست یافت. در سده‌های پنجم و ششم هجری ظروف لعابی سفید رنگ، لعاب‌دار تک رنگ، ظروف با نقش قالبی، ظروف طلایی یا زیرین فام و ظروف مینایی ساخته شد. در سده‌های هفتم و هشتم هجری ساخت نوعی کاشی به نام کاشی معرق آغاز و زینت بخش اماکن متبرکه شد (تصویر ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱).



تصویر ۱۸- ریتون (تکوک) سفال لعاب‌دار به شکل مرغابی



تصویر ۲۱- کاسه سفالی مینایی و زرانود قالی - قرن ۶ و ۷ ه. ق - ری

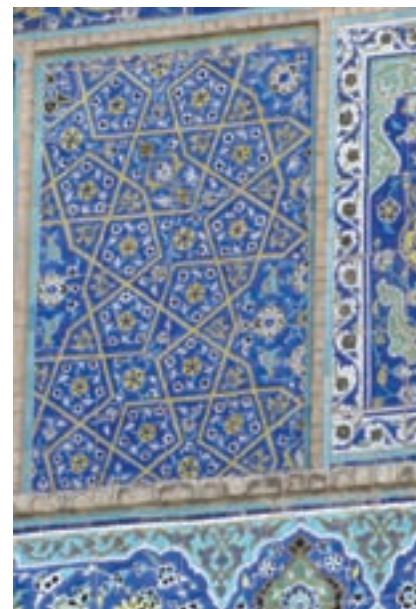


تصویر ۲۰- کاشی سفالی هشت‌گوش زیرین فام



تصویر ۱۹- سفال مشبک لعاب‌دار

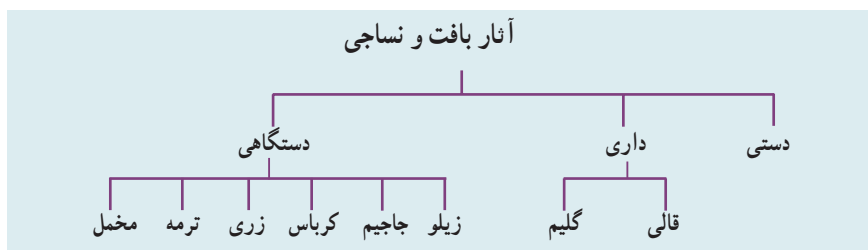
در دوره اسلامی به طور کلی علاوه بر ساخت انواع ظروف با لعاب‌های گوناگون، کاشی‌های مختلفی با نقوش مختلف از جمله درخت، گل، گیاه و جانوران و انواع خط کوفی رواج یافت. همچنین ساخت و استفاده از کاشی‌های هفت رنگ، معرق و بنایی نیز گسترش یافت که در تزیین بناهای مذهبی و تاریخی به کار گرفته شد. از حدود سده ۱۲هـ. به تدریج از رونق سفالگری کاسته شد اما امروزه با روش‌های نوین شاهد رواج و رونق سفالگری در بسیاری از مناطق ایران هستیم (تصویر ۲۲).



تصویر ۲۲- کاشی هفت رنگ، مسجد جامع اصفهان

آثار بافت و نساجی

سابقه دست‌بافی در ایران به هزاره‌های قبل از میلاد باز می‌گردد. نخستین نشانه‌ای که از وجود منسوجات در ایران موجود است در شوش به دست آمده است. آثار بافندگی به صورت انواع پارچه (مخمل دوزی، ترمه، کرباس، جاجیم و ...)، انواع فرش (قالی، گبه، گلیم، زیلو و نمد) و انواع حصیر بافته می‌شود. اجزای اصلی در بافت شامل تار و پود، گره یا پرز می‌باشد که به کمک ابزار و امکانات دیگر با یکدیگر درگیر شده و در هم بافته می‌شود و تنها نمد است که از هم تنیدن الیاف پشم به وجود می‌آید (تصویر ۲۳).



تصویر ۲۳- تقسیمات کلی آثار بافت و نساجی و مشهورترین آثار آنها

برخی از دست‌بافت‌ها به صورت داری و برخی دیگر به صورت دستی بافته می‌شوند. روش دستی مانند انواع پوشاک، کلاه، بالاپوش و پای پوش و ... است و روش داری مانند انواع قالی و گلیم است. همچنین گلیم دارای انواعی است که بسته به نوع پودگذاری آن گاهی به صورت یک رو و گاه به صورت دورو مشاهده می‌شود (تصویر ۲۴).



تصویر ۲۴- گلیم

قدیمی‌ترین قالی ایرانی شناخته شده به حدود ۲۵۰۰ سال پیش برمی‌گردد که به قالی پازیریک شهرت دارد. این قالی از نواحی جنوبی سیبری به دست آمده است. بنا به نظر هنرشناسان و نوع طرح‌ها و نقش‌های به کاررفته در این قالی، این بافته متعلق به دوره هخامنشی است و توسط شاهزادگان «سکایی» به فرمانروای پازیریک هدیه شده است. قالی پازیریک تا به امروز قدیمی‌ترین قالی شناخته شده در جهان است (تصویر ۲۵).



تصویر ۲۵- بخشی از قالی پازیریک

قالی در ایران در دوره پس از هخامنشیان نیز هم‌چنان از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار بوده است. از جمله فرش معروف به بهارستان که دارای پود ابریشمین بوده و به زر و سیم و انواع گوهرها نیز آراسته بوده و مربوط به دوران خسرو پرویز در دوره ساسانیان می‌باشد. پس از ظهور دین مبین اسلام، در کتاب‌ها و سفرنامه‌ها اشاره‌های بسیاری به قالی‌های گسترده در خانه‌ها شده است و در متون تاریخی از جمله تاریخ بیهقی مربوط به سده پنجم هجری نیز به صراحت از قالی نام برده شده است. در دوران صفویه طی سده‌های دهم و یازدهم هجری رونق و شکوفایی قالی ایرانی به اوج خود رسید و شاهکارهای بسیاری از این دوران از جمله قالی معروف به «اردبیلی» و «قالی شکارگاه» بر جای مانده است.

قالی معمولاً از روی نقشه بافته می‌شود. با بررسی آثار نگارگری سده‌های هفتم و هشتم تصویری از قالی دیده می‌شود که دارای نقش و رنگ بسیار فاخری هستند. طرح‌های قالی ایران به دلیل تنوع بسیار بالایی که دارند تقسیم‌بندی‌های گوناگونی نیز برای آنها ارائه شده است.

گاهی طرح‌های قالب‌های ایرانی را براساس ساختار کلی، گاهی براساس ویژگی‌های طرح یا نقش (شکسته و گردان) و گاهی نیز براساس موضوع نقش یا طرح تقسیم‌بندی می‌کنند. طرح لچک و ترنج، افشان، شکارگاه، محرمات، قابی، ماهی (ماهی درهم)، محرابی، هندسی، تابلویی (طرح بناهای مذهبی و تاریخی، شخصیت‌ها و ...)، تلفیقی و ... از مشهورترین آنها هستند (تصویر ۲۶ و ۲۷).



تصویر ۲۶- قالی با طرح لچک و ترنج و نقش‌های هندسی



تصویر ۲۷- قالی با طرح درختی، حیوانات و چهره اقوام مختلف

این تنوع باعث شده که امروزه برخی از کشورهایی که به تولید فرش دستباف مشغولند همواره از طرح قالی‌های ایرانی اقتباس می‌کنند.

بافندگی دستگاهی همواره با عبور دادن رشته‌های پود از لابه‌لای تار به روش‌های گوناگون همراه است. این بافندگی به سه شیوه ساده، پیچیده و تلفیقی انجام می‌شود. از نمونه روش‌های ساده بافندگی دستگاهی می‌توان به زیلو، جاجیم، کرباس، متقال و غیره اشاره کرد و از شیوه‌های پیچیده آن می‌توان به پارچه‌های زری، ترمه و مخمل اشاره کرد (تصویر ۲۸ و ۲۹ و ۳۰).



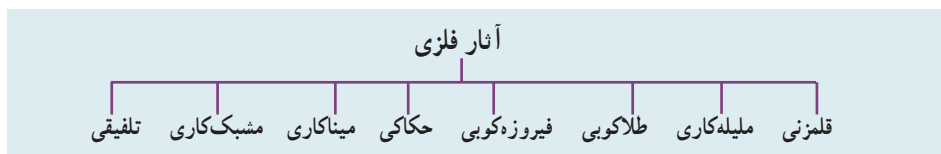
تصویر ۲۹- بخشی از پارچه مخمل (قدیمی) با طرح سوارکار تصویر ۳۰- پارچه ترمه یزد

تصویر ۲۸- جاجیم (بافته دستگاهی)

آثار فلزی

فلزکاری و هنرهای مرتبط با آن، از کهن‌ترین روزگاران تا دوران معاصر، آثار ارزشمندی را همچون مفرغینه‌های لرستان، زیورآلات و جام‌های هخامنشی، بشقاب‌های نفیس زرین و سیمین سامانی، آثار بی‌نظیر دوران اسلامی، مفرغ‌ها و مشبک‌کاری‌های بی‌همانند و ضریح‌های پر جلوه و با ابهت اماکن متبرکه را ارائه کرده است.

آثار فلزی براساس نوع ساخت آن‌ها به کوفتگری، ورقه‌ای، خمکاری و... تقسیم‌بندی می‌شود. همچنین تزیینات گوناگونی بر هریک از آنها انجام می‌شود که روش‌های مختلفی دارند. قلم‌زنی، طلاکوبی، ملیله‌کاری، فیروزه‌کوبی، حکاکی، قفل و یراق‌سازی، زیورآلات‌سازی، چاقوسازی، میناکاری و ساخت ضریح و درهای اماکن متبرکه از انواع هنرهای فلزی هستند که برخی از آنها روش ساخت و تزیین تلفیقی دارند مانند زیورآلات‌سازی ضریح و درب‌های اماکن متبرکه (تصویر ۳۱).



تصویر ۳۱- برخی از روش‌های تزیین آثار فلزی

نخستین اشیاء فلزی ساخته شده شامل اشیاء کوچک مسی چکش کاری شده‌ای است که به نیمه اول هزارهٔ چهارم ق.م تعلق دارد. شوش یکی از سرزمین‌های باستانی است که از آن آثار فلزی بسیاری چون ادوات و سلاح‌های مسی به دست آمده است.

در حدود ۲۵۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م عصر مفرغ آغاز می‌شود. از آثار این دوره در ناحیه حسنلو واقع در شمال غرب ایران نمونه‌های فراوانی به دست آمده است. همچنین آثار و اشیاء مفرغی بسیاری از جمله لگام اسب، تبر، سرنیزه، روکش تیردان، بخوردان و... از لرستان به دست آمده که متعلق به هزاره اول پیش از میلاد است. این اشیاء دارای تزییناتی با نقش حیوانات افسانه‌ای، نقش تلفیقی انسان و حیوان هستند که هم‌اکنون زینت بخش موزه‌های داخلی و خارجی است. در هزاره اول ق.م آثار فلزی دارای اعتبار خاصی بوده که می‌توان به آثار ارزشمند مارلیک اشاره کرد (تصویر ۳۲).

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های فلزکاری در دوران هخامنشی ظرفی زرین با یک جفت دسته به شکل بز کوهی بال‌دار است که از آثار برجسته و با ارزش فلزی دوران هخامنشی به شمار می‌رود (تصویر ۳۳). همچنین جام‌های زیبای موسوم به تکوک (ریتون^۱) است (تصویر ۳۴). از دیگر کاربردهای فلز ضرب سکه است که از دوران هخامنشی رواج داشته و در روند تاریخی دچار تحولات بسیاری شده است. همچنین ساخت زیورآلات همواره از اهمیت خاصی برخوردار است که حداقل از هزاره دوم پیش از میلاد در ایران مرسوم بوده که به صورت استفاده از فلزات گرانبها و سنگ‌های قیمتی به کار برده می‌شد. در تکامل این هنر به هنر ملیله‌کاری نیز بایستی اشاره کرد که قدمت آن هم به احتمال به دوره ماد و هخامنشی برمی‌گردد که از مفتول‌های طلایی و نقره‌ای استفاده می‌کردند (تصویر ۳۵ و ۳۶).



تصویر ۳۲— لگام مفرغی لرستان



تصویر ۳۳— ظرف با دسته بال‌دار هخامنشی



تصویر ۳۵— سکه‌های فلزی، هخامنشی



تصویر ۳۴— تکوک، نقره‌ای طلاکوب، هخامنشی



تصویر ۳۶— گردنبند ساخته شده از مفتول‌های زرین

۱- Rhyton ریتون یا تکوک به آن دسته جام‌هایی گفته می‌شود که شکل حیوانی یا انسانی یا شاخی دارند.

همان گونه که اشاره شد ساخت ظروف از فلزات قیمتی در دوره هخامنشیان و ساسانیان پیشرفت زیادی داشته است. از معروف ترین ظروف فلزی دوره ساسانی می توان به «جام خسرو» اشاره کرد.

با ظهور اسلام تا مدت ها مفرغ (برنز) جانشین طلا و نقره شد و فلزکاران با بهره گیری از این آلیاژ به ساخت ظروفی از قبیل سینی، ابرق و آبخوری به اشکال جانوری و پرندگان ادامه دادند. با به قدرت رسیدن سلجوقیان در شرق ایران دوران درخشان فلزکاری اسلامی آغاز می شود. در این دوره اکثر ظروف نقره ای (به ویژه ساخته شده در سده های پنجم و ششم هجری) از ارزش های خاصی برخوردار است. همچنین میناکاری نیز در این دوره مرسوم می شود. همراه با آثار مفرغی آثار نفیسی پدید می آید. فلزکاران ایرانی در ساخت مشبک کاری و ظروف مشبک نیز به مراتب بالایی دست یافتند و با مهارت ظروفی نظیر شمعدان و عودسوز ساختند که به شکل حیوانات و پرندگان ساخته شده است. مفرغ کاری با ترصیع نقره و مس نیز در قرن های پنجم و ششم هجری از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار شد و فلزکاران ترصیع اشیاء مفرغی را با سایر فلزات تکمیل کردند (تصویر ۳۷ و ۳۸).

مرصع کاری اشیاء برنجی و مفرغی در دوره صفویه رونق مجدد می گیرد و ظروف مسی اغلب سفیدگری می شود تا به شکل نقره جلوه کند، ضمن آنکه آهن و فولاد نیز در ساخت اشیاء فلزی و تزیین آنها نیز به کار می رفت. فلزکاران دوره صفویه در استفاده و کاربرد آهن و فولاد مهارت بسیار پیدا کردند و آثار بسیار عالی از جمله کمر بند، لوحه و نشان ساختند.

در پایان دوره صفویه به بعد به تدریج شاهد از رونق افتادن فلزکاری در ایران هستیم، به گونه ای که آثار فلزی دوره های افشاریه، زندیه و قاجار به هیچ وجه قابل مقایسه با آثار ارزشمند آثار فلزی از سده پنجم تا یازدهم میلادی نیست. از نمونه های جالب و قابل ذکر دوره قاجاریه آثار قلمزنی شده متعددی است که بر درهای امامزاده ها و دیگر اماکن مقدس ساخته و پرداخته شده است. مهم ترین جلوه اشیاء قلم زنی شده در این دوران در نقش های غیراسلمی مانند گل های درهم پیچیده با تصاویر پرندگان و حیوانات، نقش گل ها و تاک های درهم پیچیده و مشبک کاری شده است (تصویر ۳۷). همچنین از سده دوازدهم به بعد آثار میناکاری شده و ملیله وجود دارد که نمونه های مناسب و جالب توجهی هستند (تصویر ۳۹).

امروزه با احیای روش و اسلوب های فلزکاری گام نوینی در احیاء و حفظ شیوه های کهن برداشته شده که آن هم به همت استادان بزرگ این عرصه در روزگار ماست (تصویر ۴۰).



تصویر ۳۷- کوبه مشبک و طلاکوب، درب مسجد جویی و منبت کاری شده



تصویر ۳۸- سینی قلم زنی شده با طرح خیالی سنه مُرو (سرخس، بال پرنده، پنجه شیر و دم طاووس)



تصویر ۴۰- تنگ ملیله کاری، نقره ای، معاصر



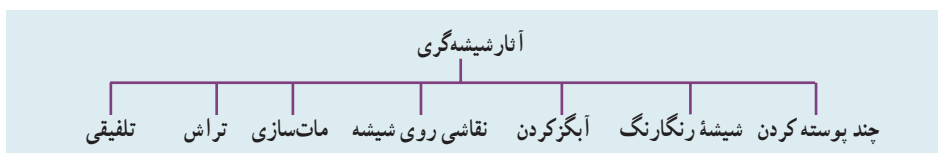
تصویر ۳۹- میناکاری، کاسه و بشقاب برنجی

آثار شیشه‌گری

کشف ظرف شیشه‌ای به رنگ زرد صدفی با تزیینی شبیه به خطوط شکسته موج‌دار در یکی از گورستان‌های منطقه تاریخی لرستان و گردنبندی شیشه‌ای با دانه‌های آبی رنگ متعلق به هزاره سوم در مناطق باستانی شمال غربی ایران و دیگر قطعات شیشه‌ای مایل به سبز در کاوش‌های باستانی لرستان، شوش، حسنلو، شهر سوخته و آثار متعلق به هزاره‌های سوم و دوم پیش از میلاد نشانگر قدرت این صنعت ارزنده و هنر اصیل در کشور ماست. همچنین وجود جام‌های بلورین و دکمه‌های ظریف شیشه‌ای دوره هخامنشی که با روش‌های دمیدنی و قالبی در این دوران ساخته و به گونه‌ای هنرمندانه تراش داده شده‌اند، همگی حاکی از اعتبار و رونق شیشه‌گری قبل از ظهور اسلام در ایران است (تصویر ۴۱).



تصویر ۴۲—جام شیشه‌ای دوپسته، تراش داده شده



تصویر ۴۱—برخی از رایج‌ترین تزیینات در شیشه‌گری

هرچند که از شیشه‌گری دوره اسلامی اطلاع چندانی وجود ندارد اما آثار پراکنده‌ای که از مناطق شوش، ری، ساوه و نیشابور به دست آمده نشان می‌دهد که در این دوره ظروف گوناگون شیشه‌ای مانند بطری، عطردان، قوری، گلدان و فنجان ساخته شده است (تصویر ۴۲).

سده‌های پنجم و ششم هجری اوج صنعت شیشه‌گری در دوره اسلامی ایران است و هنرمندان توانستند با مددگیری از شیوه‌های جدید و با استفاده از طرح‌ها و قالب‌های گوناگون ابداعاتی در ظروف نقش برجسته پدید آورند و به کمک روش‌های تزیینی حک و تراش به غنای کار خود بپردازند. از همین زمان به بعد شیوه نقاشی روی شیشه نیز با رنگ‌های متنوع با طرح‌های گل‌های تزیینی، اشکال جانوری و به کارگیری اشعار و آیات قرآنی عامل مکمل در فرایند تولید متنوع آثار شیشه‌گری ایرانی شد.

در دوره صفویه نیز ظروف مختلف شیشه‌ای در مناطق مختلف ایران از جمله شیراز، گرگان و اصفهان و دیگر مناطق تولید و از ارزش خاصی برخوردار شدند. در حال حاضر نیز شیشه دست‌ساز ایران نیز در زمره یکی از اقلام صادراتی صنایع دستی است که با دیگر کشورها قابل رقابت است. معمولاً مواد اصلی شیشه‌گری سنگ سیلیس، سنگ آهک و دیگر مواد افزودنی و کانی‌های فلزی است که باعث تولید انواع شیشه با رنگ‌های متفاوت می‌شود (تصویر ۴۳ و ۴۴).



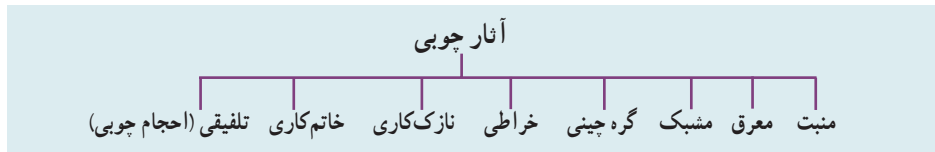
تصویر ۴۴—پارچ و لیوان، تلفیق شیشه و فلز

تصویر ۴۳—لیوان ترک‌دار—لیوان دو رنگ با تزیینات برجسته—لیوان مات

با تزیینات برجسته و لیوان دورنگ با تزیینات برجسته

آثار چوبی

آثار چوبی در هنر ایران از اهمیت خاصی برخوردار است اما به دلیل آسیب پذیری چوب، نمونه‌های اندکی در دوران تاریخی به جای مانده است. این هنر به لحاظ اهمیت و زیبایی خاص خود به روش‌های مختلفی امروزه به کار می‌رود که می‌توان به خراطی، منبت کاری، مشبک کاری، گره چینی، معرق کاری، نازک کاری، خاتم کاری و احجام چوبی و غیره اشاره کرد (تصویر ۴۵).



تصویر ۴۵- برخی از رایج‌ترین انواع آثار هنری چوبی



تصویر ۴۶- بخشی از یک تابلوی منبت

از مهم‌ترین روش‌های هنر چوب منبت کاری است که در آن گاهی تنها خطوط طرح‌ها و نقوش و گاهی زمینه را با ابزاری خاص (مُغار) می‌تراشند و به شکل نیم برجسته، برجسته و تمام برجسته ساخته و پرداخته می‌شود.

براساس منابع موجود منبت کاری، قدمتی بیش از ۱۵۰۰ سال دارد و قدیمی‌ترین اثر موجود به نیمه اول سده سوم هجری قمری باز می‌گردد که شامل لنگه دری چوبی متعلق به مسجد جامع عتیق شیراز است که دارای زیرسازی از چوب سپیدار است و روی آن با ترکیه‌هایی از چوب گردو و نقوش پنج ضلعی بسیار زیبایی زینت شده است. نمونه دیگر سر در منبت کاری شده متعلق به سده چهارم است که با ظرافت کامل، خطوط کوفی با عمق سه سانتیمتر کنده کاری شده است. این هنر در دوره صفویه در سده یازدهم به اوج و شکوفایی می‌رسد و در درهای مساجد متعددی به کار می‌رود. در حال حاضر هم این هنر در بسیاری از شهرهای ایران به کار می‌رود و آثار ارزشمندی را مشاهده می‌کنیم (تصویر ۴۷ و ۴۶).



تصویر ۴۷- گره چینی توپر، بخشی از یک درب چوبی

از دیگر روش‌های هنر چوب گره چینی است که با برش زهوارها و قطعات مختلف چوبی و درگیر کردن آنها مطابق طرح‌های سنتی و هندسی، نقوش یکپارچه مشبکی پدید می‌آید. گره چینی براساس نوع طرح و اجرا به انواع گوناگون توخالی، مشبک و توپر تقسیم می‌شود (تصویر ۴۷). شیوه دیگر هنر چوب، معرق کاری است که با بریدن و کنار هم چسباندن قطعات چوب و دیگر مواد (فلز و صدف) برای ایجاد پوشش‌های تزئینی براساس طرح‌ها و نقوش متنوع ایجاد می‌شود (تصویر ۴۸).

هنر خاتم کاری نیز با آراستن سطح اشیاء چوبی به صورتی شبیه به موزائیک با مثلث‌های کوچک سه پهلوی، یا دو پهلوی با چوب، استخوان یا فلز ساخته می‌شود. قدیمی‌ترین نمونه خاتم سازی به دست آمده متعلق به دوره صفویه است (تصویر ۴۹).



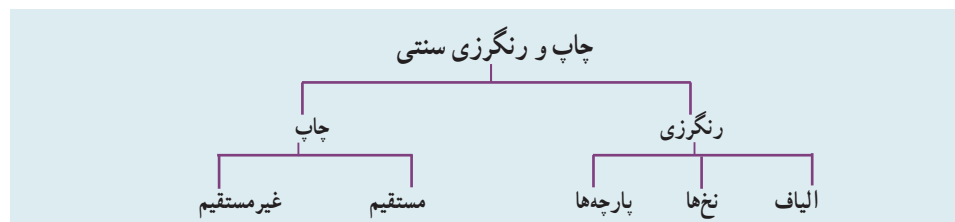
تصویر ۴۹- میز خاتم کاری شده، معاصر



تصویر ۴۸- معرق کاری

آثار چاپ و رنگری سنتی

به نظر می‌رسد روش‌های رنگری سنتی با استفاده از مواد رنگ‌زای طبیعی هم‌زمان با شکل‌گیری فن نساجی و بافت در ایران سابقه تاریخی دارد در رنگری سنتی گاهی الیاف تاییده نشده، گاه نخ‌های تاییده شده پنبه‌ای، پشمی و ابریشمی را رنگ‌آمیزی می‌کنند و گاهی پارچه‌های بافته شده رنگری می‌شوند. از نخ‌های رنگ‌آمیزی شده برای بافت انواع قالی، گلیم و پارچه‌های سنتی استفاده می‌کنند و از پارچه‌های رنگ شده نیز برای چاپ سنتی و یا دوخت انواع پوشاک بهره می‌گیرند (تصویر ۵۰ و ۵۱). روش‌های چاپ نیز در صنعت نساجی در ادوار تاریخی پیشینه کهن دارند. اما آنچه امروزه به یادگار مانده روشی است که هر نقشی به وسیله قالب، قلم مو، موم و رنگ‌های مختلف روی انواع پارچه قابل انتقال است. در چاپ سنتی که به دو روش مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌شود می‌توان مقدار زیادی از پارچه را در مدت کوتاهی نقش اندازی و رنگ گذاری کرد. در چاپ مستقیم نقوش به وسیله قالب یا شابلون و رنگ‌ها به شکل مستقیم روی پارچه منتقل می‌شود (مانند پارچه قلمکار) و چاپ غیرمستقیم نقش اندازی در دو مرحله انجام می‌شود که به دو شیوه چاپ برداشت و مقاوم (باتیک) رایج است.



تصویر ۵۰- زیرمجموعه چاپ رنگری سنتی



تصویر ۵۲- چاپ باتیک (کلاقه‌ای)



تصویر ۵۱- نخ‌های پشمی رنگری شده

چاپ قلمکار نوعی چاپ و رنگ‌گذاری مستقیم است که طرح و نقش با قالب چوبی آغشته به رنگ روی پارچه‌های کتان و پنبه‌ای مرغوب، ابریشمی یا کرباس منتقل می‌شود و چاپ کلاقه‌ای یا باتیک نوعی چاپ مقاوم در کشورهای جنوب شرق آسیاست که در ایران هم متداول شده است (تصویر ۵۲، ۵۳، ۵۴).



تصویر ۵۳- چاپ قلمکار بر پارچه پنبه‌ای متقال



تصویر ۵۴- نمونه‌ای از قالب چوبی برای چاپ قلمکار

آثار رودوزی سنتی

این مجموعه هنر شامل انواع رودوزی‌هایی مثل سوزن‌دوزی بلوچ، پته‌دوزی، گلابتون‌دوزی، پولک‌دوزی، و ... است. که مجموعه گسترده‌ای از آنها را در مناطق مختلف ایران به خود اختصاص داده و از تنوع چشمگیری نیز برخوردارند (تصویر ۵۵ و ۵۶). در برخی از رودوزی‌ها با نخ‌های رنگارنگ ابریشمی، پنبه‌ای و یا پشمی با دوخت‌های مختلف، نقش‌های زیبایی را بر پارچه‌ها به‌وجود می‌آورند. نقش‌ها و طرح‌ها در برخی دیگر از رودوزی‌های سنتی با آرایه‌هایی مانند پولک،



تصویر ۵۵- پته‌دوزی - رودوزی سنتی کرمان



تصویر ۵۶- سکه‌دوزی و چشمه‌دوزی - رودوزی سنتی

دکمه، منجوق، آینه، سکه و ... دوخته می‌شوند (تصویر ۵۷).

صنایع دستی ایران دارای تنوع بسیاری است که انواع مختلف آنها را در تولیدات شهری، روستایی، عشایری و سنتی می‌بینیم که هر کدام به فراخور نوع کاربرد و نیاز منطقه خاص حالتی بومی نیز به خود گرفته است. برخی از آنها نیز در زیر مجموعه طبقه‌بندی‌های ذکر شده به عنوان تلفیقی قرار دارند که شامل صحافی و جلدسازی، کاغذسازی، سازسازی، میناکاری، قلمدان سازی و غیره نیز می‌شود.

در ادامه به دو دسته از آثار ارزشمند صنایع دستی که در مواد اولیه و روش ساخت تلفیقی هستند اشاره می‌شود.

جلدسازی

ارزش کار خطاط و تذهیب کار در کتابت با عمل صحافی و جلدسازی تکمیل می‌شود. ابداع لبه برگردان (زبان) پشت جلد جهت حفاظت کتاب از گرد و خاک یکی از بزرگ‌ترین خدمات صحافان مسلمان است. در جلدسازی اسلامی تزئین منحصر به جلد خارجی کتاب نیست بلکه آستر (بخش داخلی جلد) نیز اغلب تزئین و نقاشی می‌شود.

انواع جلد را اغلب از چرم می‌ساختند. از انواع چرم‌های به کار رفته در هنر تجلید می‌توان به تیماج (چرم بز)، میشن (چرم گوسفندی)، شبرو (چرم گوساله) و ساغری^۱ (چرم گرده کره الاغ) اشاره کرد. از انواع جلد‌های چرمی، جلد‌های «سوخت» و «ضربی» کاربرد بیشتری داشته‌اند. در هر دو نوع جلد، چرم را میان دو قالب فلزی منقوش تحت فشار قرار می‌دهند (ولی در نوع سوخت قالب‌ها حرارت دیده و داغ شده‌اند)، سپس نقش را با طلاکاری می‌پوشانند. گاه نقوش کوچک را از چرم‌های رنگارنگ بریده و روی متنی دیگر قرار می‌دهند و (اغلب نقش لچک ترنج دارد) این شیوه «معرق چرم» نامیده می‌شود. «جلدهای روغنی» (لاکی) متفاوت است. در این شیوه پس از نقاشی رنگ روغن روی مقوا، آن را با روغن کمان (نوعی ورنی) می‌پوشانند (تصویر ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱).



تصویر ۵۷— آرایه‌دوزی با دکمه و خرمهره آبی‌رنگ



تصویر ۵۹— جلد لاک‌ی و روغنی با طرح گل و مرغ



تصویر ۵۸— جلد معرق سوخت — روی جلد پشت جلد و زبان

۱- جلد ساغری معمولاً برای کتاب‌های دینی استفاده نمی‌شود. کاربرد این جلد بیشتر برای دیوان اشعار و کتاب‌های متفرقه است.

کاغذسازی

پیش از ابداع کاغذ معمولاً از پاپیروس مصری و پوست دباغی شده برای نگارش اسناد و تدوین کتاب‌ها استفاده می‌شد. عده‌ای از محققین واژه کاغذ را برگرفته از واژه سانسکریت «کاذی»، دانسته‌اند. در سال ۱۰۵ قبل از میلاد، کاغذ توسط یک مقام عالی رتبه دربار امپراطوری چین تکمیل یا ابداع شد. مواد اولیه آن از الیاف درخت توت، جوانه خیزران، رشته‌های پارچه ابریشم یا پنبه و کتاب بود.

در ایران از دوره ساسانی کاغذ وارداتی چین در دربار استفاده می‌شد ولی بعد از اسلام در اوایل قرن دوم هجری فن کاغذسازی در ناحیه خراسان وارد جهان اسلام می‌شود و با مهارت هنرمندان و صنعتگران ایرانی در تمامی گستره جهان اسلام توسعه یافت. نخستین کارخانه‌های کاغذسازی دنیای اسلام در سمرقند، خراسان و سپس بغداد آغاز به کار کرد و تا قرن چهارم هجری در تمام شهرهای معتبر ایران و حدود قرن پنجم هجری در اسپانیا کاغذ تولید شد. ولی خراسان و سمرقند همچنان به عنوان مهم‌ترین مرکز تولید کاغذ اعتبار خود را حفظ کردند. ایرانیان در کاغذسازی خلاقیت‌های بسیاری داشتند به طوری که از چای، پوست پیاز، جوهر گردو، زعفران و ... برای رنگ آمیزی کاغذ استفاده می‌کردند. کاغذ ابری هم گونه‌ای از کاغذ هنری و از ابداعات ایرانیان بود که بیشتر برای آستر جلد کتاب یا قطعات خوشنویسی از آن استفاده می‌کردند. گاهی برای سهولت کتابت و روانی قلم کاغذ را آهار^۱ و مهره^۲ می‌زدند (تصویر ۶۱).

از کاغذهای مشهور می‌توان به کاغذ خراسانی، سمرقندی، اصفهانی و ابریشمی اشاره کرد (تصویر ۶۲).



تصویر ۶۰- قالب سنگی جلد‌های ضربی



تصویر ۶۱- دیوان حافظ خط شکسته نستعلیق
- کتابت بر کاغذ خانبالغ - حاشیه کاغذ اصفهانی
آهار مهره - دارای پیشانی مذهب - کتابخانه کاخ گلستان - تهران



تصویر ۶۲- عقدنامه با تذهیب و به خط نستعلیق، کتابت بر کاغذ آهار مهره شده

۱- آهار در انواع سرد و گرم استفاده می‌شد. آهار گرم مانند لعاب نشاسته، سریش و کتیرا و ... آهار سرد مانند شیر انگور، اسپرزه،

لعاب گل ختمی و ...

۲- مهره کشی: کاغذ را با سنگ صیقلی یا بلوری مهره می‌زدند تا پزهای کاغذ کاملاً یک دست و صیقلی شود.

پرسش

- ۱- صنایع دستی از نظر مواد اولیه طبقه‌بندی است؟
- ۲- انواع آثار طراحی و نقاشی سنتی را نام ببرید.
- ۳- در چه کتاب‌هایی بیشتر به نگارگری پرداخته شده است؟
- ۴- تذهیب را توضیح دهید.
- ۵- تفاوت تذهیب و تشعیر در چیست؟
- ۶- خیالی سازی را توضیح دهید.
- ۷- چگونگی پیدایش سفالگری را در ایران توضیح دهید.
- ۸- قدیمی‌ترین قالی ایرانی را معرفی کنید و شرح دهید.
- ۹- از انواع طرح‌های قالی چند نمونه را نام ببرید.
- ۱۰- ظهور اسلام چه تأثیری بر فلزکاری ایران گذاشت؟
- ۱۱- تاریخچه پیدایش شیشه را بنویسید.
- ۱۲- از انواع آثار چوبی چند نمونه نام ببرید.
- ۱۳- دو روش چاپ دستی را توضیح دهید.
- ۱۴- از انواع جلدها چند نمونه را نام ببرید و یکی را توضیح دهید.
- ۱۵- از خلایق‌های ایرانیان در حرفه کاغذسازی یک نمونه را بنویسید.

جست‌وجو کنید

– صنایع دستی شهر یا استان خودتان را شناسایی کنید. نمونه یا تصاویر آن را جست‌وجو کنید و آنها را در کلاس به نمایش گذاشته و درباره آن مختصری توضیح دهد.

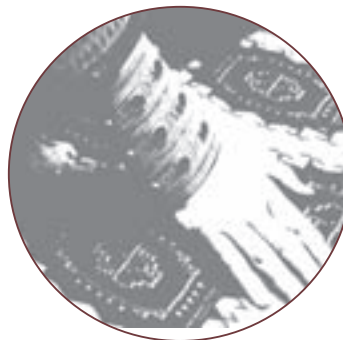
فصل هفتم

پوشاک و زیورآلات





پوشاک و زیورآلات



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود:

- ۱- عوامل مؤثر در شکل‌گیری پوشاک را بداند.
- ۲- پیشینه پارچه‌بافی را در ایران بیان کند.
- ۳- پوشاک ایران باستان را در طول تاریخ توضیح دهد.
- ۴- پوشاک ایرانی را در دوره اسلامی شرح دهد.
- ۵- پوشاک اقوام امروزی مردم ایران را بیان کند.
- ۶- زیورآلات مردم ایران را در طول تاریخ و در اقوام امروزی ذکر کند.
- ۷- تأثیرات فرهنگی در پوشاک را بداند.

پوشاک و زیورآلات

پوشاک از نیازهای اولیه و اساسی بشر محسوب می‌شود و یکی از بارزترین نمونه‌های فرهنگ در جامعه است. به همین دلیل است که باید با گذشته پوشاک سرزمین خود آشنا باشیم تا ضمن بررسی سیر تحول فرهنگی با سلیقه و زیبایی‌شناسی، اعتقادات و طبقات اجتماعی و اصالت پیشینیان خود آشنا شویم.

عوامل مؤثر بر پوشاک در جوامع مختلف عبارتند از:

- ۱- شرایط جغرافیایی، محیطی و آب و هوا
- ۲- نحوه زندگی و نوع اسکان و اوضاع داخلی اجتماع
- ۳- اعتقادات مذهبی، آداب و رسوم اجتماعی

۴- نظام طبقاتی حاکم بر جامعه، مشاغل و وظایف وابسته به آن

۵- روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یا جنگ با سرزمین‌های دیگر

۶- شرایط اقتصادی و پیشرفت‌های تکنولوژی

پوشاک ایرانی از دوران باستان اهمیت داشته و در شرع مقدس اسلام نیز بر آن تأکید بسیار شده است. پوشش ایرانی از ابتدای تاریخ باستانی تاکنون دستخوش تحولات جدی نشده و مفهوم آن از زمان باستان در فرهنگ ایرانی حفظ شده است. لازم است قبل از بررسی پوشاک به پارچه‌بافی بپردازیم. زیرا خلاقیت در پارچه‌بافی بر پوشاک نیز مؤثر است.

پارچه‌بافی

در ابزار باقیمانده سنگی و گلی از هزاره ششم قبل از میلاد در فلات ایران تعدادی دوک نخ‌ریسی دیده می‌شود و همچنین کشف قطعاتی از نخستین پارچه‌ها در شوش و بعدها در شهر سوخته، مارلیک، حسنلو و ... بیانگر این است که فلات ایران خیلی زودتر از نقاط دیگر دنیا به نساجی پرداخته است.

با مطالعه اشیایی مانند دسته چاقوی استخوانی از سیلک کاشان و ظروف سنگی متنوعی از جیرفت و جام زرین حسنلو شاهد دامن‌های لنگی پارچه‌ای هستیم (تصویر ۱). در ضمن نقوش روی مهرهای شوش و همچنین نقش برجسته زن اشرافی (تصویر ۲)، ریسندگی و بافندگی در فلات ایران را نشان می‌دهد. در طول کاوش‌های باستان‌شناسی در شهر سوخته، سوزن نیز به دست آمده است.

کشفیات باستان‌شناسی از نفوذ پارچه‌های بافت ایران در یونان باستان، روم غربی و همسایه‌های شرقی حکایت می‌کند. با تکیه بر چنین اسنادی می‌توان گفت بافتن پارچه از ایران آغاز شده و در طول تاریخ تا دوره صفوی از مهم‌ترین فرآورده‌های صادراتی ایران بوده است. انواع پارچه‌های کتان، پنبه و ابریشم باقی‌مانده از دوره‌ها دارای نقش‌هایی است که به علت مرغوبیت و ظرافت در کشورهای دیگر خریداران بسیاری داشته است. نقش زدن بر پارچه و گلدوزی نیز مرسوم بود. پارچه‌های رنگارنگ نقش‌دار پارس‌ها که بر تن سربازان جاویدان نقش شده و بر آجرهای لعاب‌دار کاخ آپادانای شوش قابل مشاهده است (تصویر ۳)، نمونه دیگری از خلاقیت ایرانیان است. در نقوش تابوت سنگی اسکندر هم (که در موزه استامبول نگهداری می‌شود) ایرانیان شلواری با پارچه‌های زیبا پوشیده‌اند که طرح‌دار هستند. برخی پارچه‌های ایرانی که ویژه اسقف‌ها تهیه می‌شد، هنوز هم در گنجینه‌های کلیساهای اروپا نگهداری می‌شود.

با آنکه بافت ابریشم از چین آغاز شد اما پارچه‌های ابریشم ایرانی در دوره ساسانی به چنان کیفیت و ظرافتی رسیده بود که حتی به چین هم صادر می‌کردند. نقش سیمرخ و یا سرگراز محدود شده در دوائر دور مروارید ریشه در اعتقادات مذهبی ساسانیان دارد. نقش دایره در دوره پارتی و ساسانی دارای رمز و نیرومندی بوده است. مرغوبیت بافته‌های ابریشمی، زربفت، کتانی، پشمی،



تصویر ۱- ظروف سنگی جیرفت کرمان
- هزاره پنجم تا سوم ق.م



تصویر ۲- زن اشرافی در حال ریسندگی - نقش
برجسته - شوش



تصویر ۳- آجرهای رنگی لعاب‌دار با نقش برجسته کمان‌داران
سپاه جاویدان - کشف از آپادانای شوش - موزه برلین آلمان

پنبه‌ای نشانگر توجه خاص پادشاهان به این صنعت است (تصویر ۴).

در دوره‌های بعد از اسلام، ابتدا پارچه‌ها در نوع جنس و بافت و حتی طرح، مشابه پارچه‌های ساسانی است، با این تفاوت که گاهی از خط نوشته هم در حاشیه پارچه استفاده کرده‌اند (تصویر ۵). در دوره‌های اولیه اسلامی پارچه‌های زربافت و ابریشم ایران همچنان مشهور بود. حمله ترکان سلجوقی به ایران در صنعت نساجی تأثیر فراوان داشت و نقش‌ها تغییرات زیادی کرد. نقش‌های ازدها و حیوانات افسانه‌ای و ابرهای چینی وارد هنر پارچه‌بافی ایران شد.

در دوره صفویه پارچه‌بافی از نفوذ نقش‌های چینی رها شد و ابداعاتی در صنعت پارچه‌بافی به وجود آمد. پارچه چندلایی^۱ و مخمل^۲ با نقش انسانی و داستانی از نمونه‌های آن است. نمونه‌هایی از پارچه‌های زربافت، ابریشم، مخمل، ترمه^۳ و دیبا و... به کشورهای دیگر صادر می‌شد. در دوران پس از آن به علت گسترش روابط تجاری با غرب هنر نساجی از رونق افتاد و امروزه تنها در یزد و کاشان شمار اندکی پارچه‌بافی به شیوه سنتی وجود دارد. از این رو عدم حمایت از نساجی سنتی، این هنر را به فراموشی می‌کشاند (تصویر ۶).



تصویر ۴- پارچه زربافت ساسانی - نقش در میان دایره‌های دور مرواریدی



تصویر ۶- یزد - پوش حسینی بیت العباس



تصویر ۵- نمونه‌ای از پارچه دوران ساسانی

پوشاک در تاریخ دوره‌های باستان

اگرچه هدف از پوشیدن لباس برای جلوگیری از سرما، تابش آفتاب یا به منظور پوشش بدن است اما در برخی فرهنگ‌ها، انتخاب رنگ و نقش پارچه و تزئین آن معرف پیامی از باورها، آداب و سنن و خاستگاه قومی آنهاست.

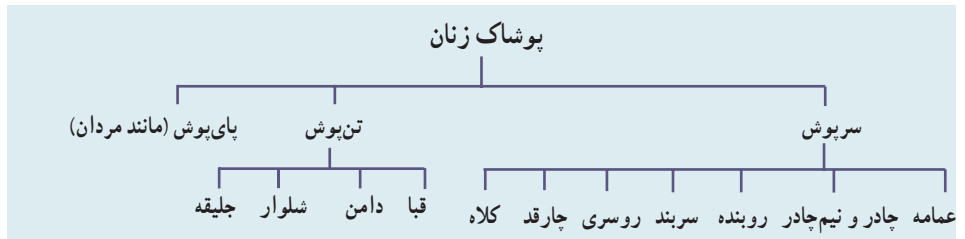
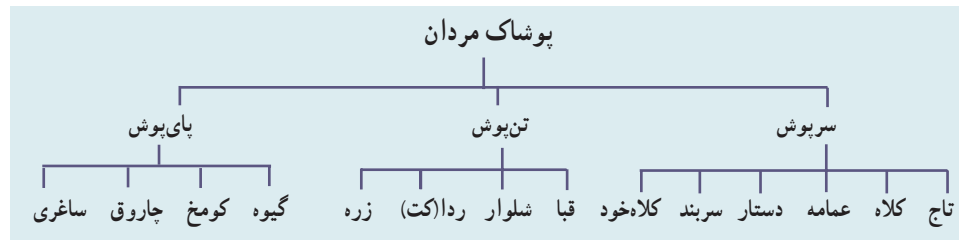
تداخل وابستگی‌های قومی و باورها در شکل‌گیری پوشاک و زیورآلات و آرایش آنها در تمام دوره‌های تاریخی و در میان اقوام گوناگون ایرانی به خوبی قابل فهمیدن است. تغییرات آن روند

۱- ادغام چند نوع بافت با چند جنس مختلف مانند حریر و مخمل

۲- دارای تار و بود و پرز

۳- با کرک بز یا پشم‌های لطیف و حتی ابریشم بافته می‌شود و نقش عمده آن بته جقه است.

تدریجی دارند و اسلوب کلی آن در همه دوره‌ها محفوظ مانده و به خوبی شناخته می‌شود. با توجه به این نکات به بررسی پوشاک مردان و زنان و زیورآلات در دوره‌های مختلف تاریخی می‌پردازیم.

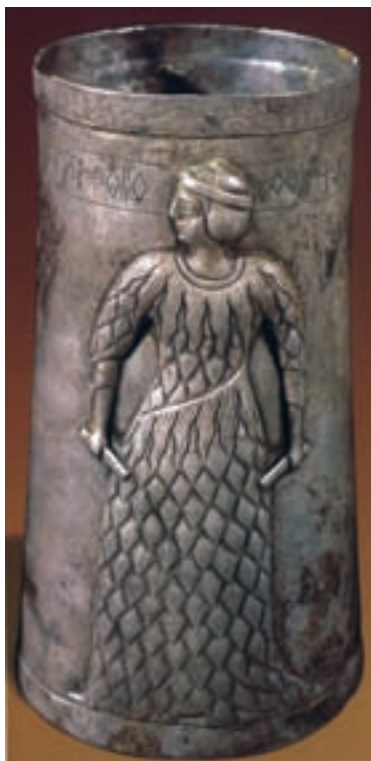


پوشاک ایران باستان

پوشاک، به استناد آثار و شواهد باقی مانده از دوره‌های باستان می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد. این شواهد معمولاً به پوشاک درباری و نظامی محدود می‌شود و از طبقات مردمی آثار کمتری به جای مانده است.

از میان آثار دوره‌های باستان، جام سیمین قلم‌زنی شده‌ای از دوره ایلامی، ملکه‌ای را با پیراهن بلند با آستین و سربندی روی موها نشان می‌دهد. پیراهن بر روی یقه و بالاتنه با شرابهایی تزیین شده است (تصویر ۷).

اقوام ماد به علت زندگی در مناطق کوهستانی به پوشیدن پوشاک مناسب با جغرافیای محل روی می‌آوردند که برای سوارکاری هم مناسب بود. مردان قبای کوتاه جلویسته با آستین تنگ و یقه ساده می‌پوشیدند و شلوار تنگ و رکاب‌دار با تزیینات قلاب‌دوزی به پا می‌کردند. کمر بند چرمی بر کمر می‌بستند و کلاه گرد نم‌دی به نام «تیار» بر سر می‌گذاشتند، که تا امروز نیز در میان برخی اقوام استفاده می‌شود. کفش چرمی یک تکه‌ای را مانند جوراب به پای می‌کشیدند و در زمستان چکمه‌های ساق بلندی به پا می‌کردند. (تصاویر ۸ و ۹).



تصویر ۷- جام سیمین قلم‌زنی - اِنشان فارس - دوره ایلامی کهن



تصویر ۹- گیوه - پای‌پوش عشایری



تصویر ۸- چکمه مادی - پای‌پوش دوران ماد

پوشاک مادها و پارس‌ها، در بسیاری از موارد یکسان است. اما برخی از صاحب‌منصبان پیراهن بلند و گشاد رنگارنگ با شلواری در زیر آن^۱ می‌پوشیدند که با آب و هوای خشک سازگاری داشت و پیراهن زنان پارس بلند و آستین‌دار بود. زنان نیم‌چادری نیز بر روی سرداشتند (تصاویر ۱۰ و ۱۱). پوشاک اقوام پارتی تا حدی شبیه مادها بوده و در واقع پیشینه پوشاک امروزی است. آنها در حین سوارکاری یا جنگ برای محافظت از پاها، دو ساق‌بند گشاد چرمی به نام «رانپوش» روی شلوار می‌پوشیدند که در دوره‌های دیگر مشاهده نمی‌شود. پوشاک زنان پارتی شامل پیراهنی بلند و آستین دار و چادری همراه عمامه بود که در تندیس‌های سنگی آن دوران به خوبی دیده می‌شود. (تصاویر ۱۲ و ۱۳).



تصویر ۱۰- طرحی از پوشاک صاحب‌منصب هخامنشی



تصویر ۱۱- طراحی پوشاک زن هخامنشی



تصویر ۱۲- تندیس سنگی از صاحب منصب پارتی و تندیس مفرغی صاحب منصب پارتی از شمس



تصویر ۱۳- تندیس سنگی ملکه اشکانی - کاخ هترا - عراق



تصویر ۱۴- مجسمه بزرگ شاپور اول - ورودی غار بیشاپور

از عناصر اصلی پوشاک ساسانیان قبایی کوتاه و شلواری پرچین است. شلوار و ساق‌پیچ آنها در میخ‌گره می‌خورد. برای تزئین پوشاک، آن را قلاب‌دوزی می‌کردند. پای‌پوش این دوران تداوم دوران ماد است. پوشاک زنان، پیراهنی گشاد و بلند دراپه^۲ با آستین بلند بود نقش برجسته‌های طاق بستان و نقش رستم و حتی موزایک‌های بیشاپور از زیباترین پوشاک آنها، حکایت می‌کند. چادری کوتاه به عنوان پوشش سر از مهم‌ترین عناصر پوشاک بانوان بوده است که به صورت‌های گوناگون استفاده می‌کردند (تصاویر ۱۴ و ۱۵).



تصویر ۱۵- آناهیتا بخشی از سنگ نگاره‌های بیستون که بر اساس یافته‌ها رنگ آمیزی شده است.

۱- ایرانیان اولین مردمانی بودند که شلوار می‌پوشیدند. واژه Pajama از واژه فارسی باجامه به زبان انگلیسی وارد شده است.

۲- derapeh

پوشاک جنگی (زره)

در دوره اشکانی و ساسانی مردان جنگی خود و اسبشان را زره پوش می کردند. سوار زره پوش ساسانی در نقش برجسته طاق بستان کرمانشاه، امروزه ما را یاد شوالیه های اروپایی می اندازد در حالی که زره پوشان ایرانی سرمشق آنها قرار گرفته است.

در دوره های بعد از اسلام هم مردان جنگی از زره استفاده می کردند (تصویر ۱۶ و ۱۷).



تصویر ۱۶- طرح نیزه دار و کمان دار اشکانی - برگرفته از اسناد تاریخی و نقش برجسته ها

تصویر ۱۷- طرح نیزه دار و کمان دار ساسانی - برگرفته از اسناد تاریخی و نقش برجسته ها

پوشاک دوره اسلامی تا معاصر

تقسیم ابعاد گوناگون فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی با مرز مشخص به پیش از اسلام دوره اسلامی غیرممکن است. زیرا تحولات بنیادی یک باره صورت نمی پذیرد. اما تلفیق هنر کهن با باورهای جدید قابل مشاهده است. پوشاک بومی پس از اختلاط با آیین اسلامی، همچنان رواج داشت اما پوشیدن لباس حریر و ابریشم و به کار بردن زیورآلات برای مردان تحریم شد. در این دوران رنگ پوشاک نقش نمادین داشته است و حتی دوره تاریخی خاصی را نشان داده است.

در دوره اسلامی، پوشاک شامل قبای بلند و شالی بر کمر، شلوار و ساق پیچ بر روی آن بود. پوشاک با نوارهای گلدوزی آراسته می شد. چکمه های تنگ به نام «موزه» یا گیوه و نعلین هم به عنوان پای پوش استفاده می کردند.

نکته قابل توجه، شکل گیری تدریجی عمامه است. بستن دستار روی کلاه در پارتیان هم دیده شده بود. آنچه اهمیت دارد این است که نقش هیچ مردی قبل و بعد از اسلام بدون سرپوش یا سربند دیده نمی شود.

با توجه به کتاب مقامات حریری می توان گفت که در دوران اسلامی رنگ عمامه و دستار براساس موقعیت اجتماعی فرد تغییر می کرد. به عنوان مثال کارگران عمامه آبی، ریسندگان و بافندگان عمامه زرد بر سر می گذاشتند.

پوشاک زنان شامل پیراهن کوتاه آستین دار و قبایی رنگین روی آن بود. شلوار گشاد و

سفیدرنگی هم برتن می کردند و هنگام خروج از منزل چادر سیاه و روبنده می پوشیدند. بعدها در دوران صفویه دگرگونی مهمی در پوشاک ایران به وجود آمد. پارچه های مجلل و پر نقش و نگاری برای تن پوش استفاده کردند که در بالاتنه تنگ و در قسمت دامن گشاد بود. (تصویر ۱۸). گاه جوراب های ساق بلند تا زانو به پا می کردند که با بند محکم می شد و ساق پیچ هم معمول بود. لباس زنان و مردان بسیار مشابه بود، جز آنکه زنان با چادرهای سفید یا آبی و روبنده توری در میان مردم ظاهر می شدند (تصویر ۱۹).

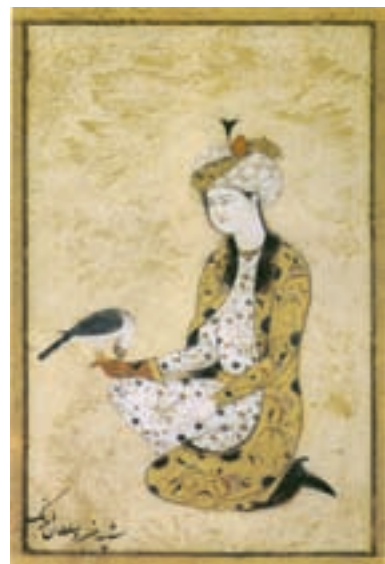
در دوران قاجار برخی از درباریان از پوشاک اروپاییان تقلید می کردند. زنان قاجار دوباره چادر سیاه رنگ را مورد استفاده قرار دادند. شلوار زنانه لیف داری به نام «تنبان» در این دوره معمول شد که همراه دامن پرچین کوتاهی به نام «شلیته» می پوشیدند. گاه تنبان به جوراب ختم می شد و آن را «چاقچور» می نامیدند و بیرون از منزل، در زیر چادر می پوشیدند.



تصویر ۱۸- قباى ابریشمی زربافت دوره صفوی



تصویر ۲۰- پوشاک دوره قاجار - چهره مظفرالدین شاه و صدراعظم عین الدوله - اثر ابوالحسن - رنگ روغن روی بوم.



تصویر ۱۹- پوشاک در نگاره های دوران صفوی

قبا همچنان تداوم یافت و جزء لاینفک پوشاک اقوام ایرانی باقی ماند (تصویر ۲۰). امروزه روحانیون زیر عبای خود، قباهای ساده ای می پوشند.

در دوره پهلوی به فرمان رضاشاه، کشف حجاب اجباری شد با وجود مخالفت های شدید مردم مذهبی، تعدادی از زنان شهری با کت، دامن و کلاه لبه پهن در میان عموم ظاهر شدند. امروزه مانتو، شلوار و پوشش سر به صورت چادر، مقنعه یا روسری برای بانوان متداول می باشد.

پوشاک اقوام ایرانی



تصویر ۲۱- مردان کرد غرب کشور



تصویر ۲۲- دختری از اقوام کرد غرب کشور

در ایران امروزی اقوام مختلف ایرانی با توجه به فرهنگ‌ها، آداب و رسوم خاص و اقلیم خود دارای پوشاک زیبایی هستند. زنان روستایی و ایلاتی و عشایری برای ایجاد تنوع و خوشایندی، اغلب به ترکیب رنگ‌های شاد روی آورده‌اند. اغلب، پوشاک کردهای غرب کشور شبیه به هم است. پیراهن آستین «سُرانی»^۱ که دور میچ یا بازو پیچیده می‌شود، کت‌های مردانه از نوع دو جیب بر روی سینه، شلوار «جافی» و شالی دور کمر روی پیراهن جوراب‌های پشمی رنگارنگ و نوعی پای‌پوش به نام «گیوه»^۲ شب‌کلاهی که دور آن دستمالی ریشه‌دار می‌پیچند از عناصر پوشاک مردان است. پوشاک زنان کرد از شلوار پرچین و پف‌دار که در میچ پا جمع می‌شود، پیراهن بلند با آستین سُرانی و جلیقه‌ای سکه‌دوزی شده و رنگارنگ تشکیل می‌شود (تصاویر ۲۱ و ۲۲). از پوشاک مردان کرد خراسان می‌توان به ساق‌پیچ (پاتاوه) اشاره کرد.

ساق‌پیچ نواری پهن می‌باشد که روی شلوار، دور ساق پا می‌پیچند و از دوران باستان تاکنون مورد استفاده قرار گرفته است (تصویر ۲۵). زنان کرد خراسان، کفش‌های چرمی به نام کوئخ و دامن‌های بلند و پرچین زیر پیراهن می‌پوشند. تشابهات زیادی در میان پوشاک اقوام لر و قشقایی وجود دارد.



تصویر ۲۴- چکمه مادی - پای‌پوش دوران ماد تصویر ۲۵- گروهی از مردان کرد خراسان

تصویر ۲۳- سوارکار مادی با ساق‌پیچ (پاتاوه)

کلاه نمدی، شلوار گشاد و قبای ساده جلو باز آنها شبیه هم است. بختیاری‌ها ردایی پشمین و سفید راه‌راه به نام «شولا» می‌پوشند. زیبایی و رنگارنگی پوشاک زنان لر و قشقایی زیانزد است. علاوه بر پیراهن‌های رنگین، دامن‌های پرچین و بلند می‌پوشند. زنان قشقایی گاهی شش یا هفت دامن را روی هم می‌پوشند. که بسیار باشکوه است. جلیقه مخملی با یراق‌دوزی نیز روی پیراهن می‌پوشند زنان لر سربند زیبایی دارند که شامل کلاهی کوچک و دستاری پیچیده شده به دور آن است که با زیورهای آراسته شده است. زنان عشایر ترک همدان هم سربندهایی شبیه عمامه دارند. امروزه پای‌پوش آنها گیوه‌هایی است که با نخ پنبه‌ای بافته شده است. از گیوه‌های معروف می‌توان به گیوه

۱- قطعه‌ای مثلثی در لبه آستین

۲- این نوع پای‌پوش به گیوه کلاش معروف است.

کرمانشاهی و گیوه شیرازی^۱ اشاره کرد (تصاویر ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱).

پوشاک مردم سواحل دریای خزر به هم شباهت بسیاری دارد. مردان جوراب‌های پشمی بلند و ساق‌بند (پاتاوه) بر روی شلوار و پای‌پوشی معروف به «چاروق^۲» و «چوموش^۳» می‌پوشند. پوشاک زنان، شامل روسری سفید به نام «لچک» و دامن‌های پرچین بلند با نوارهای رنگی است که از زیبایی بی‌نظیری برخوردار است. از بارزترین عناصر پوشاک آنها چادر شبی است که به صورت سه‌گوش دور کمر می‌بندند (تصویر ۳۲).



تصویر ۲۶- کلاه مرد قشقایی



تصویر ۲۹- دختر بختیاری در حال درست کردن مشک - ایزه - خوزستان



تصویر ۲۷- زن قالی‌باف قشقایی و مرد قشقایی



تصویر ۳۰- زنی از عشایر ترک همدان



تصویر ۲۸- عروسی ایل بختیاری - مردان هنگام چوب‌بازی - شهرکرد

۱- معروف‌ترین گیوه شیراز به ملکی شهرت دارد.

۲- چاروق پای‌پوش زمستانی است که از جرم یک تکه ساخته می‌شود.

۳- چوموش چکمه‌های چرمی و بنددار است که از دوران ماد تاکنون رواج دارد.



تصویر ۳۱- گیوه کرمانشاهی

تصویر ۳۲- زنان گیلان در حال جمع‌آوری محصولات کشاورزی

اقوام بلوچ، پیراهن یقه‌گرد کتان و شلواری گشاد (دم‌پاتنگ) می‌پوشند و عمامه‌ای طویل بر سر می‌بندند که ابتدای آن را مانند تاج برافراشته نگاه می‌دارند ولی انتهای آن را تا کمر آزاد می‌گذارند. در پوشاک زنان بلوچ، سوزن‌دوزی‌های ظریف و پرکار روی یقه و سرمیچ آستین و دم‌پای شلوار شهرت زیادی دارد (تصویر ۳۳ و ۳۴). در سیستان از برگ نخل وحشی (داز) و سپس خرما کفش‌هایی می‌بافند که به جرئت می‌توان گفت قدمتی چندین هزار ساله دارد.



تصویر ۳۳- مرد بلوچ

تصویر ۳۴- زن بلوچ



تصویر ۳۵- زن و مرد ترکمن

در پوشاک ویژه مردان ترکمن کلاهی پوستی از پشم گوسفند و پیراهن یقه‌گرد بلند و قبا است. برخی از پژوهشگران، پوشاک و زیورهای ترکمن را از مفصل‌ترین جامه‌های ایرانی می‌دانند. زنان ترکمن پیراهن بلند، شلوار و جوراب سوزن‌دوزی شده می‌پوشند. جوراب‌های پشمی و ابریشمی آنها بسیار زیبا و معروف است. مهم‌ترین بخش پوشاک زنان، چارقد بلند و مجلل و ریشه‌دار و کلاهی به نام «عرقچین» است که آن را با انواع تزیینات می‌آرایند (تصویر ۳۵).

بیشتر مردان بندری خود را در «لنگ» می‌پیچند و یکی دیگر هم به‌دور سر می‌بندند (تصویر ۳۶). پیراهن زنان تا زانو می‌باشد که لبه‌های آن قیطان‌دوزی شده است. شلوار گشاد آنها دم پا تنگ است و این قسمت از شلوار زردوزی می‌شود. چشمگیرترین بخش از پوشاک زنان بندری روبنده‌ای به نام بتوله (بُرَق) است که آنها را از آفتاب و نگاه بیگانگان محفوظ می‌دارد (تصویر ۳۷).



تصویر ۳۶- مردان بندری

زیورآلات گوناگونی در طول تاریخ مورد استفاده زنان و مردان قرار گرفته است که به اختصار به آن می‌پردازیم.

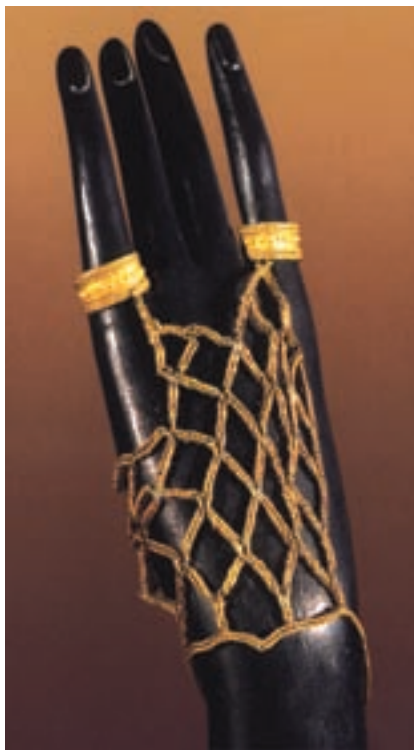
از جالب‌ترین زیورآلات باستانی می‌توان به حلقه نامزدی در دست چپ ملکه ناپیراسو در دوره ایلامیان اشاره کرد (تصویر ۳۸). از آن زمان یا قبل‌تر هم می‌توان تزیینات لنگو را مشاهده کرد. در ایران باستان زینت‌آلاتی مانند گوشواره، لنگو، بازوبند، گردنبند، انگشتر مهردار، کمر بند و ... میان زن و مرد استفاده‌ای یکسان داشت. احتمال دارد گیس‌بند و سنجاق سر، دستبند طلا^۱ مخصوص زنان باشد (تصویر ۳۹). مرصع کاری از دوره هخامنشی متداول است اما در دوره ماد زیورآلات خاصی در زیویه ساخته می‌شود. وجود معادن فراوانی از سنگ‌های قیمتی سبب شد در دوره ساسانی حتی طبقات پایین هم از جواهرات و زیورآلات استفاده کنند (تصاویر ۴۰، ۴۱، ۴۲ و ۴۳).



تصویر ۳۷- زن بندری با بتوله



تصویر ۴۰- لنگوی طلا با نقش شیر از زیورآلات دوران هخامنشی - زاین موزه سیهو



تصویر ۳۹- دستبندی از زنجیرهای طلا متصل به حلقه‌های انگشتری - دوره ماد - زیویه کردستان



تصویر ۴۱- گردنبند طلا با سنگ‌های قیمتی - با نقش فروهر و صحنه شکار - از زیورآلات هخامنشی



تصویر ۳۸- تصویر بازسازی شده از تندیس ملکه ناپیراسو - دوره ایلامی

۱- این نوع دست‌بند به کمک زنجیر به حلقه‌های انگشتری متصل می‌شده است.



تصویر ۴۳- بازوبند طلایی با طرح شیردال - گنجینه جیحون - موزه بریتانیا - انگلیس



تصویر ۴۲- پلاک و انگشتر مهرداد با نقش ملکه پارسی - گنجینه جیحون - موزه بریتانیا - انگلیس

از قرون اولیه اسلامی از زیورآلات زنان اطلاع چندانی در دست نیست. ولی از آنچه در نقاشی‌ها و مجسمه‌ها یا نوشته‌های کتاب‌های آن زمان به دست آمده می‌توان دریافت، مصرف نقره برای مردان مجاز بود ولی طلا ممنوعیت داشت، اما طلا در زیورآلات زنان کاربرد داشته است. از تاج زنان ایلخانی رشته‌هایی بلند از مروارید آویزان بوده که تا زیر گوشواره هم ادامه داشته است.

در دوره قاجار از زیورآلات مردان ساعت جیبی بود که مزین به جواهرات می‌شد. در آن با فشار باز می‌شد و به وسیله زنجیری که یک سر آن به ساعت و سر دیگر آن در جیب قلاب شده بود، درون جیب قرار می‌گرفت.

زیورآلات زنان قاجاری شامل گوشواره‌های پرکار بلند و اغلب به شکل ماه یا قطره اشک مرصع کاری یا میناکاری می‌شد. غیر از زیورآلات مرسوم از خلخال و سنجاق روبنده هم استفاده می‌کردند. استفاده از این زیورآلات در میان اقوام امروزی ایران هم رایج است. بانوان کرد غیر از زیورآلات مرسوم از سکه و خرمهره بر روی جلیقه و پیشانی بند استفاده می‌کنند.

از زیورآلات خاص زنان بلوچ و جنوب کشور خلخال و پلک (حلقه‌ای در بینی) قابل توجه است. زیورآلات زنان ترکمن چنان سنگین و برجسته و با نقش و طرح‌های بکر ساخته می‌شود که شباهتی به زیورآلات اقوام دیگر ندارد. زنان ترکمن این زیورها را به لباس خود می‌دوزند یا آن را به خود می‌آویزند (تصویر ۴۴).



تصویر ۴۴- زیورآلات در پوشش زن ترکمن

تأثیرات فرهنگی در پوشاک

زمانی که ایران، قدرتمند و مهد تمدن مشرق زمین بود، الگویی نیز برای ملل تابع به شمار می‌رفت. بیشتر ملل خواه و ناخواه تابع آداب، رسوم و فرهنگ ایران بودند. نمونه نوآوری‌های متعدد در پوشاک و نفوذ آن در شرق و غرب این مطلب را تأیید می‌کند.

ایرانیان، نخستین مردمی بودند که کت و شلوار می‌پوشیدند، خود و اسبشان را زره‌پوش

می کردند، پوشاک مناسب سواری می پوشیدند و برای نخستین بار در چوگان بازی لباس ورزشی استفاده می کردند^۱ (تصویر ۴۵).



تصویر ۴۵- شکار قوچ - بشقاب سیمین - دوره ساسانی - طرح بازسازی شده از گنبد سلطانیه در زنجان

همچنین می توان به دستکش مادها، انواع کلاه برای موقعیت های گوناگون اجتماعی، چکمه های چرمی مادها^۲ و شال^۳ اشاره کرد.

در دوران های بعد وقتی یونان و روم مسلط بر قوم ها شدند، فرم پوشاک آنها مورد توجه جهانیان قرار گرفت و هنگامی که فرانسه به اوج تمدن رسید، مُد فرانسوی مورد تقلید واقع شد. بعد از جنگ جهانی دوم مد آمریکایی نفوذ زیادی در میان ملل دنیا پیدا کرد.

در هر حال آنچه امروز شاهد آن هستیم، فراگیر شدن لباس های رایج عرف جهانی در ایران زمین است. زندگی ماشینی امروز، شرایط خود را می طلبد. لباس کارگران یا لباس های ورزشی، پزشکی، نظامی و ... مثال های خوبی از لزوم پوشاک کاربردی در شرایط خاص است. ما باید چون گذشتگان، ضمن پذیرش نکات ارزنده در کاربرد پوشاک از بیگانگان، گامی هم در جهت تلفیق داشته های غنی فرهنگی خود با آن و ارائه طرح ها و شیوه های نو و اصیل خود داشته باشیم.

۱- نوعی پیراهن آستین کوتاه و شلوار تنگ می پوشیدند و چکمه های پارچه ای به پا می کردند تا راحت باشند. حتی از جنسی پیراهن تهیه می کردند که کمتر عرق کنند. انگلیسی ها پس از آشنایی با چوگان این نوع لباس را به اروپا بردند، بعدها که به آمریکا راه یافت، به تی شرت های امروزی منجر شد.

۲- ژوستینین امپراتور روم شرقی، چکمه های قرمز ایرانی می پوشید.

۳- Shawl در زبان انگلیسی با همین نام خوانده می شود.

پرسش

- ۱- از عوامل مؤثر بر پوشاک در جوامع مختلف سه مورد بنویسید.
- ۲- آغاز بافت پارچه را در ایران توضیح دهید.
- ۳- در کدام دوره پارچه چندتایی به وجود آمد؟
- ۴- هدف از پوشیدن پوشاک چیست؟
- ۵- پوشاک یکی از دوره‌های باستان را شرح دهید.
- ۶- پوشاک دوره صفوی را توضیح دهید.
- ۷- چند پای پوش سنتی را که امروزه هنوز استفاده می‌شود، نام ببرید.
- ۸- درباره پوشاک جنگی دوران اشکانی و ساسانی توضیح دهید.
- ۹- استفاده از سرپوش میان زنان ایرانی از چه زمانی آغاز شده است؟ توضیح دهید.
- ۱۰- درباره پوشاک یکی از اقوام ایرانی توضیح دهید.
- ۱۱- تن پوش زنان ایرانی به طور کلی چگونه بوده است؟

تحقیق کنید

درباره پیشینه پوشاک شهر یا استان محل زندگی خود و پوشاک معاصر آن بررسی کنید. نتایج بررسی را در کلاس عنوان کنید و درباره علل ماندگاری یا تغییر آن گفتگو کنید.

مطالعه آزاد

آثار فرهنگی ثبت شده ایران در فهرست میراث جهانی





مطالعه آزاد



اندیشه کار و تلاش گذشتگان ما در یک تاریخ طولانی و محیط طبیعی و جغرافیایی گسترده و متنوع، آثار ارزشمندی به بار آورده است که زیانزد است و جایگاه مؤثری در فرهنگ و تمدن بشری دارد به طوری که تاکنون چند اثر معماری و شهرسازی ایران یعنی چغازنبیل، تخت جمشید، میدان نقش جهان و بناهای پیرامون آن، تخت سلیمان، پاسارگاد، گنبد سلطانی، ارگ بم، پل بندهای شوشتر و ... در فهرست میراث جهانی به ثبت رسیده است و آثار بسیار دیگری نیز وجود دارد که ارزش و امتیاز ثبت آثار جهانی را دارد. ارگ بم قبلاً در این فهرست ثبت شده بود ولی متأسفانه در اثر زلزله تا حد زیادی از بین رفته است. ثبت آثار ایران در این فهرست نشانه اهمیت این گونه آثار در فرهنگ و تمدن و تاریخ بشری و یا داشتن ارزش‌های ویژه زیست محیطی و تاریخ فرهنگی حیات است.



تخت جمشید

بنای تخت جمشید یکی از عظیم‌ترین، باشکوه‌ترین، غرورآمیزترین مجموعه‌های تاریخی ایران و جهان است. ساخت این بنای مجلل به دست داریوش اول در قرن ششم قبل از میلاد آغاز شد. جلگه وسیع مرو دشت دارای پیشینه تاریخی بسیار کهنی بود، پس بنای تخت جمشید را در دامنه کوه رحمت که از نظر پارسیان مکان مقدسی بود، بنیان نهاد.

نام اصلی این مجموعه «پارسه» بود. یونانیان آن را پرسپولیس می‌نامیدند. حدود ۲۰۰ سال این بنا آباد بود و از مراکز بسیار مهم اداری و حکومتی به‌شمار می‌رفت که از نظر آیینی، مذهبی و تشریفاتی نیز اهمیتی خاص داشت. از مجموعه کاخ‌های تحسین‌برانگیز تخت جمشید، اکنون جز ویرانه‌های به یادماندنی و منحصر به فرد، چیزی باقی نمانده است.



چغازنبیل

این کهن‌ترین اثر ایرانی در ابعاد و خصوصیات خیره‌کننده‌ای است که با اهرام مصر برابری می‌کند و بزرگ‌ترین زیگورات جهان است. بنای جذابی است که عواطف شدید مذهبی را از طریق تجسم کوه بیان می‌کند. این بنا در دشت پهن شهر دوراوتاش نزدیک شوش به وسیله اونتاش گال شاه ایلام در ۱۲۵۰ پیش از میلاد ساخته شد. بنای این زیگورات در پنج طبقه پلکانی و از خشت خام ساخته شده است و ملات گل و آهک و قیر آنها را به هم پیوند داده و سطح ساختمان با آجر پخته لعابدار به رنگ آبی و سبز براق (متالیک)^۱ نماسازی شده است. در این بنا خاتم کاری با عاج

۱- جلالی فلزی

نیز به کار رفته و درهای چوبی آن با آینه کاری مات (حیوانات در حال جست و خیز را نشان می دهد) زینت یافته شده است.

زیگورات چغازنبیل پیش از آنکه کامل شود به دست آشور بانیپال تصرف و ویران شد. سه بنای کوچک آجری دایره ای شکل در سه سوی زیگورات ساخته شده بود که تنها یکی از آنها سالم مانده است. این سه بنا به احتمال زیاد یک رصدخانه خورشیدی برای گردش خورشید و سال شماری و استخراج تقویم بوده است. در چهار سوی این بناها چهار آفتاب سنج آجری به شکل طاق نما وجود دارد که با آفتاب سنج رصدخانه نقش رستم شباهت زیادی دارد. این طاق نماها به شکل چند قوس پشت سر هم به ترتیب کوچک می شوند و این شکل خاص در آیین معماری باستان جایگاه ویژه ای دارند.



میدان نقش جهان

میدان نقش جهان در زمان شاه عباس اول، به منظور پاسخگویی به نیاز روزافزون پایتخت جدید صفویان به توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساخته شد و مرکز قدیمی شهر (میدان کهنه) را از رونق انداخت. سر در بازار قیصریه در شمال، کاخ عالی قاپو در غرب، مسجد امام در جنوب و مسجد شیخ لطف الله در شرق میدان واقع شده است و در فاصله میان این بناها، غرفه های دو طبقه ای قرار دارد.

میدان نقش جهان در دوره صفوی محل برگزاری جشن های رسمی، رژه های قشون، مسابقات چوگان، سوارکاری و تیراندازی بوده است. دو دروازه سنگی چوگان در شمال و جنوب میدان، یادگار روزگار اهمیت و اعتبار این میدان تاریخی است.



عمارت عالی‌قاپو دارای شش طبقه ساختمان است که هر طبقه آن تزیینات ویژه‌ای دارد که با وجود لطمه‌های جبران‌ناپذیر بر تزیینات آن، هنوز هم شاهکارهایی از گچبری‌های دوره صفوی را نشان می‌دهد.

مسجد شیخ‌لطف‌الله یکی از شاهکارهای هنر معماری و کاشی‌کاری است. کتیبه سر در مسجد به خط ثلث علیرضا عباسی و معمار و بنای مسجد، استاد محمدرضا اصفهانی است. مسجد امام مجموعه‌ای از تأسیسات شهری (بازارچه، مدرسه، حمام، مغازه و دیگر بناهای وقفی) را دربرمی‌گیرد و این در شهرسازی ایرانی سنت بوده است. در حیاط مدرسه جنوبی مسجد، سنگ مثلث شکلی نصب شده که ظاهر حقیقی اصفهان را نشان می‌دهد و گفته می‌شود که محاسبه دقیق آن را «شیخ بهایی» دانشمند مشهور صفوی انجام داده است.



تخت سلیمان

تخت سلیمان در شهر تکاب در آذربایجان غربی، یکی از ارزشمندترین مراکز تاریخی و فرهنگ ایران و جهان به شمار می‌رود. در تخت سلیمان بقایایی از آثار چند دوره قبل از اسلام، در اطراف دریاچه‌ای طبیعی موجود است. دیوارهای شهر طویل و ضخیم است. دو دروازه و تعداد زیادی برج دارد و در داخل آن آتشکده بزرگ آذر گشنسب، معبد آناهیتا و نیز کاخهای متعددی قرار گرفته‌اند. همچنین یک قلعه در داخل شهر قرار دارد. خرابه‌های قصری از دوره سلجوقی هم در آن دیده می‌شود که در دوره ایلخانی مرمت و بازسازی شده است.

آبادانی و گسترش تخت سلیمان در دوران ساسانیان بوده که از نظر اعتقادی و باورهای دینی برای آنها اهمیت فراوانی داشته است.

تخت سلیمان که مجموعه‌ای از دوران ماد تا ایلخانی را در خود جای داده و روی تپه‌ای طبیعی ساخته شده است (این تپه حاصل رسوب‌های دریاچه‌ای است که در ته آن چشمه‌ای می‌جوشد). هم‌جواری این مجموعه با گودالی بزرگ و در قله کوه به نام زندان سلیمان که از شگفتی‌های طبیعی است، ویژگی‌های فرهنگی طبیعی این مجموعه را در جهان، منحصر به فرد می‌سازد.



پاسارگاد

جلگه پاسارگاد در دشت مرغاب در شمال تخت جمشید واقع شده است. پاسارگاد از چندین کاخ جدا و پراکنده در جلگه‌ای پهناور تشکیل شده و نخستین

پایتخت هخامنشیان بوده است. تا پایان حکومت هخامنشی مراسم تاج‌گذاری در پاسارگاد انجام می‌شد. کاخ‌های پاسارگاد همگی در میان باغ‌های پرآب و سرسبز قرار گرفته بودند.

نام پاسارگاد همیشه با نام آرامگاه کوروش مترادف است. این آرامگاه دارای یک بنای چهارگوش ساده از سنگ سفید با سقف شیروانی بر یک هرم پلکانی ساخته شده است و در عین سادگی، نمایشگر قدرت و اقتدار بنیان‌گذار سلسله هخامنشی است.



گنبد سلطانیه

بنای گنبد سلطانیه مظهر تجلی هنر، ذوق، زیبایی و شکوه خاصی است. در دوره ایلخانی توسط سلطان محمدخدا بنده (الجایتو) ساخته شده است. معمار بنا، علی‌شاه تبریزی این بنا را بر اساس اصول معماری منحصر به فرد زمان خود با پلان هشت ضلعی ساخته است. قطر گنبد دو پوسته پیوسته دهانه بزرگی دارد و در بیرون با کاشی‌های زیبای فیروزه‌ای پوشش یافته است.

این ساختمان یکی از باشکوه‌ترین آثار دوره اسلامی و از لحاظ بزرگی سومین

گنبد بلند جهان^۱ و اولین و عظیم‌ترین گنبد جهان از لحاظ آجری بودن محسوب می‌شود.



طرح بازسازی شده از گنبد سلطانیه در زنجان

بیستون

پس از آن که داریوش، امپراطوری ایران را به دست گرفت، دستور داد سنگ‌نگاره‌ای بزرگ در پای کوه بیستون (مکان مقدس مادها و پارس‌ها) که بُستان هم نامیده می‌شود حک شود. این سنگ‌نگاره یکی از با ارزش‌ترین اسناد تاریخی به جا مانده از دوران باستان در جهان محسوب می‌شود. در نقش برجسته آن در زیر نقش فروهر^۲ داریوش با قامتی بزرگتر از بقیه نقش برجسته‌ها، گئوماتای غاصب را دستگیر کرده است و شورشیان در بند دیده می‌شوند.

کتیبه تاریخی بیستون به سه زبان میخی بابلی، ایلامی و پارسی حک شده است. دو کتیبه کوچک و بزرگ دارد. کتیبه بزرگ شامل پرستش و اطاعت از «اهورا مزدا» و وقایع دو سال نخست سلطنت داریوش است. کتیبه کوچک شامل حوادث بعدی دوران امپراطوری وی است.



۱- پس از سانتاماریا در فلورانس ایتالیا و ایاصوفیه در شهر استانبول ترکیه بزرگترین گنبد محسوب می‌شود.

۲- فروهر فرشته‌ای آسمانی و مأموری از جانب خدای اهورامزدا بود که به زمین فرستاده شده بود تا همواره یادآور و راهنمای انسان برای رسیدن به کمال و ملکوت اعلا باشد.

منابع و مآخذ

— احمد، آریا منش — کرشمه خوشنویسی تولدی دیگر، انتشارات یساولی —

چاپ سوم ۱۳۸۷

— محمد پناه، بهنام — کهن دیار — انتشارات سبزان — ۱۳۸۵

— جعفری، کیوان و کبری نژاد، رضا — خلاقیت موسیقی — انتشارات راه

اندیشه — ۱۳۸۳

— نسل شریف، افسانه — خلاقیت نمایشی — انتشارات راه اندیشه — ۱۳۸۶

— جی کلارک و — سیری در صنایع دستی — انتشارات بانک ملی

— پرفسور پوپ، آرتور — معماری ایرانی (پیروزی شکل رنگ) مترجم کرامت

الله افسر — انتشارات یساولی — ۱۳۶۵

— نامجو، عباس — سیمای فرهنگی ایران — انتشارات عیلام — چاپ ۱۳۷۸

— امینی، همایون — صد جلوه از میراث ایران، نشر قلمرو آفتاب — چاپ اول

۱۳۷۸

— بور کهارت، تیتوس — هنر اسلامی (زبان ویان) — ترجمه مسعود رجب نیا —

انتشارات سروش — ۱۳۶۵

— تاریخ لباس ایران — رنج دوست، شبنم — مؤسسه انتشاراتی جمال هنر —

چاپ اول — پاییز ۸۷

— رحیمی، پریچهر — نگرشی بر پوشاک ایران از هزاره پنجم پیش از میلاد تا

اواخر دوره هخامنشیان — دانشگاه هنر — ۱۳۸۵

— چیت ساز، دکتر محمدرضا — تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله

مغول — انتشارات سمت — چاپ دوم — ۱۳۸۶

— بلوک باشی، علی — قالی شویان (مناسک نمادین قالی شویی در مشهد

اردیال) — دفتر پژوهش های فرهنگی — ۱۳۷۹

– دکتر هنری، مرتضی – نوروزگان – انتشارات سروا – چاپ اول ۱۳۷۷
– محمدی، حسین – جشن های ایران باستان – جهاد دانشگاهی تربیت معلم
– ۱۳۸۰

– بهنام، محمد – کهن دیار، پناه – انتشارات سبزان – چاپ دوم ۱۳۸۶
– زارعی، باباله – کتیبه کوفی مسجد جامع قزوین – انتشارات وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی – چاپ اول – تابستان ۱۳۷۳
– گری، بازیل – نگارگری ایران – عربعلی شروه
– پاکباز، روئین – نقاشی ایران از دیر باز تا امروز – نشر نارستان
– راشد، محمد تقی – کتیبه های ایران باستان – محصل / دفتر پژوهشهای
فرهنگی – چاپ اول
– شیر، حسین – آموزش خط معلی – انتشارات هم مهین – چاپ سوم –
بهار ۱۳۸۸

– داندامایف، محمد – ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی – مترجم
روحی ارباب – انتشارات علمی فرهنگی – ۱۳۸۱
– سلطان زاده، حسین – تخت جمشید – دفتر پژوهش های فرهنگی – تهران
۱۳۷۹

– یآوری، حسین – آشنایی با هنرهای سنتی – چاپ غزل باران – بهار –
۱۳۸۶

– پرایس، کریستین – تاریخ هنر اسلامی – مترجم مسعود رجب نیا – انتشارات
علمی و فرهنگی – ۱۳۶۴
– اتینگهاوزن، ریچارد – هنر و معماری اسلامی جلد ۱ و ۲ – مترجم دکتر
یعقوب آژند – انتشارات سمت – ۱۳۷۸
– گریشمن، رومن – هنر ایران – مترجم یعقوب آژند – انتشارات مولی –
۱۳۸۲

– پوپ، آرتور – سیری در هنر ایران – گروه مترجمان سیروس پرهام –
انتشارات علمی و فرهنگی – ۱۳۸۸
– دورانت، ویل – تاریخ تمدن – نشر انقلاب

- غیبی، مهرآسا – پوشاک اقوام ایرانی
- ضیاءپور، جلیل – پوشاک ایران باستان
- متین، پیمان – پوشاک ایرانیان – دفتر پژوهش‌های فرهنگی – چاپ دوم

۱۳۸۶

- عشایر ایران – کسرائیان، نصراله – مجموعه عکس
- ایران زمین – ویت، جیمز – جمیله حیدری – مجموعه عکس
- Kuhrt, Amelie, The Persian Empire, 2007, Routledge
- Sarkhosh Curtis, Vestis, Birth Of The Persian Empire, 2005, British Museum
- Canby, Sheila, The Golden Age Of Persian Art, 2000, Abrams
- Grabar, Oley, Masterpieces Of Islamic Art, 2009
- Grabar, Oley Early Islamic Art, 2005 Yale University
- Rogers, J_M, The Arts Of Islam, 2007

نشریات

- مجله گردشگری شماره ۱۳ شهریور ۸۱ و شماره ۴ فروردین ۸۲
- رساله اخوان الصفا – فصل نامه هنر زمستان ۷۴ و بهار ۷۵
- حکمت کهن، منظر جدید – باغ ایرانی – موزه هنرهای معاصر پاییز –

۱۳۸۳

- نشریه دست‌ها و نقش‌ها – ویژه زیورها و گوهرها – شماره ۲ زمستان ۷۶
- نشریه ایران زمین – سال دوم شماره ۵ و ۴ – تابستان ۷۲
- نشریه هنرهای تجسمی – دوره جدید – شهریور ۸۴ – شماره ۲۳
- نشریه رشد آموزش هنر – شماره ۸ – دوره چهارم، شماره ۲ زمستان ۱۳۸۵
- آرشيو انحصاری عکس دفتر انتشارات کمک آموزشی – سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، عکاسان: هاتف همایی، مجید ناگهی، افشین بختیار، رضا بهرامی

